

سخن مترجم

این دستور زبان ترجمه ویرایش نشده کتابی است به زبان فرانسه با عنوان « Grammaire descriptive de turkmene a l'usage des francophones » (دستور توصیفی زبان ترکمنی برای استفاده فرانسوی زبانان) که آقای فیلیپ اشمرکا بلاشه از فرانسه آن را در استانبول به زبان فرانسه به چاپ رسانده‌اند. ایشان همچنین فایل تایپ کامپیوتری این کتاب را در شبکه جهانی اینترنت قرار داده‌اند که با تایپ عنوان آن در موتورهای جستجو قابل دسترسی است. با توجه به خلأ موجود در بین ترکمنهای ایران از لحاظ دستور زبان ترکمنی، اینجانب تصمیم به ترجمه و چاپ آن گرفتم ولی چون این اثر با رویکرد زبانشناسی سنتی که رویکرد نسبتاً منسوخی می‌باشد نوشته شده است؛ در اواسط کار ترجمه به این نتیجه رسیدم که اثری که تألیف داخل و با رویکرد زبانشناسی جدید نوشته شده باشد بیشتر مفید خواهد بود. به همین خاطر از چاپ این اثر منصرف شدم ولی چون قسمت زیادی از کتاب ترجمه شده بود تصمیم گرفتم آن را تا انتها ادامه داده و در اینترنت قرار دهم تا مورد استفاده هموطنان و همزبانان عزیز قرار گیرد. اینجانب هم کنون در حال نوشتن دستور زبانی با رویکرد زبانشناسی جدید هستم که انشاءالله در آینده‌ای نزدیک در صورت فراهم شدن شرایط به چاپ خواهد رسید.

لازم به ذکر است که مدتی بعد از شروع ترجمه اطلاع حاصل شد که آقای بلاشه متأسفانه دار فانی را وداع گفته‌اند. ایشان علاقه زیادی به زبان و فرهنگ ترکی به خصوص ترکمنی داشتند و کتابی نیز در فرانسه با عنوان « parlons francais » (ترکمنی صحبت کنیم) به چاپ رسانده بودند. برای ایشان غفران الهی را مسئلت می‌کنیم و به زبانی که بدان علاقه داشت به او می‌گوییم:

Philippe aga ýatan ýeriň ýagty we ruhuň şat bolsun.

اسلام هورن

تشکر و قدردانی

در پاریس ، علاقمندم از استاد راهنمایم آقای پروفیسور رمی دور که مرا یاری کردند تا بتوانم این اولین دستور توصیفی زبان ترکمنی با الفبای لاتین را به زبان فرانسه بنگارم تشکر میکنم. همچنین از خانم کاترین پوژول دانشیار INALCO پاریس به خاطر رهنمودهای آموزشی و حمایتی که در تمام طول این تحقیقم ، چه در استانبول و چه در پاریس ، به من ارزانی داشتند تشکر میکنم. در استانبول، مراتب ادب خود را به آقای استفن یراسیموس، مدیر IFEA به خاطر استقبال و حمایت لجستیکی از من به هنگام مسافرتهایم در ترکیه، اعلام می دارم. همچنین از آقای الکساندر تومارکین مسئول دیده بانی آسیای مرکزی و قفقاز که علاقه ای ویژه برای تحقق یافتن این کار نشان دادند تشکر می کنم.

در عشق آباد، از رئیس انستیتو آموزشی آزادی خانم Roza Gaipowna Nepesowa بخاطر تشویق هایشان و اینکه امکانات تکنیکی مؤسسه تحت مدیریت خود را به هنگام اقامتم در عشق آباد در اختیار من گذاشتند تشکر می کنم. همچنین بدینوسیله به آقایان Berdi Hojaýew دستور نویس و نویسنده آثار علمی فراوان درباره زبان ترکمنی، و آقای Aman Nurmuhammedow و آواشناس، که هر دو عضو آکادمی علوم ترکمنستان می باشند، به خاطر پاسخگویی به سؤالات بیشماری که در مدت چندین ماه در دفتر کارشان در آکادمی مطرح میکردم مراتب سپاس صمیمانه و گرم خود را اعلام می دارم. آقای Juma Orazklyçew مسئول بخش امور اروپایی وزارت امور خارجه ترکمنستان، اخذ مجوز اقامت در ترکمنستان و همچنین مجوز استفاده از کتابهای کتابخانه های ترکمنستان را برایم تسهیل کردند. بدین وسیله قدردانی خود را از ایشان اعلام میدارم. در کتابخانه ملی ترکمنستان از خانم ها Tatiana Berdnikowa و Natalia Ýurhanýan به خاطر لطف و حوصله شان در جوابگویی به نیاز های من در مورد منابع زبان ترکمنی تشکر می کنم. از پروفیسور Sapargulyýew مدیرانتشارات Magaryf در عشق آباد به خاطر رهنمودهای ارزشمند دستوری شان و اینکه صمیمانه تمام کتابها و جزواتی را که برای درک تغییرات الفبایی زبان ترکمنی نیاز داشتم در اختیارم گذاشتند قدردانی می کنم. در اینجا خانم Nargül Kulmämedowa را سپاس میگویم که مرا با آوازاها و رقص های ترکمنی آشنا کردند. و در نهایت درود صمیمانه می فرستم به دوستانم در عشق آباد، Geldi ، Serdar، Aýbölek ، Jennet و دیگران که با صبر و حوصله به سؤالاتم جواب دادند و با گشاده رویی و علاقه دانسته های خود را درباره زبان ملی کشورشان، که

آنها نیز همزمان با من الفبای جدید آن را تجربه می کردند و الآن باید آن را به کار ببرند؛ به من انتقال دادند.

پیشگفتار

این دستور که در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد نگارش یافته، برای استفاده دانشجویان فرانسوی زبانی است که علاقمند به آشنایی با زبان ترکمنی هستند. فهم این دستور شناخت ویژه ای از زبانهای دیگر (ترکی، فارسی، حتی روسی) را ایجاب نمی کند ولی به دلیل تعلق زبان ترکمنی به شاخه غربی گروه زبانهای ترکی از خانواده زبانی اورال-آلتائیک^۱، تسلط بر زبان ترکی می تواند یادگیری زبان ترکمنی را تسهیل کند.

امروزه در کشورهای مختلف کره خاکی گونه های مختلف زبان ترکی به عنوان زبان رسمی به کار می رود. از این بین بدون تردید، مهمترین آنها ترکیه می باشد، علاوه بر این کشور میتوان از ازبکستان، قزاقستان، آذربایجان، قرقیزستان، جمهوری قبرس شمالی و ترکمنستان نام برد. اگر بخواهیم تعداد نفوس این کشورها و ترک زبانان جمهوری خودمختار تاتارستان فدراسیون روسیه، اویغورهای چین و جمعیت های ترک زبان کریمه، باشغیرها، یاکوت ها و ترک زبانان فراوان ایران، افغانستان، تاجیکستان و بالکان اروپا را حساب بکنیم، جمعیتی حدود ۱۸۰ میلیون ترک زبان از اروپای غربی تا خاور دور به دست می آوریم. از بین این جمعیت فراوان، ما تصمیم گرفتیم نگاهی ویژه به یکی از جمهوری های مستقل جدید، عضو سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۲، یعنی ترکمنستان و به خصوص، به زبان آن بیندازیم. این اثر، تحت عنوان دستور توصیفی زبان ترکمنی برای استفاده فرانسوی زبانان، اساساً دارای رویکردی آموزشی است. هدف این رساله عبارت است از ایجاد اثری توصیفی از زبانی که توسط چهار میلیون گویشوری به کار برده می شود که در سالهای آینده، هم به خاطر غنای کشورشان از لحاظ مواد اولیه و هم به خاطر فولکلور مادی همیشه زنده شان، به همراه میل و اشتیاق به ایجاد ارتباط با جهان صنعتی، قاعدتاً باید رشدی پرشتاب را تجربه کنند.

منابع مورد استفاده در این اثر، اکثراً در عشق آباد جمع آوری شد. در مرتبه اول، دستور زبان ترکمنی، به زبان روسی اثر م. ی. خامزایف و ن. آ. باسکاکوف قرار دارد. این اثر در سال ۱۹۷۷ نیز منبع اصلی نگارش کتاب «دستور زبان ترکمنی» به زبان انگلیسی توسط اسکار هانسر بوده است. شماره های زیادی از مجموعه Edebiyat we sungat (ادبیات و هنر) در کتابخانه ملی عشق آباد نیز برای ارائه مثال ها در این اثر مورد استفاده قرار گرفت. بخش دیگری از پیکره زبانی برای ارائه مثالها، در کلاس های کرسی زبان و فرهنگ ترکمن در مؤسسه آموزشی آزادی جمع آوری و مورد کنترل قرار

¹ Wi, Radloff, Versuches Wörterbuches der türk dialekten, Mouton & Co, 's Gravenhage, 1960

گرفت. کتاب های زبانشناسی که در فهرست منابع آورده شده در کتابخانه ملی عشق آباد برای مقایسه توضیحات مورد استفاده قرار گرفت.

این اثر اولین اثر تحقیقی در باره ساختارهای دستوری زبان ترکمنی نیست؛ ولی از دو نظر متمایز است: این اثر، اولین رساله ای است که به زبان فرانسه با الفبای لاتین تصویب شده در سال ۱۹۹۳ توسط جمهوری ترکمنستان نوشته شده است. ترجمه دستور ترکمنی که در زبان های دیگر مثلاً روسی یا انگلیسی وجود دارد امتیاز زیادی نخواهد داشت. ترجمه از زبان دیگر، اشکالات فرانسوی زبانان را در نظر نخواهد گرفت و مانع یادگیری مستقیم مکانیسم زبان خواهد شد. به عنوان مثال دستورهای زمان شوروی، فصل های زیادی را به تلفظ بعضی از واژه های ترکمنی همانند ö- و ñ- اختصاص می دهند. در حالیکه تلفظ این واژه ها برای فرانسوی زبانها بسیار آسان است. برعکس، پایانه ها، که توسط دستورنویسان روس بسیار سریع و گذرا مورد بحث قرار می گیرد برای فرانسویها بسیار مشکل ساز است؛ در حالیکه این مسئله از نظر روس زبانها یا آلمانی زبانها مسئله ای بسیار طبیعی محسوب می شود. اگر این ضرب المثل ترکی را لحاظ قرار دهیم که میگوید: *Insanlar konuşa konuşa anlaşıp.*² به اهمیت زبان به عنوان ابزار اصلی ارتباط در بافت بعد از شوروی، و جستجوی شرکای اقتصادی و طرف های گفتگوی جدید پی می بریم.

² انسانها از طریق گفتگو به تفاهم می رسند.

الف - ترکمن ها

۱- خاستگاه قومی

ترکمن ها (ترکمان در منابع شرقی) از اعقاب قبایل اغوز هستند که در شمال دریای آرال زندگی می کرده اند و در حدود قرن دهم میلادی، با گسترش امپراطوری سلجوقی به سوی جنوب و غرب مهاجرت کرده اند. بعضی از قبایل در سرزمینی مسکن گزیدند که بعدها به نام آنها نامیده شد. قبایل دیگر راه خود را به سوی آذربایجان و آناطولی ادامه دادند، امری که نشان دهنده خویشاوندی قدیمی آذربایجانی ها و ترک های ترکیه با ترکمن ها می باشد. از حدود قرن دهم میلادی به بعد در نوشته های جهانگردان و جغرافیدانان عرب به اسم «ترکمن» برمی خوریم. در طول قرن شانزدهم، ترکمن ها شاهد مخاصمه ای هستند که در یک طرف شاه ایران و در طرف دیگر خانان ازبک را رودروی هم قرار می دهد و در طول تاریخ نقش جاسوسی دو جانبه را بین این دو طرف متخاصم ایفا میکنند.

بین سالهای ۱۸۷۹ و ۱۸۷۵ آخرین منطقه ترکستان به تصرف روسها در می آید و به امپراطوری تزاری و سپس در سال ۱۹۲۵ به اتحاد جماهیر شوروی ضمیمه می شود. ترکمن ها، مردمانی با فرهنگ و سنتهای کوچ نشینی به مدت چندین دهه تحت سیاست روسی سازی قرار میگیرند که با سیاست اسکان و اشتراکی سازی شوروی شدت می یابد و این امر در دهه ۱۹۳۰ به اوج خود می رسد. این سیاست و پیامدهای آن باعث مهاجرت صدها هزار ترکمن به سوی افغانستان می شود.

قبل از اشغال روسها جمعیت ترکمنستان در حدود ۱۱۵۰۰۰۰ نفر بوده است. ولی به دلیل اینکه هیچگونه حکومت مرکزی وجود نداشته این رقم، تقریبی بیش نیست.^۳

^۳ این رقم را Mehmet Saray در A study of Turkmen people and their incorporation into the Russian Empire

آنکارا، ۱۹۸۹، ص ۸ ذکر می کند.

ترکمن ها به قبایل ، طایفه ها و تیره های مختلف تقسیم می شوند. یازده قبیله اصلی در بین ترکمن ها وجود دارد که به ترتیب حروف الفبا عبارتند از :

قبایل ترکمن⁴

Alili	Ata	Ärsary	Çowdur	Ýmreli	Gökleň	Sakar	Salyr	Saryk	Teke	Ýomut
Onbegi	Nurata	Gara	Çowdur		Ýangah	Garamahmy	Ýalawaç	Biraş	Tohtamyş	Şuni
ýüzbaşy	Ybagata	Bekebül	İgdir		Çakyrbegdil	hojaýnabeg	Garaman	Badanen	Utamyş	Köçektatar
	Omarata	Alaşa	Abdal		Kirik	Syýadagsak	kiçiaga	Alyşa	ýalkamyş	Şaraf
		uka	Burunjuk		kaýy	gyzanmere		Barzaký		Baýramşaly
			Bosajy		Aýderwiş			Gyzylmarat		
			Esenli		Baýyndyr			Doýaşy		
			şoh		Erkekli			Kaşaaly		
					garybalyhan			Suhty		
								Ganlybaş		

۱- Alili

اینها گروه کوچکی را در ترکمنستان تشکیل می دهند و در شمال افغانستان نیز مشاهده میشوند. چند هزار نفر از این قبیله در شمال ایران در اطراف قوچان ساکن هستند.

۲- Ata (یا Ata-türkmen ها)

این قبیله در نزدیکی واحه خیوه ازبکستان ساکن هستند و امروزه همانند قبایل دیگر در کشورهای مختلف پراکنده شده اند. آتا ترکمن ها به سه طایفه تقسیم می شوند: Ybagata Narata و Omarata.

۳- Ärsary

این قبیله در سرزمین وسیعی ، از کناره چپ آمودریا در بخارا تا درون استان بلخ افغانستان سکونت داشته اند ارساری ها امروزه یکی از مهمترین قبایل منسجم ترکمنستان محسوب می شوند. آنها به چهار طایفه : Uka, Alaşa, Gara, Bekebül تقسیم می شوند.

۴- Çowdur

⁴Atanyýazow Soltanşa, Şejere Türkmeniň nesil daragty, (شجره نامه ترکمن ها), Turan-1, Aşgabat, 1994

این قبیله در مسیر منقشلاق به خیوه ازبکستان ساکن بوده اند. در حال حاضر دارای جمعیتی به تعداد چند هزار نفر است. این قبیله اولین قبیله ای است که با روسها روبرو شده است. چودورها به هفت طایفه تقسیم می شوند: Şoh و Esenli, Bosajy, Burunjuk, Abdal, Imdir, Çowdur .

۵- Ýemreli

در کناره چپ آمودریا سکونت دارند. یکی از کوچکترین قبایل ترکمن محسوب میشوند.

۶- Gökleň

اساساً در جنوب غربی کشور و در ایران بین رشته کوه کوپه داغ و دره های البرز زندگی میکنند. گوکلانها غالباً در معرض تهاجم از ناحیه ایران بوده اند و آثار فرهنگ فارسی را در گویش خود حفظ کرده اند که از غیر معیارترین صورتهای زبانی محسوب می شود. گوکلانها با قرار گرفتن تحت حاکمیت شاه ایران موقعیت برتر خود را در بین ترکمن ها از دست داده و جایگاه خود را به تکه ها سپرده اند. یکی از ادبای بزرگ ترکمن ، Magtymguly (۱۸۰۵-۱۷۳۵) از قبیله گوکلان است. این قبیله به هشت طایفه تقسیم می شود: Kaýy , Kirik , Çakir begdili , Yangah , Garib Ali-khan و Erkekli , Baýyndyr , Aýderwiş

۷- Sakar

قبیله ای کوچک هستند که بین بیابان Andköy و شهر ماری زندگی می کرده اند. ساقارها تا حد زیادی با تکه ها در آمیخته اند.

۸- Salyr

از قدیمی ترین قبایل ترکمن محسوب می شوند. در شرق قبیله تکه بین رودهای Saraks و Murgab زندگی می کنند و گروهی مهم را تشکیل می دهند. به سه طایفه تقسیم می شوند: Kiçiaga و Garaman , Ýalawaç

۹- Saryk

در منطقه penjeh و همچنین مناطق Ýolotan و Tagtabazar زندگی می کنند. در طول تاریخ به دلیل جنگهای فراوان و تهاجم از طرف ایران جمعیت شان دچار کاهش شدید شده است. با اینحال ساریق ها به سه طایفه تقسیم می شوند: Gyzyl- , Barzaký , Alyşa , Badanen , Bir-Aş: Suhty , Gojaly , Doýaşy , Marat و Ganly-Baş.

۱۰- Teke^۵

^۵ Teke در زبان ترکمنی به معنی بز است.

این قبیله، آخال- تکه نیز نامیده می شود و یکی از مهمترین قبایل ترکمنستان کنونی است. سرزمین اولیه آنها واحه ماری (مرو قدیم) و آخال می باشد و قلمرو تحت پوشش آنها از دشتهای Igdi تا واحه خیره ازبکستان گسترش می یابد. علاوه بر حضور گسترده در عشق آباد، گویشوران عمده ترکمن های ایران و افغانستان را نیز تشکیل می دهند. تکه ها همچنین در Kyzyl-Arwat در Bayram Ali نیز مشاهده می شوند. گویش تکه به همراه گویش یموت، زبان ملی کشور را شکل می دهد. تکه ها به سه طایفه تقسیم میشوند : Yalkamyş, Tohtomyş و Utamyş. این دو طایفه اخیر به تیره های مختلف تقسیم می شوند :

توغتامیش ها :

: Beg

Mejek و Taýmas, Gara-Gökje, Ýary-Gökje : Gökje

Ýagyr-Baş و Zereň, Kauku : Amaşah

Ýakub و Har : Har

Ak kongur و Kara kongur : Kongur

: Wekil

Kara-Ýürmek, Kanjyk, Ýazy, Kara-Ýüsüf, Çaşkin : Ak-Wekil

Horun

Kakşal, Halil, Haraja, Aryk : Kara-Wekil

اوتامیش ها :

: Syçmaz

Miriş, Elbeh, Topuz, Kara-Ahmat, Perreň, Utjuk

: Bagşy

Borhoz, Sultan-Aziz, Gök, Zeyakyn, Weniş

Ýomut - ۱۱

به همراه تکه ها مهمترین قبایل ترکمنستان محسوب می شوند. سرزمین اصلی آنها حاشیه دریای خزر بوده ولی اکنون در همه جای کشور ، از خیره تا ترکمن باشی (کراسنودسک سابق) پراکنده شده اند. بخشی از زبان ادبی ترکمن بر گویش یموت مبتنی است. یموت ها به چهار طایفه اصلی تقسیم می شوند. این طایفه ها و تیره های مربوط به آنها عبارتند از :

: Şuny

Eýmir, Hoçak, Igdir, Kanýokmaz, Maşrik, Badrak, Daz, Atabaý, Ak

keňirme

: Köçek tatar

Megreme Kuruma, Kyzyl, Ak-kyryn, Kerrik, Kyýak, Heýwedi, Danryk
:Şaraf

Kara-öý, Düyéji, Elgaý, Baga, Jafar-Baý
Baýram şaly (یا یموتهای خیوه):

Jünýet, Kara-hoja, Ürüş-Küçü, Üküz, Uşak, Salak

هرکدام از این طایفه ها به نوبه خود به تیره ها و سپس به خانواده ها تقسیم می شوند. از نظر بعضی از ترک شناسان، تقسیم بندی واقعی بین یمونها عبارت است از: Çamur و Çarwa که اولی یکجانشین و دومی کوچ نشین بوده است. امروزه بر روی پرچم ملی ترکمنستان پنج نقش قالی متعلق به هر یک از پنج قبیله اصلی کشور یعنی Gökleň, Ärsary, Ýomut, Teke و Saryk وجود دارد.

۲- موقعیت جغرافیایی

مجموعه این قبایل قوم ترکمن را تشکیل می دهد. ترکمن ها از غرب به شرق از کناره های دریای خزر تا نواحی شرقی آمودریا، و از شمال به جنوب، از خیوه ازبکستان تا دشتهای خراسان ایران پراکنده اند. همچنین در خارج از مرز، در افغانستان از هرات تا شهر مزار شریف، ترکمن های دور افتاده از وطن اصلی را می توان مشاهده کرد. طبق آمارهای سال ۱۹۹۵ ترکمنستان، ترکیب جمعیتی به ترتیب زیر است:

ترکمنستان: جمعیت کل: ۴۰۵۰۰۰۰

اقوام	تعداد	در صد از جمعیت کل
ترکمن ها	۲۹۶۷۵۰۰	۷۳٪
روس ها	۳۶۴۵۰۰	۹٪
ازبک ها	۳۶۴۵۰۰	۹٪
قزاق ها	۱۰۱۲۵۰	۲,۵٪
ارمنی ها	۴۰۵۰۰	۱٪
اوکراینی ها	۴۰۵۰۰	۱٪
دیگران	۹۷۲۰۰	۲,۴٪

در خارج از ترکمنستان، ترکمن ها نسبت به جمعیت^۶ کشورهای مربوطه، دارای توزیع زیر هستند:

ترکمن های ایران	۸۲۰۸۰۰	۱,۱۸٪
ترکمن های افغانستان	۳۰۵۰۰۰	۱,۳۸٪
ترکمن های ازبکستان	۱۲۵۱۷۲	۰,۵۶٪

^۶ بابایوا، آ. ترکمن های افغانستان، بیلیم، عشق آباد، ۱۹۹۲

ب - زبان و کتابت آن

۱- ویژگی های بنیادی

زبان ترکمنی از سال ۱۹۲۵ تا کنون زبان رسمی جمهوری ترکمنستان است. این زبان همانند زبانهای ترکی، آذری و گاگائو رایج در رومانی و مولداوی به گروه جنوب غربی زبانهای ترکی تعلق دارد که ویژگی اعضای این گروه اشتراک ساختمان واژگانی به ترتیب زیر است:

پایانه ها + پسوند اشتقاق + ریشه^۷

زبان رسمی ترکمنی در واقع زبان استاندارد ادبی ترکمنی است که در دوره شوروی بر پایه گویش های تکه و یموت بنا شده است. گویش های کوچکتر زیادی هم وجود دارند که از تقسیمات قبیله ای مانند Abdal ، Agar ، Alili ، Asgy ، Arabaçy ، Anew ، Baýat ، Burkaz ، Çeges ، Çowdur ، Düýeji ، Handag ، Hatap ، Hazar ، Igdır Keman ، Merkit ، Mukry ، Nohurly ، Olam ، Sakar ، Salyr ، Sanjar ، Surhy و غیره ناشی شده اند. تمام این گویش ها مشابه یکدیگر هستند و تفاوت های بین آنها در میزان تأثیرپذیری از فارسی در گویش های جنوبی است؛ در حالیکه گویشهای شمالی دارای عناصر جغتایی مثل köp «زیاد» هستند و از روسی تأثیر زیادی از لحاظ واژگانی پذیرفته اند. مثلاً کلماتی مثل galstuk «کراوات»، holodnik «یخچال»، kino «سینما»، magazin «مغازه» و krowat «تختخواب» به فراوانی به کار برده می شوند (به لیست کلمات دخیل روسی نگاه کنید). در واقع زبان ترکمنی، زبانی نسبتاً فقیر است که به مدت طولانی صرفاً کاربردی شفاهی داشته است. زبان ترکمنی برای غنی کردن واژگان و بیان عناصر خارجی، به لغات بیگانه متوسل شده است؛ چون ساخت لغات جدید در زبان ترکمنی امر ناآشنایی است. در عین حال تعجب آور نیست که زبان رسمی ترکمنستان، همانند آنچه که در جمهوری های مجاور رخ داده، توانسته است ساختارهای دستور اصیل ترکی خود را حفظ کرده و در عین حال تا حد زیادی واژگان خود را، به خصوص در حوزه های فنی، روسی سازد. با اینحال برخی ویژگی های مختص گویشهای ترکمنی وجود دارد که این زبان را از سایر زبانهای خانواده ترکی متمایز میکند. مهمترین این ویژگی ها عبارت است از نظام واکه ها که در آن واکه های کوتاه و کشیده وجود دارد. در حالیکه این تمایز در زبان های ترکی و آذری وجود ندارد. در پایانه های اسم، صورت حالت مفعول با واسطه در صیغه ها و نحوه کاربرد به طور گسترده ای از سایر زبانهای ترکی متفاوت است. در جایی که زبان ترکی از بندهای موصولی استفاده میکند زبان ترکمنی به فراوانی وجه وصفی را به کار می گیرد. در واقع نظام فعلی زبان ترکمنی در مقایسه با آذری و ترکی

ص ۱۳ ، ۱۹۹۵ ، پاریس ، دستور زبان ترکی ، Maisonnette J. Denis⁷

بسیار ساده شده است. در عین حال در زبان ترکمنی صورت فعلی منحصر بفردی را مشاهده می کنیم که منفی عاداتی نامیده می شود. ما در بخش واجشناسی، تقابل های همخوانی و واکه ای را که بین ترکمنی و سایر زبانهای ترکی وجود دارد مورد بررسی قرار خواهیم داد و صورتهای گوناگون فعلی ترکمن را در بخش ساختواژه (صرف) مطالعه خواهیم کرد.

علیرغم این بعضی تفاوت های دستوری، آوایی و معنایی، زبان ترکمنی زبانی بسیار نزدیک به زبان ترکی است و هر کسی که زبان ترکی بداند میتواند سریعاً ساختارهای بنیادی ترکمنی را درک کند. اگر بخواهیم از لحاظ میزان مشکل بودن دستور زبانهای ترکی قضاوت بکنیم، باید بگوییم که زبان ترکمنی در مقایسه با زبانهای قزاقی و ازبکی زبانی بسیار آسان است.

۲- الفباهای قبل از اصلاح سال ۱۹۹۳

در طول تاریخ کتابت زبان ترکمنی، همانند بسیاری از زبانهای ترکی دیگر متأثر از تحولات سیاسی کشور بوده است. ترکها از قرن ششم میلادی الفبایی رونی^۸، همچنین موسوم به /اورخونی، که از نام رودخانه ای که در شمال مغولستان جاری است گرفته شده، اختیار کرده بودند. بر اساس غلبه یافتن مهاجمین دیگر الفباهای دیگری جایگزین یکدیگر شده اند. بدین جهت متون و سنگ نوشته هایی با حروف مانوی، سریانی، سانسکریت یا علائم تبتی یافت شده است. با گرایش به اسلام^۹ بین قرن های دهم و پانزدهم میلادی، زبان ترکمنی تا سال ۱۹۲۰ به الفبای عربی نوشته میشد. دستنوشته های ترکمنی بسیار کمی به این الفبا وجود دارد، چون فرهیختگان ترجیح میدادند مکاتبات شعر، رسالات و یا گزارش های رسمی را به زبان فارسی بنگارند. در عین حال نوشته های ترکمنی با الفبای عربی، تا حد زیادی از صورتهای جغتایی تبعیت می کرد و کشش واکه ها و هماهنگی واکه ای را نادیده می گرفت. از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۸ اصلاحاتی در الفبای عربی انجام شد تا واکه ها نیز به کتابت در آید.

بعد از کنگره باکو^{۱۰} در سال ۱۹۲۶، در جوی که آرزوی صدور انقلاب بلشویکی وجود داشت، برای اولین بار زبان ترکمنی به منظور تسهیل خواندن توسط خارجی ها، مثلاً ترکها، لاتینیزه شد. به همین خاطر الفبای لاتین ترکمنی مشابه الفبای جمهوری کمالیست انتخاب شد؛ البته با تفاوت هایی چند: -ç و -c در ترکمنستان و ترکیه از لحاظ تلفظ در تقابل بودند. واکه های کشیده با دو بار نوشتن نمایانده میشدند: aa، oo، uu و غیره؛ به استثنای a- که با حرف -ə- نمایانده میشد. واکه های ترکی -i، -ö و -ü- بوسیله حروف اقتباس شده از روسی B، b و y نوشته میشدند. خیشومی -ñ- برای صدای ng به کار می رفت. پسکامی های عربی به ترتیب زیر نوشته می شدند:

⁸ فعالین ملی گرای قزاق برای احیاء و بازگشت دوباره به این الفبا تلاش می کنند.

⁹ Demidow, S.M. تاریخ اقوام معتقد به ادیان در ترکمنستان، Ylym, Aşgabat, 1990, pp.71-119

¹⁰ کنگره ای که توسط شوروی برای ایجاد اقتصاد و ایدئولوژی شورایی تشکیل شد.

ك	K	ق	q
ع	G	غ	

در سال ۱۹۳۱ تصمیم گرفته شد که دو بار نوشتن واکه‌ها برای نشان دادن کشیدگی را کنار بگذارند و حرف‌های q و را حذف کردند؛ چونکه این دو حرف فاقد نقش واجی هستند. در سال‌های ۴۰-۱۹۳۹ تحت حاکمیت استالین تصمیم به تمرکز گرای دوباره با محوریت مسکو گرفته شد و الفبای ترکمنی و همچنین قزاقی، ازبکی و تاتار به سیریلیک تبدیل شد. برای نشان دادن واقعیت‌های آوایی که در الفبای سیریلیک وجود ندارد علائمی زیرین و زبرین بر حروف روسی اضافه شد تا واجهای مختص زبانهای ترکی را منعکس نمایند.^{۱۱} این الفبای سیریلیک با ۳۳ حرف اصلی روسی و پنج حرفی که به خاطر زبان ترکمنی بدان افزوده شده بود، بیشتر از الفبای لاتینی تغییر یافته‌ای که در بالا ذکر شد، واقعیت کوتاه و بلندی نظام واکه‌های زبان ترکمنی را باز نمی‌تاباند. این الفبا دارای ۳۶ حرف آوایی و دو نویسه روسی، نشانه سختی و نشانه نرمی، را در بر میگرفت که این دو نشانه به خودی خود واقعیت واجی ندارند؛ ولی همخوانها یا واکه‌های قبل از خود را سخت یا کامی میکنند. آن دو نشانه فقط در کلمات دخیل روسی یا کلمات وارداتی از زبانهای دیگر که از طریق زبان روسی انتقال یافته‌اند وجود داشت.

الفبای سیریلیک به مدت بیش از پنجاه سال ابزار کتابت زبان ترکمنی بوده است و نخبگانی که امروز در کشور بر سر قدرت هستند و همچنین تقریباً همه جمعیت، همراه با یادگیری همگانی زبان روسی به این الفبا درس خوانده‌اند. البته ترویج الفبای سیریلیک در ابتدا چندان آسان نبوده است چون تنها یک دهه بعد از شکل‌گیری زبان ادبی مطرح می‌شد. تا چندین سال، عدم اجماع به خصوص در مورد نگارش هماهنگی واکه‌ای و املاهای واژه‌های قرضی روسی که در آنها جایگاه تکیه نواختی با زبان ترکمنی متفاوت است، وجود داشت. به عنوان مثال واژه «موتور» که در زبان روسی به صورت MATOP نوشته ولی MOTOP تلفظ می‌شود در زبان ترکمنی گاهی مثل املاهای روسی و گاهی MOTOP نوشته می‌شد. در اوایل دهه ۱۹۵۰ آکادمی زبان تصمیم گرفت که واژه‌های قرضی روسی بدون هیچ‌گونه تغییر صورت اصلی نوشته شود. از آن تاریخ به بعد، حذف دوبل نویسی واکه‌ها برای نشان دادن کشیدگی، املاهای روسی کلمات قرضی و عدم نمایش همگونی همخوانها در املا، باعث تشدید گسستگی بین نوشتار و تلفظ واژه‌ها شده است.

^{۱۱} دستور نویس روس Chimkevich در کتابش تحت عنوان دستور زبان قبیله یموت برای نوشتن قوانین آوایی، الفبایی را به کار

۳- الفبای رسمی جدید لاتین

قانون شماره ۱۱۴۶ بیست و یکم ژانویه ۱۹۹۳، مصوب مجلس ترکمنستان و تأیید شده توسط رئیس جمهور Saparmyrat Ataýewiç Türkmenbaşy تغییر الفبای رسمی را الزامی کرده است. آکادمیسین ها Murad Söýegow ، Pygam Azymow و Sapar Kürýenow به عنوان سرپرست گروه لاتینی سازی و تنظیم الفبای جدید که اکنون رایج است، انتخاب شدند. زبان ترکمنی از اول ژانویه ۱۹۹۶ با الفبای لاتینی نوشته می شود که دارای ۹ واکه و ۲۱ همخوان است. این الفبا از الفبایی که در بین سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۹ اختیار شده بود و از الفبای ترکی و از الفبایی که از قرن آینده^{۱۲} به طور رسمی در ازبکستان به کار خواهد رفت متفاوت است. این الفبا بیش از آنکه الفبای جدیدی که بازتاب دهنده واقعتهای آوایی و واجی ترکمنی باشد الفبایی است که الفبای سیریلیک رایج تا سال ۱۹۹۳ را حرف نویسی (Transliteration) می کند. این تصمیم به تغییر الفبا بیشتر ناشی از انگیزه سیاسی استقلال از قدرت روسیه است تا تصمیمی زبانشناختی که با دقت واقعیت های آوایی و واجی زبان جدید و استاندارد ترکمن را بیان کند. جان کلام اینکه این الفبای جدید، همانند الفبای ماقبل خود، کشیدگی واکه ها و همگونی همخوانها در اسمهای پسوند گرفته را نشان نمی دهد. ذیلاً نحوه تبدیل حروف سیریلیک به حروف لاتین را ذکر می کنیم. حروف داخل کروشه حروفی است که در الفبای آوانگار بین المللی برای آن آواها به کار میرود.

الفبای لاتین جدید ترکمنی

لاتین → سیریلیک	[آ.ب.] ¹³	لاتین → سیریلیک	[آ.ب.]
A, a → A, a	[ɑ]	П, п → P, p	[p]
Б, б → B, b	[b]	Р, р → R, r	[r]
В, в → W, w	[v-w]	С, с → S, s	[s]
Г, г → G, g	[g]	Т, т → T, t	[t]
Д, д → D, d	[d]	У, у → U, u	[u]
Е, е → E/Ýe, e/ýe [e-je]		Ү, ү → Ü, ü	[]
Ё, ё → Ýo, ýo	[jo]	Ф, ф → F, f	[f]
Ж, ж → Ž, ž	[]	Х, х → H, h	[h]
Ж, ж → J, j	[]	Ц, ц → S, s	[s]
З, з → Z, z	[z]	Ч, ч → Ç, ç	[]
И, и → I, i	[i]	Ш, ш → Ş, ş	[]

¹² این رساله قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی نوشته شده است و منظور نویسنده قرنی است که اکنون در آن به سر می بریم. (مترجم)

¹³ الفبای آوانگار بین المللی

Й, й → Ý, ý [j]	Щ, щ → ŞŞ, şş []
К, к → K, k [k]	Ъ, ъ → حذف شده است
Л, л → L, l [l]	Ы, ы → Y, y []
М, м → M, m [m]	Ь, ь → حذف شده است
Н, н → N, n [n]	Э, э → E, e []
Ѓ, ѓ → Ñ, ñ [ŋ]	Ә, ә → Ä, ä []
О, о → O, o [o]	Ю, ю → Ýu, ýu []
Ө, ө → Ö, ö [ø]	Я, я → Ýa, ýa []

ترتیب حروف در این الفبا به صورت زیر است :

a , b, ç, d, ä, f, g, h, i, j, ž, k, l, m, n, ñ, o, ö, p, r, s, ş, t, u, ü, w, y, ý, z

نکات :

در این الفبا نشانه های نرمی Ь - و سختی Ъ - روسی حذف شده است و دیگر در زبان ترکمنی به کار برده نمی شود. در عوض، نشانه نرمی را که در کلمات قرضی روسی وجود دارد، در جلوی -e، با نیم-همخوان Ы - می نویسند. مثال :

роль → rol 'نقش'

пьеса → pýesa 'نمایشنامه'

واجهای نیم-همخوان -ë، -ю و -я به ترتیب به صورت -ýo، -ýu و -ýa نوشته می شود.

حرف سیریلیک -e بر اساس صداهایی که پوشش می دهد در زبان ترکمنی به صورت -ýe یا -e نوشته می شود.

حرف -ц بر اساس آنچه که قاعدتاً تلفظ روسی اش ایجاب می کند به صورت [t+s] نوشته نمیشود؛ بلکه صرفاً به شکل -s نگاشته می شود. این حرف فقط در کلمات دخیل روسی وجود دارد و عملاً توسط ترکمنها -s تلفظ می گردد.

در اولین ویرایش الفبای لاتین سال ۱۹۹۳، -ш در حالت بزرگ به شکل و در حالت کوچک به شکل نوشته می شد ولی در ژانویه سال ۱۹۹۵ به خاطر تسهیل نوشتار با Ş و Ş تعویض شد^{۱۴}.

حرف روسی -ш که قاعدتاً باید [ç+ş] باشد، بدلالی مشابه با آنچه که در مورد حرف -ц گفتیم به صورت جفت ŞŞ نوشته می شود.

در عین حال باید خاطر نشان سازیم که برای -ж، -н و -ч حروف واحد به صورت (-ñ، -ç) انتخاب شده است؛ در حالیکه این حروف نشان دهنده ترکیب آوایی [d+j]، [n+g] و [t+ş] هستند. چند مثال :

¹⁴ اسناد رسمی و کابهای درسی جدید ترکمنی اکثراً در چاپخانه های ترک چاپ میشود. در حقیقت تحت فشار ترکها حرف ş

ترکی جایگزین ... شده است. با اینحال اسکناسهای ترکمنی چاپ شده در انگلستان این کاراکنتر اخیر را دارا میباشد.

Октябрь	→Oktýabr	‘اکتبر’
Ашгабат	→Aşgabat	‘عشق آباد’
Якуп	→Ýakup	‘یعقوب’
Цивилизация	→Siwilizasiýa	‘تمدن’
Ёгын	→Ýogyn	‘کلفت’
Ер	→Ýer	‘زمین، جا’
Сизиң	→Siziň	‘- شما’
Бөлмек	→Bölmek	‘تقسیم کردن’

این الفبا جواتر از آن است که بتوان تعیین کرد که آیا تداوم خواهد یافت یا جای خود را به الفبای دیگر، مثلاً بازگشت دوباره به سیریلیک یا الفبای لاتینی دیگر، همانند زبان ترکی که در مدت بیش از ۶۰ سال خود را تثبیت کرده، خواهد سپرد. علیرغم لاتینی شدن پول ملی، منات، از بدو چاپ در سال ۱۹۹۳ و تداوم روز به روز لاتینی سازی کلمات ترکمنی و حتی روسی بر روی نوشته های تابلوهای اسامی خیابانها، مردم هنوز به این الفبا عادت نکرده اند. در اینجا دو سؤال مطرح میشود: چرا مستقیماً الفبای ترکی که دارای تمام واج های ترکمنی است انتخاب نشده است؟ انتخابی که میتواند ورود ابزارهای انفورماتیک را از طریق ترکیه تسریع نماید. چون ایجاد الفبایی مختص به خود، با حروفی منحصر بفرد همانند Ў- یا Ž-، ایجاد برنامه های رایانه ای و حروف چاپی مخصوص به خود را ایجاب می کند؛ آنهم برای کشوری که اکنون فاقد امکانات مالی لازم برای تعویض تمام کتابهای درسی و روزنامه هایش می باشد مشکل ساز است. از طرفی دیگر، آیا انتخاب الفبای لاتینی ترکمنی نتیجه ای عکس خواسته های مسئولین نخواهد داد: بر اثر عدم آشنایی با نوشتار جدید ترکمنی، بازگشت دوباره به سوی «ارزشهای جا افتاده قبلی» در حال ظهور است: آیا این خطر وجود ندارد که در سالهای آینده زبان روسی خود را به عنوان زبان رسمی واقعی کشور تحمیل کند؟^{۱۵}

¹⁵ سؤال اول نویسنده بجاست ولی سؤال دوم وی بی پایه و بيمورد است. عادت کردن مردم به الفبای جدید، به هنگام تعویض الفبا، فرایندی زمانبر است و نمی توان انتظار داشت که مردم یک شبه عاداتهای گذشته خود را کنار بگذارند. واقعیت ها نیز این امر را تأیید می کند؛ چون امروزه مردم ترکمنستان بیشتر از زمانی که این رساله نوشته شده است با الفبای جدید احساس راحتی می کنند (مترجم).

فصل دو واجشناسی

نظام واجی زبان ترکمنی دارای دو ویژگی عمده است: هماهنگی واکه ای و همگونی همخوانها

الف - واکه ها

زبان ترکمنی دارای نه واکه است که عبارتند از: $y, ü, u, ö, o, i, ä, e, a$. واج $ý$ را به عنوان یک نیم همخوان در نظر می گیریم. هر کدام از این واکه ها می توانند حالت کوتاه و کشیده داشته باشند¹⁶، به همین خاطر زبان ترکمنی در واقع دارای ۱۸ واکه است. به نظر می رسد که این تعداد واکه ها، تا حدودی معرف شکل اولیه زبانهای ترکی باشد.

واکه های نرمکامی یا پسین		واکه های کامی یا پیشین		
غیر گرد (غیر لبی)	گرد (لی)	غیر گرد (غیر لبی)	گرد (لی)	
y	u	I	ü	بسته
	o	e	ö	میانی
A		ä		باز

در کتاب های جدید درسی ترکمنی که به الفبای لاتین نوشته شده، واکه ها به طریق زیر نشان داده

Inçe çekimliler	Ýogyn çekimliler	Dar çekimliler	Giň çekimliler	Dodaklanýan çekimliler	Dodaklanmaýan çekimliler
واکه های رسا	واکه های تیره	واکه های تنگ	واکه های گسترده	واکه های لبی	واکه های غیر لبی
ä e i ö ü	a o u y	i u ü y	a e ä o ö	o ö u ü	a e ä i y

شده اند¹⁷

: A, a

همانند \bar{A} - فارسی تلفظ می شود. در موضع قبل از نیم-همخوان $ý$ کامی و در بسیاری از واژه های قرضی روسی کشیده می شود.

(آپارتمان) $kwartira$ ، (سفید) ak ، (سیاه) $Gara$

¹⁶ به استثنای $\bar{ä}$ که همیشه در حالت کشیده است. این واکه فقط در واژه های قرضی از زبان فارسی دارای حالت کوتاه است.

¹⁷ Berdiyew R.; Türkmen dili 4-nji üçin synag okuw kitaby täze elipbiýi

(زبان ترکمنی برای کلاسهای سطح چهارم، الفبای جدید). Magaryf, Aşgabat, 1994, p.150.

E, e

همانند - فارسی تلفظ می شود: تنها دو مورد وجود دارد که در آنها این واکه کشیده میشود: ber (خواهدداد) و ger (خواهد آمد). در بقیه موارد این واکه در حالت کوتاه ظاهر می شود. مثال: (خواهر) **enegyz**، (خواهد گفت) **diýer**، (جا، زمین) **ýer**

Ä, ä

به صورت - فارسی تلفظ می شود. این واکه، عموماً یک واکه کشیده است و حالت کوتاه آنرا تنها در تعدادی واژه‌های قرضی فارسی می توان مشاهده کرد. مثال: (زهر) **zäher**، (می خورد) **iýýär**، (چند) **Näçe**

I, i

همانند - ای - فارسی تلفظ می شود. این واکه بین دو همخوان واگذار، دو سایشی و یا بین **-d** و **-k** و **-b** خفیف می شود. مثال: (می خوریم) **iýýäris**، (دو) **iki**، 'آلو' **Erik**

O, o

مثل - فارسی تلفظ می شود. مثال:

(تیر) **ok**، (آنها) **Olar**

Ö, ö

همانند [eu] فرانسه (بین e و o) تلفظ می شود. مثال:

(نان) **çörek**، (خیابان) **köçe**

U, u

همانند - او - فارسی تلفظ می شود. مثال:

'این' **bu**، 'مداد پاک کن' **Bozguç**

Ü, ü

همانند [u] فرانسه (بین i و u) و یا [ü] آلمانی و مجاری تلفظ می شود. در اکثر موارد بعد از [ü] کشیده، نیم همخوان **ý** - می آید. مثال:

'شتر' **düýe**، 'انگور' **üzüm**

Y, y

این تنها واکه ای است که برای آن در زبان فرانسه معادل وجود ندارد. به صورت -ا- با کشیده شدن انتهای زبان به سوی مرکز کام تلفظ می شود. مثال:

'بزرگ' **uly**، 'دراز، بلند' **Uzyn**

واکه های کشیده و کوتاه

سیستم های طبقه بندی گوناگونی برای واکه ها وجود دارد. در زبانهایی که دارای هماهنگی واکه ای هستند، مثل زبانهای ترکی و مجاری، زبانشناسان عادت کرده اند واکه ها را بر اساس اصطلاحات مختص هر کدام از آنها طبقه بندی کنند: بدین ترتیب، واکه -O- ممکن است به عنوان واکه سخت، پسین، باز یا تیره تعریف شود. ما از روش رایج در آثار مربوط به زبانهای ترکی برای طبقه بندی واکه های زبان استفاده می کنیم:

- **پیشین یا پسین** : این دو مشخصه بسته به موقعیت زبان به هنگام ایجاد یا عدم ایجاد مانع در مسیر جریان هوای بازدم به کار برده می شوند.

- **باز یا بسته** : این صفات بر اساس فضای بین زبان و کام به کار برده می شود .

- **گرد یا غیر گرد** : بر اساس شکل لبها برای ادای واکه ها .

تقابل بین واکه ها در زبان ترکمنی ممیز معنی یا به عبارت دیگر دارای نقش واجی است . این تقابل ، بسته به کوتاهی ، یا کشیدگی ، این امکان را برای دو واژه ای که از لحاظ املائی مشابه هستند فراهم می سازد تا معنی متفاوت داشته باشند . کشیدگی واکه ها همچنین ممکن است نتیجه ادغام ، همگون شدگی و یا رو سازی واکه باشد . در فرهنگهای لغت ترکمنی چه در نسخه هایی که با الفبای سیریلیک و چه آنهایی که با الفبای لاتین چاپ شده اند تقابل واجی بین واکه های کشیده و کوتاه نمایانده نمی شود. با این مسئله در زبان قرقیزی به روش دیگری برخورد شده است . در این زبان برای نمایاندن کشیدگی واکه ها ، آنها را دو بار می نویسند: oo ، aa ، ee ، و غیره. با این حال تعدادی کتب دو زبانه روسی- ترکمنی یافت می شوند که در آنها کشیدگی واکه ها با علامت " : " بدنبال واکه ها نمایانده شده است . ما برای توصیف قوانین آوایی در صفحات آتی این علامت را بکار می گیریم . مثال :

At [at] 'اسب'	#	at [a:t] 'اسم'
¹⁸ Il [il] (مردم)	#	il [i:l] (بچسب)
gol [gol] (بازو)	#	gol [go:l] (دره)
öç! [öç] (خاموش شو)	#	öç [ö:ç] (کینه جو)
Dur [dur] (بایست)	#	dur [du:r] (ایستاده است)
Del [del] (غریبه)	#	däl [dä:l] (نیست)
Gül [gül] (گل)	#	güyl [gü:l] (ببند، گره بزن)
Syr [syr] (سر)	#	syr! [sy:r] (بتراش)

¹⁸ نویسنده در اینجا اشتباه کرده است. هیچ تفاوتی بین دو il از لحاظ تلفظ وجود ندارد. (مترجم)

کشیدگی واکه همچنین برای تمایز بین یک هم آوا بکار می رود. مثال :

ata [ata:] پدر (حالت مفعولی با واسطه) # ata [ata:] پدر (حالت نامی) پدر [ata]

واکه e فقط در دو مورد به حالت کشیده مشاهده می شود : ger (خواهد آمد) و ber (خواهد داد). در تمام موارد دیگر این واکه کوتاه تلفظ می شود. با این حال کلماتی با واکه های کشیده وجود دارند که فاقد جفت دارای معادل واکه های کوتاه باشند. مثال :

On [o:n] با واکه کوتاه فاقد معنی است [ده]

Buz [bu:z] با واکه کوتاه فاقد معنی است [بیخ]

کشیدگی واکه ها ممکن است نتیجه ادغام دو واکه ، مثلاً " یکی واکه اسم و دیگری واکه پسوند ، و یا نتیجه اتصال یک واکه و یک همخوان باشد . مثال :

Öydäki [<öydö+ki]→[ö ydä:ki] آنکه در خانه است :

Ikiläp [<ikile+ip]→[ikilä:p] به صورت جفتی :

işlemäm [<işleme+im]→[işlemä:m] کار کردیم :

در موارد زیر واکه های پایانی کشیده می شوند .

○ با یک اسم :

۱. منتهی به پسوند ملکی مثال:

Maşgalam [maşgala+ym]→[maşgala:m] 'خانواده من'

۲. منتهی به پسوند حالت‌های مفعولی با واسطه (datif) ، اضافه ملکی (génitive) و حالت رایبی (accusat) مثال :

Geçiniñ [geçi+niñ]→[geçi:niñ] 'بز (حالت اضافه ملکی) -'

tilkä [tilki+e]→[tilkä:] 'به روباه (حالت مفعولی با واسطه) -'

۳. دارای پسوند صفتی ki/ky- مثال :

awtobusdaky [awtobusda:ky] 'آنکه داخل اتوبوس است'

۴. دارای پسوند قدیمی ky^{۱۹}- حالت مفعولی با واسطه . مثال :

Daşary [daşary:k] 'به بیرون'

۵. با اصطلاحات دارای صورت قدیمی^{۲۰} حالت جایگاهی (lokatif) مثال :

gyşyna [gyşy:na] 'در زمستان'

¹⁹ پسوند مذکور در ترکمنی ایران به خصوص در تیره آتابای قبیله یموت قدیمی محسوب نمی شود و یکی از صورتهای فعال و زایای امروزی می باشد . (مترجم)

²⁰ تا جایی که مترجم اطلاع دارد صورتهای مذکور نه تنها در ایران بلکه در ترکمنستان نیز قدیمی نمی باشند و در محاوره امروزی به فراوانی مورد استفاده قرار می گیرند . اینکه نویسنده آنها را قدیمی دانسته جای تعجب و سؤال دارد . (مترجم)

۶. دارای ادات وجهی با معنای سؤالی -ka ، -kä ، -myka ، -mikä²¹. مثال :

Adammyka? [adammyka : تلفظ]

۷. در واژه های دخیل از فارسی و عربی و یا در واژه های قرضی از زبان روسی. مثال :

Tahsin [tahsi:n]

۸. در اسامی خاص ، منتهی به پایانه های -ow ، -ew ، owa ، و یا -ewa. مثال :

Nepesowa [nepeso:wa]

۹. در ندا و خطاب ، مثال :

baýram! [baýra:m]

○ با ضمائر

۱. اشاره ای دارای پایانه های شخصی :

Munym [muny:m : تلفظ] 'این من'

۲. برای ادای یک طمطراق . مثال :

şol! [şo:l : تلفظ] 'آن'

○ با یک فعل

۱. که پایانه مصدری mak/mek-اش پسوند ملکی گرفته باشد یا منتهی به یک پایانه حالتی باشد .

مثال :

Artmam [artma+y] [artma:m : تلفظ] 'نظافت کردن من'

gelmäñiz [gelme+iñiz] [gelmä:ñiz : تلفظ] 'آمدنتان'

ýatlamaga [ýatlama+ga] [ýatlama:ga : تلفظ] 'برای یاد آوری کردن'

۲. با فعل جامد منتهی به -yp/íp . مثال :

Başlap [başla+y] [başla:p : تلفظ] 'شروع کرده ...'

۳. با صورتهای وجه وصفی گذشته یعنی -an/-en/-än- و صورتهای منفی یعنی -män- /

-man/ . مثال :

haly dokan aýal [doka:n : تلفظ] 'زنی که قالی (می) بافت'

۴. با میانوند وجهی -aý/-äý- که مبین شادی و تعجب است . مثال :

Alaýar! [ala:ya:r : تلفظ] 'او میگیرد! (برخلاف انتظار، تعجب)'

۵. با صورتهای حال استمراری -ýar/ýär- . مثال :

ol teatrda bolýar [bolýa:r : تلفظ] 'او در تئاتر است'

²¹ به نظر مترجم این مورد نابجا است. چون این کشیدگی واکه ها نه ناشی از همنشینی با اسم بلکه در ذات این ادات است. به عبارت

دیگر حتی در حالت انفصال از اسم نیز واکه های پایانی این ادات کشیده است. (مترجم)

۶. با ادات -da, -ä, -a که دارای کارکرد حروف ربط همپایه هستند. مثال:
'ببین تو را خدا!' [تلفظ: gördä] gördä!

○ با صفت

۱. با صفت شمارشی به همراه پایانه های ملکی. مثال:
Ellimiz [elli+imiz] [elli:miz] 'پنجاه تایمان'
۲. با صفت شمارشی دارای ادات تقریب یعنی -lan, -län, -lap, -läp. مثال:
'یک یا دو' [تلفظ Birlän ikilän [birlä:n ikilä:n]
'به صورت صدتایی' [تلفظ Ýüzlöp [ýüzlä:p]

هماهنگی واکه ای

اصل هماهنگی واکه ای که مختص زبانهای ترکی و فینو-اوغوری است که مهمترین ویژگی آنها اتصال پسوندهای مختلف به ریشه کلمه می باشد ناشی از یک گرایش طبیعی انسانی برای کاهش تلاش ماهیچه ای زیاد در تولید صدا است. ویژگی اساسی هماهنگی واکه ای گرایش به موضع کام در واژگان و گرایش به گشادی در تکواژها است.^{۲۲}

در زبان ترکمنی دو نوع هماهنگی واکه ای وجود دارد:

هماهنگی واکه ای کامی و هماهنگی واکه ای لبی

هماهنگی واکه ای کامی متضمن آن است که، در کلماتی که واکه اولین هجایشان از نوع "سخت"

(-a, -o, -u, -y) است، واکه های بعدی نیز، از همان نوع باشد. مثال:

'از افرادمان' adam-lar-ymyz-dan

اما اگر واکه اولین هجا از نوع "نرم" (-e, -ä, -i, -ö, -ü) باشد، واکه های بعدی نیز از همان نوع خواهند بود. مثال:

'از کارکنانمان' Iş-çi-ler-imiz-den

با این حال در زبان ترکمنی کلماتی را مشاهده می کنیم که دارای هر دو نوع واکه می باشند. این کلمات اساساً از ریشه عربی، فارسی و روسی و یا کلمات مرکب ترکمنی هستند. مثال:

'رودخانه' deriýa, 'دارو' Derman

Gündogar [gün+dogar] 'شرق'

هماهنگی واکه ای لبی مستلزم آن است که در کلماتی که اولین واکه هجایشان از نوع لبی (-ö, -o, -ü, -ü) است، واکه های بعدی نیز تلفظی لبی شده داشته باشند ولی گرایش به لبی شدگی که در زبانهای ترکی و آذری بسیار قوی می باشد، در زبان ترکمنی حداقل از لحاظ املائی، تا بیش از

²²Remy Dor, Dialectologie des langues türk, polycopie INALCO, Paris 1994, page3

هجای دوم برد ندارد . لبی شدگی واکه ها ، در چند هجاییهای بیش از سه هجا غیر محسوس میشود. بدین ترتیب واکه های آخرین هجاها به طرز خفیف تری لبی می شوند . اینگونه :

a- به صورت -o ، e- به صورت -ö ، -i به صورت -ü و -y به صورت -u تلفظ می شود

Ortasynda 'در وسط اش' [تلفظ: ortosundo]

Ötürmek 'اجازه دادن ، گذشت کردن' [تلفظ: ötürmök]

Üstünlük 'موفقیت' [تلفظ: üstünlük]

Gury 'خشک' [تلفظ: guru]

بعد از یک واکه پیشین لبی (-ü , -ö) در اولین هجای کلمه ، -i کشیده در هجای دوم بسته ، یا -i کوتاه در هجای دوم باز ، لبی می شوند . مثال :

üçün 'برای' [تلفظ: üçün]

در گویش های تکه ، يموت و گوکلان و ارساری یک پدیده پیوند آوایی بین تعدادی از همخوانها و واکه ها وجود دارد . در کلماتی که در آخرین هجا دارای واکه های -y , -a , -o باشند و به دنبال آنها هجاهای -yer , -yan , -yân , -ýar , آمده باشند و یا در کلمات با ریشه همخوانی که به دنبال آنها پسوندهای - , -ýänçä -yança آمده باشد، تغییرات زیر حادث می شود :

a- به صورت y تلفظ می شود .

e- به صورت i تلفظ می شود .

o- به صورت u تلفظ می شود .

ö- به صورت ü تلفظ می شود .

y- به صورت y تلفظ می شود . مثال :

Aldamak 'گول زدن' [a:ldamak] →

Aldaýar 'گول می زند' [aldy:ýar]

Bolýança 'تا...شدن ، حدالامکان' [boly:ýnça]

هما هنگی واکه ای در موارد زیر عمل نمی کند :

۱. در واژگان غیر ترکمنی ، که عموماً از زبانهای فارسی ، عربی و روسی وارد شده اند و یا در واژگان ترکمنی که پسوند گرفته اند : مثال :

Kwartira 'آپارتمان'

Kreslo 'صندلی راحتی ، مبل'

Muzeý 'موزه'

Nähoş 'ناخوش ، مریض'

۲. در اسامی مرکب ترکمنی . مثال :

Yeralma ‘سبب زمینی’ [yer ‘زمین’ و alma ‘سبب’]

۳. -a کشیده و -ä- هرگز لبی نمی شوند، این مسئله به خصوص در مورد وجه وصفی حال با -ýän- /-ýan/ و حال استمراری با -ýar/-ýär- صادق است . مثال :

Kömyän ‘راننده’ [kömyä:n تلفظ]

Gelýär ‘می آید’ [gelýä:r تلفظ]

۴. در تعدادی از کلماتی که در هجای اول یا دوم دارای واکه پسین هستند ، واکه های بعدی لبی نمی شوند . مثال :

Huzyr ‘ ’ [huzy:r تلفظ]

Uzyn ‘بلند ، دراز’ [uzy:n تلفظ]

در مورد کلمات دارای هر دو نوع واکه (پسین و پیشین) ، آخرین هجا تعیین کننده نوع واکه پسوندها و یا پایانه های حالتی و فعلی است . مثال :

Kitapda ‘در کتاب’

Studentde ‘در (دست) دانش آموز’

در طول کل این دستور زبان ، برای هر پسوند یا پایانه ها شکل‌های متفاوت را ذکر خواهیم کرد . مثال:

-lar/-ler پسوند جمع

تغییرات آوایی در فرایند اتصال پسوندها

در دو هجاییها یا چند هجاییهای منتهی به l , n , r , s , ş , z واکه طولانی ای که در انتهای کلمه بین دو همخوان قرار می گیرد در حالت‌های زیر حذف می شود :

○ آن کلمه پسوندهای حالتی (ح . مفعولی ، ح . مفعولی با واسطه ، ح ملکی) بگیرد .

○ آن کلمه پسوندهای ملکی بگیرد .

○ آن کلمه پسوندهایی را بگیرد که دارای -c , -g , -j , -k , -l , -r باشند . مثال:

Ömür ‘عمر’ → ömrüm ‘عمرم’

Şäher ‘شهر’ → şährin ‘شهر’

Burun ‘بینی اش’ → burny ‘بینی’

Deňiz ‘به دریا’ → deňze ‘دریا’

Daşhowuz ‘داش هوز را’ → daşhowzy ‘داش هوز’

Pasyl ‘به فصل’ → pasla ‘فصل’

Ileri ‘جلویی’ → ilerki ‘جلو’

Bäri ‘اینوتر ، این سوتر’ → bärräk ‘اینور ، این سو’

در زبان گفتاری (شفاهی) وقتی که یک کلمه منتهی به واکه، قبل از کلمه ای قرار می گیرد که با واکه شروع شده باشد، آخرین واکه اولین کلمه حذف می شود. این قاعده در زبان نوشتار اعمال نمی شود.

Näme okaýar ? → nām'okaýar ? چه می خواند ؟

Näme etjek ? → nätjek? چکارخواهی کرد؟

اسم های منتهی به -ýiş/ýyş هنگامی که پسوندهای صرفی یا ملکی می گیرند -i و -y را از دست می دهند. مثال :

Sözleýiş 'صحبت کردن اش' → sözleýşi 'صحبت کردن'

ب - همخوانها

زبان ترکمنی ادبی (رسمی) با الفبای لاتین، دارای ۲۱ همخوان است که شامل ۶ انسدادی، ۳ خیشومی، ۸ سایشی (۷+۱ نیم همخوان ý) ، ۲ انسدادی - سایشی و ۲ روان می باشد. همخوان ها به ترتیب زیر می باشند^{۲۳} :

	انسدادی-سایشی ها		روان ها		سایشی ها		انسدادی ها	
	(ترکیبی)		کناری	غلطان				
	واکدار	بیواک	واکدار	واکدار	واکدار	بیواک	واکدار	بیواک
دو لبی ها								
لب و دندانها						f	w	
لثوی ها	t	d	n	r	l	s	z	
پشت لثوی ها						ş	ž	ç
کامی ها			ň				ý	
کامی-نرمکامی ها	k	g						
حنجره ای							h	

B, b

همانند «ب» فارسی تلفظ می شود: همچنین برای این همخوان تلفظی شبیه b اسپانیایی، تقریباً مشابه [v]، هنگامی که در موضع بین دو واکه یا بین یک همخوان انسدادی - سایشی و یک واکه قرار می گیرد، می توان مشاهده کرد.

در انتهای کلمه [p] تلفظ می شود. بین دو واکه در واژه های قرضی روسی، b بدون تغییر میماند. این همخوان معادل واکدار p- است.

‘کتاب’ kitab، ‘تزیین کردن’ bezemek، ‘درخت، باغ’ Bag

Ç, ç

مثل چ فارسی تلفظ می شود. معادل بیواک ç- است. مثال :

²³ این جدول از کتاب ایستوان للکس: راهنمای زبان مجاری، مقایسه همخوانها در زبانهای ترکی و مجاری، ص ۸۵، انتشارات kiado، بوداپست 1969، اقتباس شد.

Çaga 'بچه' , çemçe 'قاشق'

D , d

همانند «د» فارسی تلفظ می شود. در پایان کلمه به شکل t- واگرفته می شود.

Dag 'کوه' , dostluk 'دوستی'

F , f

همانند «ف» فارسی تلفظ میشود. این همخوان بیشتر در واژه های دخیل از زبانهای فارسی، عربی و روسی مشاهده میشود.^{۲۴}

Fabrik 'کارخانه' , üflemek 'فوت کردن' , magaryf 'تعلیم و تربیت'

G , g

در ابتدای کلمه بصورت «گ» تلفظ می شود. در وسط یا انتهای کلمه سایشی می شود و تقریباً مثل «ğ» ترکی (ترکیه) تلفظ می شود.^{۲۵} مثال:

gawun 'خریزه' , gitmek 'رفتن' , sygyr 'گاو'

H , h

در موضع ابتدای کلمه «خ» و در وسط یا انتهای کلمه به صورت «ه» تلفظ می شود.^{۲۶}

Hemme 'همه' , buhalter 'حسابدار'

J , j

همانند «ج» فارسی تلفظ می شود. این واج به ندرت در ابتدای کلمه ظهور پیدا می کند. این واج معادل واکدار -ç- است.

Jalbar 'شلوار' , nejis 'زشت' , kethif 'کتیف'

Ž , ž

مثل «ژ» فارسی تلفظ می شود. این واج در ابتدای کلمه اصیل ترکمنی یافت نمی شود. بیشتر در کلمات قرضی روسی یافت می شود. این واج معادل واکدار -ž- است.

²⁴ گویش تکه فاقد f- است و آن را با p- جایگزین می کند. مثال: pikir

²⁵ (مترجم) قاعده تلفظ این همخوان پیچیده تر از آن چیزی است که در اینجا ذکر شده است. برای این همخوان چهار تلفظ می توان ذکر کرد: به ترتیب زیر:

۱. مثل «گ» فارسی: در ابتدای کلمه، به همراه واکه های پیشین. مثال (بیا) gel

۲. مثل «ق» فارسی: در ابتدای کلمه، به همراه واکه های پسین. مثال: (بلند شو) gal

۳. مثل «غ» عربی (سایشی نرمکامی): در وسط یا انتهای کلمه به همراه واکه های پسین. مثال:

(سالم) Sag ، (گریه کردن) Aglamak

۴. سایشی کامی (گ سایشی): در وسط یا انتهای کلمه به همراه واکه های پیشین. مثال:

(ترتین، بزک) Bezeg ، (دیر کردن) Eglenmek

²⁶ به نظر می رسد این مطلب نارسا باشد. تلفظ های گوناگون این واج و قاعده مربوط به آنها نیاز به بررسی بیشتری دارد.

(مترجم)

Žurnal 'مجله' ، birža 'بورس' ، myžžyk 'بسیارخیس'

K , k

این واج به همراه واکه های پسین ، به صورت نرمکامی ، و به همراه واکه های پیشین کامی تلفظ می شود.

Kagyz 'کاغذ' ، pylçamak 'انداختن'

L , l

مثل «ل» فارسی تلفظ می شود. در تمام مواضع ظهور پیدا می کند.

Kemal 'کمال' ، alyň 'بگیرید' ، limonad 'لیموناد'

M , m

مثل «م» فارسی تلفظ می شود و یکی از سه خیشومی ترکمنی می باشد.

Maşgala 'خانواده' ، men 'من' ، hemme 'همه'

N , n

مثل «ن» فارسی تلفظ می شود.

Näme? 'چی؟' ، nebit 'نفت' ، köne 'کهنه'

Ň , ñ

همانند ترکیب ng انگلیسی در کلمه ای مثل «sing» تلفظ می شود. این همخوان هرگز در موضع ابتدای کلمه قرار نمی گیرد ولی به فراوانی در پسوند های ملکی یا حالتی ، به خصوص حالت اضافی یافت می شود.

Seniň 'تو' ، ..- 'سوزن' ، inňe

P , p

همانند «پ» فارسی تلفظ می شود ولی معمولاً در لهجه یموت و ترکمنهای افغانستان به صورت [f] تلفظ می شود. این همخوان معادل بیواک b- است.

Pyçak 'چاقو' ، pil 'فیل' ، operasiýa 'عملیات'

R , r

همانند «ر» فارسی تلفظ می شود و همخوانی است قوی و پررسا بطوری که واکه های قبل و بعد از خود را کوتاه می کند.

Käşir 'هویچ' ، merkez 'مرکز' ، rejeli 'بادقت'

S , s

همانند «ث» عربی یا th انگلیسی در کلماتی مثل think و thing تلفظ می شود.

Salam 'سلام' ، sagbol 'تشکر' ، mersi 'مرسی' ، näsag 'مریض'

Ş , ş

همانند «ش» فارسی تلفظ میشود. در تمام مواضع کلمه به کار برده می شود.

تشك، لحاف، düşekçe ، 'امروز' şugün ، 'شاد' Şat

T, t

همانند «ت» فارسی تلفظ می شود.

'آوردن' getirmek ، 'دوختن' tikmek ، 'روباه' Tilki

W, w

همانند w انگلیسی در کلمه ای مثل water تلفظ میشود.

'خریزه' gawun ، 'وطن' watan ، 'آب' Suw

Y, y

این نیم همخوان ، همیشه ، به جز در واکه مرکب üy ، نقش یک همخوان را دارد و تقریباً همانند «ی» فارسی تلفظ می شود. این نیم همخوان در تمام مواضع کلمه به کار برده می شود.²⁷

'می آید' gelýar ، '۱-صد ، ۲-صورت' Ýüz

Z, z

همانند th انگلیسی در کلماتی مثل the و then تلفظ می شود.

'ما' biz ، 'تلاش ، زحمت' Zähmet

۱- هماهنگی همخوانی

در زبان ترکمنی ، همخوانها نیز همانند واکه ها دارای نوعی هماهنگی هستند که به «همگونی همخوانها» موسوم است. این مسئله از یک طرف به نوع واکه ای که قبل یا بعد از همخوان قرار می گیرد (واکه پسین یا پیشین) ، از طرفی دیگر به ماهیت همخوان (واکدار یا بیواک) بستگی دارد. زبان دارای انواع مختلفی هماهنگی همخوانی است که عبارتند از: لبی ، خیشومی ، واکداری یا بیواکی. یک همخوان بیواک اگر بین دو آوای واکدار قرار گیرد ممکن است واکدار شود این مورد در دل تکواژ به ندرت رخ می دهد ولی در انتهای کلمه ای که دارای پسوندی که با واکه شروع می شود یا یک پایانه حالتی یا یک پسوند ملکی می گیرد به فراوانی رخ می دهد. یک همخوان خیشومی ممکن است باعث خیشومی شدن همخوان بعد از خود شود. این امر ، پدیده ای است که اساساً در زبان عامیانه رخ می دهد ، چون تشدید ، اصلی است متضاد با قوانین آوا شناختی زبان ترکمنی. در انتهای کلمه ، همخوانهای واکدار بیواک می شوند :

-b به صورت -p ، -d به صورت -t- تلفظ می شود و الخ .

برای شناخت تقابل های واکداری / بیواکی همخوانها کافی است نگاهی به جدول همخوانها که در این اثر آورده شده است انداخته شود.

²⁷ اسکار هانسر در Turkmen manual ، ص ۲۴ ، ترجیح می دهد این واج را به عنوان نیم - واکه در نظر بگیرد.

تک هجاییها یا دو هجاییهای منتهی به همخوانهای -k, -p, -t یا -ç در جلوی پسوندی که با واکه کشیده شروع می شود واکدار می شوند. این واکدار شدگی همانگونه که تلفظ می شود نوشته می شود.²⁸

Git 'برو' gidýär 'او می رود'
 Kitap 'کتاب' meniň kitabym 'کتاب من'
 At 'اسم' ady 'اسم اش'

اسم های زیادی بخصوص اسامی تک هجایی منتهی به -ç و چند هجایی منتهی به -t از این قاعده تبعیت نمی کنند. مثال :

Saç 'مو' saçym 'موهایم' (sajym و نه)
 Edebiýat 'ادبیات' türkmen edebiýat 'ادبیات ترکمنی' (edebiýady نه)
 وقتی به کلمات دو هجایی ترکمنی که همخوان پایانی آنها -k است پسوندهای تصغیر - / -jak - / -jik / -jyk اضافه شود همخوان -k از کلمات مذکور حذف می شود.

Aýak 'پای کوچک' → aýajyk
 Köpük 'کف کوچک' → köpüjek

به عنوان یک قاعده کلی می توان گفت که در زبان ترکمنی ، واکه های پسین همنشین همخوانهای بیواک هستند. در حالیکه واکه های پیشین با همخوانهای واکدار ترکیب می شوند. کلمات در زبان ترکمنی ، به استثنای آنهایی که از زبانهای فارسی و روسی وارد شده اند ، در ساختمان خود از همخوانهایی هممنوع استفاده می کنند.

بر اساس زبان شفاهی غیر رسمی ترکمنی ، کلماتی که با همخوانهای -l, -r, و یا -s شروع میشوند که غالباً هم واژه های قرضی از زبانهای روسی ، فارسی و عربی هستند ، بر حسب قانون هماهنگی واکه ای ، در ابتدای خود یکی از همخوانهای ü, u, i, ü و y را می گیرند. افزایش این واکه ها صرفاً یک پدیده ای آوایی است و هرگز در نوشتار نمایانده نمی شود. مثال:

Raýon [yraýon: تلفظ] 'بخش'
 Stol [ystol: تلفظ] 'میز'
 Reňk [ireňk: تلفظ] 'رنگ'
 Lükgö [ülükgö: تلفظ] 'بسته'
 Resmi [iresmi: تلفظ] 'رسمی'
 Sport [isport: تلفظ] 'ورزش'

²⁸ به جفت های واکدار / بیواک نگاه شود.

بر اساس هنجاری ادبی ، این صورتها نادرست دانسته می شود.

۲- همگونی همخوانی

همگونی همخوانی در واقع چیزی مشابه هماهنگی واکه ای است. انواع گوناگون همگونی وجود دارد که بر همخوانها عمل می کنند. همگونی های همخوانی برخلاف هماهنگی واکه ای هرگز در نوشتار نمایانده نمی شوند و پدیده ای صرفاً مختص گفتار شفاهی باقی می مانند.

الف - همگونی پیشرو

در این همگونی یک مشخصه از یک همخوان به همخوان ما بعد آن سرایت می کند. مثلاً یک همخوان بیواک که بعد از یک همخوان واکدار قرار می گیرد واکدار می شود و بالعکس یک همخوان واکدار که بعد از یک همخوان بیواک قرار می گیرد بیواک می شود. قانون بیواک شدگی یا واکدار شدگی دقیقاً با جدول همخوانها مطابقت می کند.

می توان مشاهده کرد که الفبای لاتین (که تبدیل حرف به حرف الفبای سیریلیک می باشد) این تغییرات همخوانی را در نوشتار نشان نمی دهد. در زبان ترکی اینگونه نمی باشد در این زبان ، هر چیزی را همانگونه که شنیده می شود ، می نویسند. مثال:

در زبان ترکمنی:

Aşgabatda [aşgabatta: تلفظ] 'در عشق آباد'

در زبان ترکی:

Aşgabat'ta [آوا=نویسه] 'در عشق آباد'

bi + واکه → biý

[biýabraý: تلفظ] 'بی آبرو' biabraý : مثال

I + d → ll

[allym: تلفظ] 'گرفتم' aldyım : مثال

m + b → mm

M + d → mn²⁹

[galam milen: تلفظ] 'با خودکار' galam bilen : مثال

[kimne: تلفظ] 'پیش کی' kimde

N + b → nm

n + d → nn

[on mir : تلفظ] 'یازده' on bir : مثال

[Tährannan : تلفظ] 'از تهران' Tährandan

²⁹ مترجم تا بحال به چنین موردی بر خورد نکرده است.

Ñ + b → ñm

Ñ + g → ññ

مثال : atyñ başy 'سراسب' [تلفظ : atyñmaşy]

meniñ göwnüm 'خیال من' [تلفظ : meniñ ñöwnüm]

s + t → ss

s + d → ss

مثال : bäsdeş 'رقیب' [تلفظ : bäsdeş]

üsti 'روی اش' [تلفظ : üssi]

Ş + ç → şş

Ş + j → şş

مثال : işçi 'کارگر' [تلفظ : işşi]

goşjak 'اضافه خواهم کرد' [تلفظ : goşşak]

T + d → tt

مثال : tutdy 'گرفت' [تلفظ : tutty]

z + d → zz

مثال : bizde 'پیش ما' [تلفظ : bizze]

ب - همگونی پسرو :

در اینجا ، بر عکس مورد قبلی ، همخوان یا واکه یک کلمه مشخصات خود را به همخوان قبل از خود منتقل می کند:

K + واکه → g + واکه

مثال : ak agaç 'چوب سفید' [تلفظ : ag agaç]

p + g → kg

p + واکه → b + واکه

مثال : alyp gaýtdy 'با خود برد' [تلفظ : alykgaýtdy]

gögörüp oturan 'در حال رویدن' [تلفظ : gögöroboturan]

t + ç → çç

t + s → ss

مثال : parahatçylyk 'آرامش ، صلح' [تلفظ : parahaççylyk]

satsa 'اگر بفروشد' [تلفظ : sassa]

z + s → ss

مثال : öz sowgadyñ 'هدیه خودت' [تلفظ : ossowgadyñ]

پ - همگونی مرکب

همگونی مرکب مشخصات یک همخوان را با مشخصات همخوان دیگر ترکیب می کند و مشخصات دیگری به دست می دهد که در هیچ یک از همخوانهای اولیه وجود ندارد :

ç + ç → şş
ç + d → şd
ç + j → şş
ç + l → şl
ç + s → şs

مثال :

Agaçşy [تلفظ: ağaşşy] 'هیزم شکن، چوب بر'
geşdik [تلفظ: geşdik] 'گذشتیم'
sen aşşak [تلفظ: sen aşşak] 'تو باز خواهی کرد'
aşşyk [تلفظ: aşşyk] 'گرسنگی'
aşsa [تلفظ: aşsa] 'اگر باز کند'

۳- ادغام

این مورد صورتی است که در زبان ترکمنی به فراوانی به کار می رود و دو کلمه در هم ادغام کرده و یک کلمه به دست می دهد و غالباً عبارت است از ادغام یک فعل کمکی با فعل اصلی، به خصوص فعل کمکی bilmek (توانستن) و یا ادغام افعال صرف شده. یک زمان دستوری یعنی زمان حال منفی با حذف واکه ساخته می شود. این نیز به نوبه خود باعث حذف تعدادی همخوان می شود. مثال :

'چه کار می توانم بکنم؟' Nāme ederin? → nāderin?
'بده' Alyp ber → äber
'نگرفتم' Alanym ýok → alamok
'توانستن دیدن' Görüp bilmek → [تلفظ: görübilmek]

۴- قلب

قلب عبارت است از جابجایی دو صدای همجوار. این مورد می تواند هم در واژه های ترکمنی اصیل و هم کلمات خارجی اتفاق بیفتد.

Toprak → torpak 'زمین، خاک'
Aňry → aňyrda 'در آنسو، آن ور'

پ - تکیه

زبان ترکمنی همانند در اغلب موارد تکیه نواختی را بر روی آخرین هجای کلمه قرار می‌دهد. پیشوندها، پسوندها، میانوندها، پایانه های اسم و یا پایانه های صرفی افعال که جزء مکمل کلمات می‌باشند قاعدتاً باعث جابجایی تکیه نواختی خواهند شد. (هجایی که زیر آن خط کشیده شده است هجای تکیه دار می باشد).

Meniň maşgalam ‘خانواده من’

Biziň maşgalamyz ‘خانواده(های) ما’

جای تکیه نواختی در زبان ترکمنی بسیار مهم است چون کوچکترین جابجایی آن می تواند معنایی کاملاً متفاوت به همراه داشته باشد. مثال :

Garady ‘نگاه کرد’ # garady ‘سیاه بود’

gülüş ‘گل ات’ # gülüş ‘بخندید’

Otla! ‘آتش بزن!’ # otla! ‘بچرا!’

Kitapça ‘کتابچه’ # kitapça ‘کتابی’

استثناءها:

لیست زیر شامل واژه های قرضی از زبانهای عربی و فارسی است که برخلاف واژه های اصیل ترکمنی تکیه شان در هجای اول است.³¹

Çünki ‘چونکه’ ، eger ‘اگر’

Hemme ‘همه’ ، meger ‘شاید’

Emma ‘اما’ ، waleykim ‘و علیکم’

Häzir ‘هنوز’ ، ýagny ‘یعنی’

در عین حال تعدادی ادات و پسوندهای فعلی و اسمی وجود دارند که هرگز تکیه نمی گیرند. در این صورت تکیه به هجای ماقبل این وندها منتقل می شود.

ادات بدون تکیه بعد از

اسم ها :

(a) ادات مقایسه ای -çe/-ça . مثال :

Oraz pagtany Jereñçe ýygýar. ‘اراز به اندازه جرن پنبه می چیند.’

(b) ادات زمان و مکان -ka/-kä . مثال :

Studentkäm men işleýärdim. ‘من هنگام تحصیل کار می کردم’

³⁰ در اینجا مؤلف اشتباه کرده است. آنچه که باعث تمایز معنایی جفت کلمه مذکور می شود نه موضع تکیه بلکه میزان کشیدگی اولین

واکه کلمه است. در اولی واکه 0 کوتاه و در کلمه دوم واکه 0 کشیده است. (مترجم)

³¹ این لیست از Turkmen manual اثر O. Hanser ص ۳۱ گرفته شد.

(c) ادات تأکید -a ، -e ، -am ، -em ، -da ، -dä ، -ha ، -hä ، -hem ، -la ، -lä. مثال:

Kitaby gördä! 'کتاب را نگاه کن!'

Oraz öýde-le! 'اراز در خانه است دیگر!'

Stolda , kostýum-da , ýubka-da bar. 'روی میز هم کت و شلوار هست هم دامن.'

صفات ، پس-اضافه ها و ضمائر :

(a) در صفات شدتی ، تکیه بر روی اولین هجای کلمه قرار می گیرد. مثال :

Up- uly 'خیلی بزرگ'

(b) در ضمائر نامعین فقط بخش اول تکیه می گیرد. مثال :

Hiç wagt 'هرگز'

(c) پس-اضافه ها تکیه نمی گیرند. مثال :

Meniň bilen 'با من'

افعال :

(a) ادات نهی -ma/-me تکیه نواختی نمی گیرند.

Ýazma! 'نویس!'

Bu gün olar ekskursiýa gitmediler. 'آنها امروز برای تفریح نرفتند.'

(b) همچنین است برای ادات سؤالی -mikä/-myka :-

Aldymyka? 'آیا ممکن است گرفته باشد؟'

Ol sapaklaryny gowy bilýärmi? 'آیا او درسهایش را خوب می داند.'

(c) در امری ، پایانه دوم شخص جمع :

Alyň! 'بگیرید!'

(d) در امری صورتهای تأکیدی -sene/-sana و صورت امری دوم شخص مفرد -gyn/-gin-

: -gun/-gün

Kitaby çaltrak okasana! 'لطفاً کتاب را سریع تر بخوان!'

Sen oňa kömekleşgin! 'حتماً به او کمک کن!'

(e) پایانه های اول و دوم شخص مفرد و جمع در زمان حال و آینده و پایانه های سوم شخص زمان

حال -dir- و زمان گذشته با -miş- و صورتهای اخباری معادل فعل «بودن» :

Alýaryn 'می گیرم'

Alarys 'خواهیم گرفت'

Alýarys 'می گیریم'

Studentlerdi 'دانش آموزان بودند'

Alynmys 'گرفته شده'

(f) افعال کمکی در صورت مصدری هرگز تکیه نمی گیرند:

Dowametmek 'ادامه پیدا کردن'

(g) کلمات قرضی از زبان روسی، همانند شکل اولیه خود در زبان روسی تکیه شان را حفظ می کنند.

Awtobus 'اتوبوس' ، Kwartira 'آپارتمان'

فصل سه ساختواژه (صرف)

الف - طبقه اسم

اسم در زبان ترکمنی، برخلاف اسم در زبان فرانسه فاقد جنس و حرف تعریف است. ویژگی اسم در زبان ترکمنی، همانند سایر زبانهای ترکی، قابلیت گرفتن پسوندهای تعداد، شخص، حالت و اسناد است که به پایه اسمی لخت می چسبند. در حالت ترکیب پسوندها ترتیب زیر باید رعایت شود.

پسوند اسناد + پسوند حالت + پسوند شخص + پسوند عدد + اسم

تنها استثنای این قاعده در واژه های مربوط به روابط خویشاوندی است که در آنها پسوند های ملکی قبل از پسوند جمع قرار می گیرند. مثال:

Daýza 'خاله' → daýzam 'خاله من'

ولی

Daýzamlar (خاله هایم) (daýzalarym (و نه

گروه پسوندهایی که به پایه اسمی می چسبند به استثنای چند مورد نادر باید از قانون هماهنگی واکه ای و همخوانی تبعیت کنند:

Dost (دوست)

	پسوند اسناد	پسوند حالت	پسوند ملکی	پسوند جمع	پایه اسمی
Dostlarymdandyr → از دوستان من است	dyr	dan	ym	lar	dost

۱- پایه اسمی

مشخصه پایه اسمی فقدان پسوند جمع، پسوند ملکی، پسوند حالت و پسوند اسناد است. بنابراین پایه اسمی به شکل حالت نامی یا به عبارت دیگر حالت مطلق (نگاه کنید به پایانه های حالت ها) تجلی می یابد. اسم های ترکمنی در فرهنگهای لغت به شکل پایه اسمی فهرست می شوند. پایه اسمی ممکن

است ساده باشد یعنی فقط از یک عنصر غیر قابل تجزیه مانند "dost" دوست" تشکیل یافته باشد و یا ممکن است مشتق باشد مانند "dostluk" دوستی" که از dost به علاوه یک پسوند (lyk) تشکیل شده است.

زبان ترکمنی بر خلاف زبان فرانسه فاقد حرف تعریف است. زبان ترکمنی برای تعریف جنسیت، به خصوص برای حیوانات، صفات erkek "نر" و urkaçy "ماده" را در جلوی اسم مورد تعریف می گذارد. مثال:

Möjek (در مفهوم عام) 'گرگ'

erkek möjek (معادل فرانسه le loup) 'گرگ نر'

urkaçy möjek (معادل فرانسه la louve) 'گرگ ماده'

erkek pişik (معادل فرانسه le chat) 'گربه نر'

urkaçy pişik (معادل فرانسه la chatte) 'گربه ماده'

در عین حال زبان ترکمنی برای بعضی از حیوانات و حرفه ها بر حسب مذکر یا مؤنث بودن مورد، اسم های متفاوتی را به کار می گیرد. مثال:

۱- (در مفهوم عام) 'اسب' ۲- 'اسب نر' At

'اسب ماده، مادبان' baýtal

۱- (در مفهوم عام) 'گاو' ۲- 'گاو ماده' Sygyr

'گاو نر' öküz

Ýekegapan

mekejin

Ýegen (مذکر) 'خواهر زاده'

'خواهر زاده' (مؤنث) ýegençi

Mugallym 'معلم'

'معلمه' mugallyma

برای اشاره به شاغلین مؤنث از عبارات aýal «زن» و gyz «دختر» که به دنبال اسم می آیند استفاده می شود. این عبارات همچنین برای بیان نسبت های خانوادگی، قبل از کلمه dogan که مبین «خواهر» یا «برادر» است به کار برده می شوند.^{۳۲}

Işçi 'کارگر'

'زن کارگر' işçi aýal

Erkek dogan 'برادر'

Gyz dogan 'خواهر'

در نتیجه تأثیر زبان روسی، در اسامی خانوادگی تقابلی جنسیتی با اضافه کردن یک a- به دنبال اسم افراد مؤنث نمایانده می شود. مثال:

Durdyýew 'دوردیف'

'دوردیوا' Durdyýewa

Muradow 'مرادف'

'مرادوا' Muradowa

³² همچنین کلمه aga وجود دارد که برای اشاره به برادر بزرگتر یا عمو به کار برده می شود. مثال:

'عمو آمان' Aman aga

۲- پسوند جمع

پسوندها تعداد یا همان پسوند جمع ، بسته به هماهنگی واکه ای ، -ler یا -lar است. با واکه های پیشین -ler و با واکه های پسین -lar می آید.

’انسان‘ adam	،	’انسان ها‘ adamlar
’زمین‘ ýer	،	’زمین ها‘ ýerler
’علم‘ ylym	،	’علوم‘ ylymlar
’مرده‘ öli	،	’مرده ها‘ öliler
’رد‘ yz	،	’رد پاها‘ yzlar

در کلمات دو هجایی منتهی به -i یا -y که واکه اولین هجای آنها لبی باشد ، براثر قانون هماهنگی واکه ای واکه پایانی به -u یا -ü- تبدیل می شود. مثال :

’بره‘ Guzy	→	’بره ها‘ guzular
’گله‘ Süri	→	’گله ها‘ sürüler
’گودال‘ Guýy	→	’گودال ها‘ guýular

۳- پسوند های ملکی

تمامی اسم هایی که پسوند شخصی گرفته اند و یا در ساختی مضاف و مضاف الیهی به کار رفته اند باید دارای پسوند ملکی مناسب باشند. آن پسوند بلافاصله بعد از ریشه یا همان گونه که قبلاً گفتیم بعد از پسوند جمع می آید ولی قبل از پسوند حالت قرار می گیرد. پسوند ملکی همانند پسوند جمع از قانون هماهنگی واکه ای و همخوانی تبعیت می کند.

پسوند های ملکی

شخص	ریشه همخوانی ^{۳۳}		ریشه واکه ای	
	مفرد	جمع	مفرد	جمع
اول شخص	-im/-ym -um/-üm	-imiz/-ymyz -iňiz/-yňyz	-m	-miz/-myz
دوم شخص	-iň/-yň -üň/-uň	-iňiz/-yňyz -üňiz/-yňyz	-ň	-iňiz/-yňyz
سوم شخص		-i/-y		-si/-sy

مثال های ریشه های واکه ای و همخوانی با پسوند های ملکی

³³ ریشه همخوانی یا واکه ای یعنی ریشه ای که به همخوان یا واکه منتهی شده باشد. (مترجم)

مفرد

گل، 'gül	خیابان، 'köçe	پدر، 'ata	دختر، 'Gyz
gülüm	köçäm	atam	gyzym اول شخص مفرد
gülüň	köçäň	ataň	gyzyň دوم شخص مفرد
güli	köçesi	atasy	gyzy سوم شخص مفرد
gülimiz	köçämiz	atamyz	gyzymyz اول شخص جمع
güliňiz	köçäňiz	ataňyz	gyzyňyz دوم شخص جمع
güli	köçesi	atasy	gyzy سوم شخص جمع

جمع

güllerim	köçelerim	atalarym	gyzlarym اول شخص مفرد
gülleriniň	köçeleriniň	atalaryň	gyzlaryň دوم شخص مفرد
gülleri	köçeleri	atalary	gyzlary سوم شخص مفرد
güllerimiz	köçelerimiz	atalarymyz	gyzlarymyz اول شخص جمع
gülleriniňiz	köçeleriniňiz	atalaryňyz	gyzlaryňyz دوم شخص جمع
gülleri	köçeleri	atalary	gyzlary سوم شخص جمع

ملاحظات:

a. ریشه های همخوانی هنگامی که پسوند ملکی بگیرند طول واکه انتهایی را افزایش می دهند و باعث کشیده شدن آن می شوند. وجه تمایز پایه های اسمی منتهی به e- در اول و دوم شخص این است که در این پایه های اسمی این کشیدگی با نویسه ä- نوشته می شود. در مورد کلمات ene و eje استثناء وجود دارد. اگر این دو کلمه مبین رابطه خویشاوندی باشند، e- پایانی را به صورت ä- کشش نمی دهند: ejem , ejeň و غیره. اگر این دو کلمه اسم خاص باشند با اتصال پسوند ملکی ، -e انتهایی به صورت ä- کشیده می شود.

’اجه تو‘ Ejäň ، ’اجه من‘ Ejäm

b. اسم های منتهی به واکه ، بین ریشه و پایانه ملکی سوم شخص یک s- می گیرد:

’پدرش‘ atasy → ’پدر‘ ata

c. همانند پایانه های جمع ، کلمات دو هجایی منتهی به y- و i- که واکه هجای اول شان لبی است ، به هنگام هم نشینی با پایانه های سوم شخص y- و i- را به u- و ü- تبدیل می کنند. مثال:

’خوابش‘ ukusy ، ’خوابم‘ ukym ، ’خواب‘ Uky

این قاعده همچنین هنگامی که اسم های ملکی شده (مضاف) با پایانه های حالت همراه شوند عمل خواهد کرد. مثال :

(ح.مضاف الیهی) '... چشم اش' gözüniñ → 'چشم اش' gözi → 'چشم' göz

d. صورت های ملکی سوم شخص در مفرد و جمع مثل هم است.

Kitablary = 'کتاب هایشان' و 'کتاب هایش'

e. در بین گویش های مختلف ترکمنی برای سوم شخص ، صورتهای مختلف -u , -ü -sü , -su , به خصوص در بین یموتها وجود دارد.

f. براساس قانون همگونی همخوانی ، همخوان های بیواک انتهایی اسمها در تماس با واکه پایانه های حالت واکدار می شوند. مثلاً «فرهنگ لغت» sözlük گفته می شود ولی «فرهنگ لغت اش» به صورت sözlügi نوشته می شود.

g. برای تأکید بر تعلق چیزی به مالک اش و یا تأکید بر رابطه بین آنها زبان ترکمنی در موضع قبل از اسم ، ضمیر شخصی ملکی قرار می دهد.

'پدر من' meniñ atam 'پدرم' atam

ضمیر شخصی با اسمهای دارای پسوند های ملکی سوم شخص به کار برده می شود. این ضمیر برای رفع ابهام در مورد مالک یا مالکان در بافت خاصی که ممکن است ابهام زا باشد به کار می رود :

'دختر آنها' olaryň gyzy 'دختر او' Onuň gyzy

۴- نقش ها و پایانه های حالتی :

زبان ترکمنی همانند زبان های ترکی ، روسی و یا لاتین دارای یک سیستم حالتی است که با مجموعه ای از پایانه ها این امکان را میسر می کند تا نقش دستوری یک عنصر را در درون جمله مشخص کنیم. زبان ترکمنی دارای شش حالت است: حالت نامی^{۳۴} ، حالت رایبی^{۳۵} (ح. مفعول بیواسطه ای) ، حالت مفعولی با واسطه (به ای) ، حالت مضاف الیهی^{۳۶} ، حالت جایگاهی^{۳۷} و حالت ازی^{۳۸} . پایانه های حالتی به انتهای اسم می چسبند و از قانون هماهنگی واکه ای و همخوانی تبعیت می کنند :

	ریشه همخوانی	ریشه واکه ای
ح. نامی	∅	∅
ح. مفعولی بیواسطه (رایبی)	-y/-i	-ny/-ni
ح. مفعولی با واسطه (به ای)		-a/-ä/-e

³⁴ Nominatif

³⁵ Accusatif

³⁶ Génitif

³⁷ Locatif

³⁸ Ablatif

ح. مضاف الیهی	-yň/-iň/-uň/-üň	-nyň/-niň/-nuň/-nüň
ح. جایگاهی	-da/-de	
ح. ازی	-dan/-den	

مثال :

	El 'دست'		Halk 'مردم'		äne 'مادر بزرگ'	
	مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع
ح. نامی	el	eller	halk	halklar	äne	äneler
ح. رای	eli	elleri	halgy	halklary	änäni	äneleri
ح. مفعولی با واسطه	ele	ellere	halga	halklara	änä	änelere
ح. مضاف الیهی	eliň	elleriň	halgyň	halklaryň	änäniň	äneleriň
ح. جایگاهی	elde	ellerde	halkda	halklarda	änede	änelerde
ح. ازی	elden	ellerden	halkdan	halklardan	äneden	änelerden

حالت نامی :

این حالت مطلق است و با پایه اسمی ساده و فقدان پایانه حالتی شناخته می شود. این حالت به سؤال kim? «کی» و näme? «چی» جواب می دهد. یک اسم در موارد زیر در حالت اسمی است :
الف- هنگامی که فاعل یک بند باشد.

‘درختان شروع کردند به شکوفه زدن.’ Agaçlar güllaap başlady.

ب- هنگامی که آن اسم به عنوان خطاب و ندا به کار می رود و یا هنگامی که اسمی خاص و یا نقشی را مشخص می کند. مثال :

‘پرزیدنت نیازف ، (لطفاً) کتاب را بگیریدا!’ Prezident Nyýazow , kitaby alyň!

پ- به عنوان مفعول در بعضی از بندها:

‘او به صحبتها گوش سپرد.’ Ol sözlere gulak saldy.

ت- در یک ساخت متمم اسمی :

‘روز تعطیل’ Dynç günü

ث- با تعدادی پس-اضافه ها : (نگاه کنید به بخش پس-اضافه ها)

‘به خاطر وطن’ Watan üçin

حالت مفعولی بیواسطه (رای):

این حالت ، حالت مفعول مستقیم معلوم فعل متعدی است. این حالت به سؤال های «kimî? کی را» ، «nämäni? چه چیز را» ، «niräni? کجا را» ، «haýsyny? کدام را» جواب می دهد. هنگامی که اسم به واکه ختم یافته باشد ، یک -n بین پایه اسمی و نشانه مفعول درج می شود.

(مفعول معلوم) 'دفتر را گرفتم' Depderi aldym.

(مفعول نا معلوم) 'یک دفتر گرفتم' Bir depder aldym.

'خیابان را دیدم' Köçäni gördüm.

در یک پایه اسمی منتهی به -e ، این واکه در مقابل نشانه مفعولی به -ä تبدیل می شود.

'خیابان را' köçäni 'خیابان' Köçe

حالت مفعول با واسطه³⁹ (به ای) :

این حالت دارای کاربرد های گوناگونی است. قبل از هر چیز برای نشان دادن صورت دستوری مفعول غیر مستقیم فعل غیر متعدی به کار می رود. این حالت به سؤالات «kimî? کی» ، «nämäni? به چی» و «niräni? به کجا» جواب می دهد. حالت مفعول با واسطه در اسم های با پایه واکه ای، شکل خاصی به خود می گیرد. چون در آنجا واکه انتهای پایه اسمی و واکه پایانه حالتی در هم آمیخته می شوند.

پایه اسمی منتهی به واکه ← واکه انتهایی در حالت مفعول با واسطه تبدیل می شود به :

-e , -ä , -i ← ä

-y ← a

-u , -ü , -o , -ö ← بدون تغییر

مثال :

ata 'پدر' → ata 'به پدر'

köçe 'خیابان' → köçä 'به خیابان'

kino 'سینما' → kino 'به سینما'

Durdy 'دوردی' → Durda 'به دوردی'

Gorki 'گورکی' → Gorkä 'به گورکی'

حالت مفعول با واسطه در موارد زیر به کار می رود :

a. برای بیان انتقال :

'به بایرام یک کتاب دادم' Baýrama bir kitap berdim.

b. جهت ، حرکت به سوی مکانی :

³⁹ حالت مفعول با واسطه توسط ترک شناسان ، در ارتباط با مفهوم حرکت ، حالت «جهتی» نیز نامیده می شود. از این نظر حالت مفعول با واسطه از حالت جایگاهی که مبین وضعیتی ایستا است تمایز داده می شود.

Ol Aşgabada gitdi. 'او به عشق آباد رفت.'

Içeri 'به طرف داخل'

c. برای بیان هدف یک عمل :

Men çörege gidýärim. 'من (برای) گرفتن نان می روم.'

d. در بعضی اصطلاح ها :

Boýdan başa 'سر تا پا'

e. برای بیان قیمت :

Üç müň manada bir gawun 'خربرزه ای به قیمت سه هزار منات'

f. برای مدت زمان یک دوره :

Baş güne^{۴۰} 'به مدت پنج روز'

g. حالت مفعول با واسطه با تعدادی پس-اضافه همنشینی دارد.

Biziň maşgalamyza garşy 'بر خلاف خانواده ما'

حالت مضاف الیهی

این حالت متمم معین اسم است و به سؤال kiminň? «- کی؟»، nämäniň? «- چی؟»، niräniň? «- کجا؟» و haýsynyň? «- کدام؟» جواب می دهد. وقتی متمم اسم نامعین باشد در حالت نامی باقی می ماند. مثال :

gyz ady (ح مضاف الیهی) 'اسم دختر' (معین) # gyzyň ady (ح نامی) 'اسم دختر' (نامعین) gyz ady

Aşgabat şäheri 'شهر عشق آباد'

Türkmen dili 'زبان ترکمنی'

Bazar günü 'روز بازار'

زبان ترکمنی برای بیان مفهوم تملک از دو بخش استفاده می کند. به مالک (مضاف الیه) ، نشان حالتی و به مملوک (مضاف) نشانه ملکی سوم شخص مفرد می دهد.

Atamyň kitaby 'کتاب پدرم'

در زبان فارسی^{۴۱} عامیانه ، یک صورت ملکی وجود دارد که کاملاً مشابه ساختمان ملکی در زبان ترکمنی است. به عنوان مثال، جمله «دفتر سردار زرد است»، بعضی مواقع در زبان فارسی به صورت

⁴⁰ نویسنده متالی دیگر آورده که اشتباه است. (مترجم)

⁴¹ نویسنده با زبان فرانسه مقایسه کرده است ولی از آنجا که استدلال و مثال وی در زبان فارسی نیز دارای معادل دقیقی است عبارت

«زبان فارسی» جایگزین «زبان فرانسه» شد. (مترجم)

تقریباً غیر دستوری «سردار دفترش زرد است» بیان می شود. این صورت مشابه ساختمان ترکیب «مضاف و مضاف الیهی» در زبان ترکمنی است :

Serdaryň kitaby sarydyr.

همانند آنچه که در حالت مفعول بیواسطه (مستقیم) دیدیم ، یک پایه اسمی منتهی به واکه ، قبل از پایانه حالت مضاف الیهی یک -n می گیرد. مثال :

Lampa ‘لامپ’ → lampanyň ‘لامپ’

حالت جایگاهی :

این حالت ظرف مکان است و به سؤال kimde? «پیش کی؟ ، در دست کی؟» ، nämede? «در چی؟» ، nirede? «در کجا؟» جواب می دهد. مثال :

Ol mekdepde ‘او در مدرسه است.’

Aýbölek Aşgabatda okaýar. ‘آیبؤلک در عشق آباد درس می خواند.’

دو هجایی های منتهی به -i یا -y که در هجای اول دارای واکه لبی باشند -i و -y را به -ü یا -u تبدیل می کنند.

Künji ‘کنجد’ künjüde ‘در کنجد’

حالت جایگاهی همچنین مبین ظرف زمان است. مثال :

Men wraça sagat başde gitjek. ‘من ساعت پنج پیش دکتر می روم.’

Meniň doganym tomusda geler. ‘برادر من تابستان خواهد آمد.’

این حالت همچنین ممکن است مبین تملک باشد. مثال :

Mende baş müň manat bar. ‘من پنج هزار منات دارم.’

حالت ازی :

این حالت هم ظرف مکان است که نقطه شروع یا منشأ را بیان می کند و به سؤال kimden? «از کی؟» ، nämeden? «از چی؟» و nireden? «از کجا؟» جواب می دهد. برخلاف زبان ترکی ، در زبان ترکمنی پایانه حالت ازی با آپستروف از اسم خاص جدا نمی شود. بلکه به عنوان بخشی از بدنه کلمه سرهم نوشته می شود.

Mekdepden çykdy. ‘از مدرسه بیرون آمد.’ (ترکمنی)

Stanbul’dan geldi. ‘از استانبول آمد.’ (ترکی)

Ýüzi ‘از صورت اش’ → ýüzünden ‘صورت اش’

اسم های منتهی به -ý- این نیم همخوان را در حالت ازی از دست می دهند. مثال :

Gorkiý ‘از گورکی’ → Gorkiden ‘گورکی’

حالت ازی همچنین مبین موارد زیر است :

a. عبور و حرکت زمانی و مکانی

Ol ýigrimi kilometrden sürdi. 'او با سرعت بیست کیلومتر رانندگی کرد.'

Men iki ýyldan gitjek. 'من دو سال دیگر می روم.'

b. منشأ و یا علت یک عمل . مثال :

Sowukdan öldi. 'از شدت سرما مرد.'

Pagtadan näme etýärler? 'از پنبه چی درست می کنند؟'

c. قیمت خرید و فروش ، قیمت تمام شده. مثال :

Bu stekanlary ýüz manatdan aldym.

'این استکان ها را به قیمت (دانه ای) صد منات خریدم.'

d. ماده تشکیل دهنده شیئی. مثال :

Demirden maşyn 'ماشین آهنی'

e. در صد و عدد نسبی. مثال :

Ýüzden otuz 'سی در صد'

Bäşden üç 'سه از پنج (سه پنجم)'

f. بعضی پس -اضافه ها حالت ازی را ایجاب می کنند. مثال :

Köpden bäri 'از خیلی وقت پیش تا کنون'

اسم فعل (مشتق)

(۱) اسم فعل های کلی مشتق با -ma/-me :

در زبان ترکمنی نوعی صورت مصدر کوتاه شده به -ma/-me وجود دارد که باعث ایجاد طبقه ای مهم با عنوان اسم فعل ها شده است. اسم فعل مبین عمل در کلیت آن است. اگر به عنوان اسم به کار برده شود می تواند به عنوان اسم تمام عیار عمل بکند و تمام پسوند هایی را که به اسم نسبت داده می شود بگیرد.

Gezme 'گردش'

Barma '(عمل) رسیدن'

Oturma '(عمل) نشستن'

Peýdalanma '(استفاده) کردن'

Ýazma '(عمل) نوشتن'

پسوند های ملکی اضافه شده به اسم های -ma/-me ای فاعل و یا متمم عمل را نشان می دهند.

Meniň barmam 'رسیدن من'

Bu kitabyň okamasy 'خواندن این کتاب'

اسم -ma/-me ای که مشتق از فعل است می تواند تمام وابسته هایی را که فعل معمولاً می پذیرد بپذیرد.

Möjekleriň gorkmasy 'ترس گرگ ها'

در تعداد زیادی از عبارت ها ، اسم -ma/-me ای به صورت صفت به کار می رود. مثال :

Gol ýazma kitap 'کتاب دست نویس'

(۲) اسم فعل های مشتق با -yş/-iş/-uş/-üş/-ş :

این اسم های مشتق نحوه انجام عمل را بیان می کنند ولی می توانند معنایی وسیع تر داشته و مبین خود عمل نیز باشند.

Okayıyş 'نحوه (قرائت ، خوانش)

Ýylgyryş 'ببخند (۱-نحوه، ۲-عمل)

Ekiş 'کشت (۱-نحوه ، ۲-عمل)

Uçuş 'پرواز (۱-نحوه ، ۲-عمل)

Men seniň boluşuňa düşüniş bilemok. 'من نمی توانم نحوه رفتار تو را درک کنم.'

صورت منفی با -ma/-me و به دنبال آن پایانه اسم مشتق -yş/-iş/-uş/-üş/-ş ساخته می شود.

Amanyň ýoldaşlary bilen bile ugramaýşyna onuň ejesi ynjalyksyzlandy.

'مادر آمان به خاطر این که او به همراهی رفقاییش حرکت نکرد نگران است.'

اسم فعل های مشتق با -yş/-iş/-uş/-üş/-ş را می توان با فعل هایی همچون 'islemek' خواستن و یا قید هایی مثل 'mümkin' ممکن و 'gerek' لازم است مشاهده کرد.

یک اسم فعل مشتق با -yş/-iş/-uş/-üş/-ş مانند هر اسم دیگری رفتار می کند یعنی می تواند پسوند های ملکی بپذیرد.

ýörişim	نحوه راه رفتن من	ýörişimiz	نحوه راه رفتن ما
ýörişiň	نحوه راه رفتن تو	ýörişiňiz	نحوه راه رفتن شما
ýörişi	نحوه راه رفتن او	ýörişleri	نحوه راه رفتن آنها

و یا پسوند های حالتی بپذیرد :

Ýörişimi , ýörişiň , ýörişime , ýörişimden , ...

(۳) اسم فعل های مبین تمایل، مشتق با -as/-es/-s :

این پایانه به ریشه فعلی می چسبد و آن را تبدیل به اسم می کند.

Almak 'گرفتن' → alasy 'تمایل اش برای گرفتن'

Etmek 'انجام دادن' → edesi 'تمایل اش برای انجام دادن'

این اسم ها به طوری کاملاً قاعده مند پایانه های ملکی می گیرند.

edesim , edesiň , edesi , edesimiz , edesiňiz , edesileri

اسم فعل تمایل ، به همراه فعل 'gelmek' آمدن ، در زبان فارسی با عبارت «تمایل داشتن» یا «دلت خواستن» ترجمه می شود.

Meniň suw içesim gelýär. 'دلم می خواهد آب بنوشم.'

Biziň ýatasymyz gelýär. 'ما خوابمان می آید.'

Onuň tizräk öýüne ýetesi gelýärdi.

'او دلش می خواست هر چه زودتر به خانه اش برسد.'

صورت منفی این موارد با -ma/-me- به ندرت در اسم فعل بیان می گردد و غالباً در فعل 'gelmek' ادا می گردد. مثال :

Maraldan başga zat hakda pikir edesi gelmeýärdi.

'دلش نمی خواست به کسی جز مارال فکر کند.'

با ادات منفی 'ýok' ، اسم فعل با -as/-es/-s- حامل معنای فرض است.

Bize hiç zat bolasy ýok. 'مطمئناً اتفاقی برای ما نخواهد افتاد.'

اسم های مشتق

افزودن پسوند (و به ندرت پیشوند) تنها راهکاری است که به وسیله آن زبان ترکمنی اسم های مشتق ایجاد می کند. یک پایه اسمی ممکن است جامد باشد یا مشتق. یعنی علاوه بر ریشه اسمی یا فعلی ممکن است یک یا چند پسوند اشتقاق داشته باشد. پایه اسمی مشتق دقیقاً همان پایانه هایی را می گیرد که پایه جامد می گیرد و از همان قاعده های هماهنگی آوایی تبعیت می کند که بر پایه جامد حاکم است. ذیلاً اصلی ترین پسوند های مورد استفاده در زبان ترکمنی برای تشکیل اسم های جدید را می آوریم. این پسوند ها ممکن است از ریشه اسمی یا فعلی باشند :

الف - پسوند های اسم ساز :

-anda/-ende :

مبین حالت فرد و یا علایق و مشغولیت های اوست.

Sazanda 'نوازنده'

Jemende 'جمع ، عموم'

Şermende 'شرمنده'

-ban/-wan(man) :

معنای خاصی ندارد. مثال :

Bagban 'باغبان'

Bendiwan

Sayıawan

:-baz

Masgarabaz 'دلگك'

Humarbaz

Oýunbaz 'حيله گر، مكار'

:-/ça/-çe

پسوند تصغير

Ýorgança 'لحاف كوچك'

Öküzçe 'گاؤ نر كوچك'

Temençe 'سوزن كوچك'

Kitapça 'كتاب كوچك'

:-çajyk/-cejik

پسوند تصغير

Kitapçajyk 'كتاب كوچك'

Depderçejik 'دفترچه كوچك'

Adamçajyk 'آدم كوچك، کوتوله'

:-cy/-ci

پسوندى است بسيار زايا و فعال كه برآى تشكيل اسامى صنفى و يا اسامى طرفداران و حاميان

امرى به كار مى رود.

Balyk 'ماهى' → balykçy 'ماهيگير'

Küşteçi 'شطرنجياز'

Okuwçy 'محصل'

:-cylyk/-çilik

پسوندى است فعال كه برآى تعميم بعضى از اسامى به كار مى رود.

Terbiýe 'تربيت' → terbiýeçilik 'تعليم و تربيت'

Kynçylyk 'مشكل'

Ilçilik 'سفارت'

كلماتى هم وجود دارند كه علاوه بر پسوند فوق، همزمان داراى پسوند -bet يا -bi⁴² يا -nā/-na نیز مى باشند.

Betbagtçylyk 'مصيبت، بدبختى'

⁴² در زبان امروزه، گرايش به حذف پسوندهاى -bi و -be و جايگزينى آنها با پسوندها -syz/-siz وجود دارد. مثال:

Bisabyrlyk → Sabyrsyzlyk 'بى صبىرى'

‘هرج و مرج ، بی نظمی’ Bidüzgünçilik
‘نا آگاهی’ Näbeletçilik

: -dan

‘قلمدان’ Galamdan
‘قوری ، فلاکس چایی’ Çaydan
‘گلدان’ Güldan
‘زیر سیگاری’ Küldan

: -dar

مبین مالکیت یا هویت فردی در رابطه با وضعیت خاصی است.

‘ییلاق نشین’ Çarwadar
‘مدیون ، بدهکار’ Bergidar
‘عالم، دانشمند’ Bilimdar
‘مشاور’ Geñşdar

: -daş/-deş

برای بیان اشتراک عمل ، عقاید و احساسات بین افراد به کار می رود.

‘همدل’ Ýürekdeş
‘دوست (بین دختران و زنان)’ Boýdaş
‘هموطن’ Watandaş
‘معاصر ، همدوره’ Döwürdeş

: -hana

مبین مکان فیزیکی است.

‘داروخانه’ Dermanhana
‘کتابخانه’ Kitaphana
‘آبدارخانه’ Çayhana
‘آرایشگاه’ Dellekhana

: -hor

برای اشاره به فرد مبتلا به عادت های رفتاری (معمولاً نا پسند) به کار می رود .

‘معتاد به تریاک’ Tirýekhor
‘شیرخوار’ Süýthor
‘چایی خور’ Çayhor
‘رشوه خوار’ Parahor

: -jagaz

برای تصغیر به کار می رود.

Atjagaz 'اسب کوچک'

Çayjagaz 'اندکی چایی'

Ýagjagaz 'یک کمی روغن'

:jan

برای تشکیل صورت های تصغیر اسم های خاص به کار می رود.^{۴۳}

Amanjan '۱-آمان جان ۲-طفلک آمان'

Nurjan '۱-نورجان ۲-طفلک نوری'

Ejejan 'مادرجان'

Daýzajan 'خاله جان'

:-kär/gär

مبین حرفه و مشغولیت است و از فانون هماهنگی واکه ای تبعیت نمی کند.

Jenaýatkär 'مجرم'

Hyzmatkär 'خدمتکار'

Söwdagär 'بازرگان، تاجر'

Zergär 'زرگر'

:-keş

مبین حرفه و یا ویژگی شخصیتی فرد است.

Düýekeş 'شتربان'

Zähmetkeş 'زحمت کش'

Çilimkeş 'سیگاری'

Gybatkeş 'غیبت کننده'

:-li/-ly

برای تشکیل صفات پسوندی به کار می رود و به معنی « دارای ... » یا « اهل ... » است.

Şäherli 'شهری'

Akylly 'عاقل'

:-lik/-lük/-luk/-lyk

پسوندی است با کاربرد فراوان برای تشکیل اسامی عام.

Dost 'دوست' → dostluk 'دوستی'

Akyllylyk 'عقلانیت'

⁴³ این پسوند علاوه بر کاربرد فوق دارای کارکرد عاطفی و بیان حس دوست داشتن است. (مترجم)

Ellik 'دستکش'

همچنین اسامی ای وجود دارند که علاوه بر این پسوند ، دارای پیشوند های -bi یا -nā و -ne نیز می باشند.

Bethäsiyetlik 'بد ذاتی ، شرارت'

Betpällik 'بد کرداری ، بد ذاتی'

Bigünälik 'بی گناهی'

Bigayratlyk 'بی غیرتی'

Nädogrylyk 'نادرستی'

-nama

دارای منشأ فارسی است و به اسم خاصیت رسمی می بخشد.

Ähtnama 'عهدنامه ، قرارداد'

Subutnama 'مدرك ، دليل'

Şertnama 'قرارداد ، ...'

-sa/-se

در اسامی عینی و ملموس ظاهر می شود.

Bilekse

Ýüwse 'انگشتانه'

Gargnsa

-ystan/-istan/-üstan

Türkmenistan 'ترکمنستان'

Çölüstan 'بیابان'

Gülüstan 'گلستان'

Gazagystan 'قزاقستان'

-zada/-zat

Asylzada 'اصیلزاده'

Haramzada 'پست ، رذل'

Perizat 'پریزاد ، زیبای افسانه ای'

-zar

lälezar 'لاله زار'

Gülzar 'گلزار'

ب - پسوند های روسی :

زبان روسی هم تعدادی پسوند به زبان ترکمنی وارد کرده است که اغلب با کلیت کلمه مربوطه همراه می باشند. عمده این پسوند ها عبارتند از: -ent , -er , -ik , -ist , -izm , -or , -siya , -ant . مثال :

materialist , patriotizm , kapitalizm , direktor , doktorant , diplomant , isolyasiya , siwilisasiya , assistent , ...

زبان ترکمنی معاصر در صدد جایگزین کردن معادل های ترکمنی این پسوند هاست . مثال :

Pianist → pianoçy

پ- پسوند های فعلی (پسوندهایی که از فعل اسم می سازند) :

-aç/-ec

برای ایجاد اسم های مربوط به چیزهای عینی به کار می رود .

Gysaç 'انبر'

Göreç 'مردمک چشم'

-ak/-ek/-k

برای ایجاد اسم اشیاء و یا مکان به کار می رود .

Gapak 'درپوش'

Elek 'الک'

Ýygnak 'گردهمایی ، اجتماع'

Ýatak 'خوابگاه'

-alga/-elge/-lga/-lge

پسوند موصول به ریشه فعلی که غالباً برای بیان مکان به کار می رود .

Girelge 'مدخل ، محل ورود'

Çykalga 'مخرج ، محل خروج'

Duralga 'ایستگاه'

Geçelge 'معبّر'

-an/-en

پسوند وجه وصفی (اسم فاعل و اسم مفعول) است .

Tozan 'گرد و خاک'

Agaran 'فرآورده شیری'

Gapan 'تله ، دام'

-ar/-er

پسوند زمان آینده نامعین . این پسوند این پسوند برای ساختن اسم اشیاء به کار می رود .

Açar 'کلید'

Çeker 'موم، لاک'

Keser 'چاقو'

: -ç/-anc

برای ساختن اسامی معنی به کار می رود.

Gynanç 'تأسف'

Begenç 'شادی'

Ynanç 'باور'

Gazanç 'کسب، درآمد'

: -dajy/-deji

پسوندی نه چندان فعال که برای ساختن اسامی معنا به کار می رود.

Girdegi 'درآمد'

Çykdajy 'هزینه، مخارج'

: -g

برای ساختن اسم از فعل دارای زیشه واکه ای به کار می رود.

Sorag 'سؤال'

Barlag 'جستجو، تحقیق'

Bezeg 'تزیین، بزک'

Isleg 'درخواست، تمایل'

: -ga/-ge

برای ساختن اسم اشیاء به کار می رود.

Batga 'باتلاق'

Tozga 'گرده'

Garantga 'مترسک'

: -gi/-gy

پسوندی است غیر فعال و با کاربرد نادر.

Algy 'طلب'

Goşgy 'شعر'

: -giç/-gyç/-üç/-uç

فاقد معنایی معین، برای ساختن اسم اشیاء به کار می رود.

Bozguç 'پاک کن'

Guýguç 'فیف، آب پاش'

Süzgüç 'صافی'

Ýangyç 'سوخت'

:-gin/-gyn/-gün/-gyn

فاقد معنایی معین ، برای ساختن اسامی غیر انتزاعی (ملموس) به کار می رود.

Ýangyn 'آتش سوزی ، حریق'

Ýapgyn

Sürgün 'تبعید'

:-git/-gyt/-güt/-gut

پسوندی است غیر فعال که در اسامی مشتق یافت می شود.

Salgyt

Ýazgyt 'سرنوشت'

Ýorgut

-ja/-je

مبین اسامی عینی و انتزاعی است و فاقد معنای پسوندی خاص می باشد.

Damja 'قطره'

Düşünje 'مفهوم'

Ýapynja 'روپوش بارانی'

:-ma/-me

برای ساختن اسامی عمل به کار می رود و یکی از پرکاربردترین پسوند های اسم ساز میباشد.

Çatma

Ýazmak 'نوشتار'

Gatlama 'نوعی نان شیرین ترکمنی'

:-mak/-mek

این پسوند را نباید با نشان مصدری اشتباه کرد. این پسوند در اسامی عینی بسیار محدود به کار

می رود.

Bulamak

Çakmak 'سنگ آتشزنه ، چخماق'

Gaýmak 'سرشیر'

Syrtmak 'گره'

:-mit/-myt/-ut

Almyt

Iýmit 'غذا'

:-ň

gozgalaň 'جنبش'

talaň 'غار ، چپاول'

: -uw/-üw/-w

برای ساختن اسامی عینی و یا اسامی معنی به کار می رود. این پسوند در زبان کنونی چندان فعال نیست.

Ýazuw 'نوشته'

Okuw 'تحصیل'

Derñew 'بررسی، تحقیق'

: -wac

برای ساختن اسامی اشیاء و ابزارآلات به کار می رود.

Oýnawaç 'اسباب بازی'

Gapjawaç 'انبرک، انبر، پنس'

Germewaç 'دیرک رخت آویز'

: -wuk/-wük

برای ساختن اسامی مکان، امراض و یا ابزارآلات به کار می رود.

Şalgawuk 'آبشار'

Gijilewük 'بیماری گال'

Üsgülewük 'سرفه'

: -y/-i

می تواند مبین معانی گوناگونی باشد از آن جمله اسم مکان.

Gapy 'درب'

Bogy 'بسته'

Öri 'چرا'

: -yiy/-iji/-ujy/-üji

برای ساختن اسم های شاغلین و فعالان در بعضی حرفه ها و فعالیت ها به کار برده می شود.

Ýazyjy 'نویسنده'

Ýeñiji 'برنده، پیروز'

Alyjy 'خریدار، مشتری'

Dörodiji 'خالق، پدید آورنده'

همچنین برای اسم های معنی و انتزاعی به کار می رود.

Bölüji 'تقسیم'

Kemeliji 'تفریق'

Baglaýjy 'پیوند'

: -yk/-ik/-uk/-ük/-k

پسوندى است فعال كه براى ساختن اسم هاى انتزاعى و معينى به كار مى رود.

Gepleşik 'گفتگو'

Gazyk 'ميله ، تير'

Oñşuk 'گذران زندگى ، وضعيت'

: -ym/-im/--um/üm/-m

پسوندى است كه براى بيان جريان و يا پيامد يك عمل به كار مى رود.

Sagym 'شير دوشى'

Gyrkym 'پشم چينى'

Gezim 'گردش'

: -yn/-in/-un/-ün

براى ساختن هم اسم هاى انتزاعى و هم اسم هاى عينى به كار مى رود.

Ekin 'كاشت ، مزرعه گندم'

Tikin 'بافت'

Düwün 'گره'

: -yndy/-indi/-undy/-üندی/-ndy/-ndi

مبين نتيجه عمل است.

Ýygyndy 'گلچين'

Kesindi 'پوشال'

Çöküندی 'رسوب ، ته نشين'

اسم هاى مركب

در زبان تركمنى مى توان اسم هارت از تركيب دو يا چند پايه اسمى ، صفتى ، فعلى ساده يا مشتق تشكيل داد. مثال :

Ýolbaşçy 'رهبر' [ýol + baş + çy]

Agzybirlik 'اتحاد ، همبستگى' [agyz + bir + lik]

Otluçöp 'كبريت' [ot + ly + çöp]

اسم و اسم :

Aýbibi 'آى بى بى'

Aýakgap (تحت اللفظى: پاپوش) 'كفش'

اسم و صفت :

Hamyrturşy 'مخمر'

صفت و اسم :

Garaguş (تحت اللفظی : پرنده سیاه) 'عقاب'

Inçekesel 'بیماری سل'

اسم و فعل :

Gündogar (تحت اللفظی : محل طلوع خورشید) 'شرق'

Başbozar 'اخلالگر'

عدد و اسم :

Ýüzbaş (تحت اللفظی : رئیس صد نفر) 'سروان'

Bäşýyllyk 'پنج ساله' (برنامه ، مدت)

عدد و فعل :

Bäşatar 'پنج تیر' (اسلحه)

عدد و صفت :

Ikiýüzli 'دورو ، ریاکار'

فعل و فعل :

Ýykanaldy 'بُر و بگير' (نوعی بازی)

یک مورد واژه سازی مختص زبانهای ترکی وجود دارد که براساس آن یک کلمه تکرار میشود ، ولی در بخش تکراری اولین هجا تغییر پیدا می کند.⁴⁴ در زبان فرانسه از لحاظ صوری برای اسمهایی که اینگونه ساخته می شوند معادلی وجود ندارد وغالباً اینگونه ترکیبات با ترکیبات پیچیده تری مثل «و چیزهایی مثل آن» معنی می شود.

Gant-mant 'قند مند'

Çay-pay 'چایی مایی'

Nahar-pahar 'نهار مهار'

Garry-gurry 'پیر میر'

Gümür-ýamyr 'ولوله'

Paty-puty 'خرت و پرت'

Sene-mene 'جر و بحث'

و غیره .

کلمات دخیل روسی ، فارسی و عربی

⁴⁴ در زبان فارسی ساختی دقیقاً مشابه این وجود دارد. همانگونه که در ترجمه فارسی مثال های فوق مشاهده می شود.(مترجم)

تعداد این کلمات آنقدر زیاد است که مجبوریم صفحاتی را به بحث درباره آنها اختصاص دهیم. این کلمات عملاً باعث تمایز عمده از لحاظ واژگانی در زبانهای ترکی شاخه جنوبی، به خصوص زبان ترکی (ترکیه) از یک طرف و زبانهای آذری، ازبکی و ترکمنی از طرف دیگر می شوند. زبان ترکمنی با گرویدن گویشوران اش به دین اسلام، ورود گسترده کلمات فارسی و عربی را در قرن هفدهم میلادی به درون ادبیات خود شاهد بوده است. پذیرش الفبای عربی نیز راه ورود واژه های عربی و فارسی را بدون تغییر چندان هموار نموده است. همچنین مختمقلی، شاعر ترکمن، بخش قابل ملاحظه ای از اثر خود را به زبان فارسی نوشته است.^{۴۵} چون در آن زمان زبان فارسی زبان ادبا و نخبگان بوده است.

با الحاق ترکمنستان به روسیه و به دنبال آن تبدیل الفبای سیریلیکی به الفبای رسمی این کشور، زبان ترکمنی راه ورود تعداد قابل ملاحظه ای از واژه های روسی، به خصوص در حوزه های فنی، فلسفی، اجتماعی، علمی و نام ماههای سال، را باز می کند. این لایه جدید و مهمی است که به تغییر حوزه های معنایی کلمات در درون زبان ترکمنی منجر شده است. این کلمات دخیل به راحتی از واژه های اصیل ترکمنی قابل تشخیص هستند چون این کلمات در حالت چند هجایی دارای هم همخوان های پسین و هم همخوان های پیشین می باشند در حالیکه این مسأله خلاف قانون هماهنگی واکه ای و همخوانی در زبان ترکمنی است. بعضی از این واژه های بیگانه، اصالتاً دارای منشأ فرانسوی و یا آلمانی هستند. بدین ترتیب امروزه، حتی در شعر عامیانه و یا در گفتار مذهبی، ایجاد یک کلام شفاهی و یا کتبی به زبان ترکمنی بدون استفاده از کلمات روسی یا عربی و فارسی مشکل است. با اینحال زبان ترکمنی توانسته است این واژه ها را در دستور خود هضم نماید و یک کلمه روسی یا عربی و فارسی همانند یک کلمه اصیل ترکمنی رفتار می کند: در فرایند اتصال پسوند ها به این واژه ها قانون هماهنگی واکه ای عمل می کند. مثال:

Stol	'میز'	stollar	'میزها'
Stoluň	'میز -'	stolda	'در روی میز'

و غیره.

مقامات دولت ترکمن سیاست تصفیه و جایگزین سازی کلمات قرضی خارجی با کلمات معادل اصیل ترکمنی را دنبال می کنند. این سیاست تاکنون نتایج ملموسی از خود نشان نداده است چونکه ترکمن ها دیگر به این کلمات به عنوان «بیگانه» نمی نگرند. این کلمات بخشی از زبان روزمره آنها شده است و تلاش هایی که برای «ترکمنی سازی» صورت می گیرد در مواردی باعث خنده و جوک سازی شده است. در صفحه بعد کلماتی با منشأ روسی، عربی و فارسی که امروزه زبان ترکمنی به فراوانی از آنها

۲- احتمالاً منظور نویسنده این بوده است که «مختمقلی تعداد قابل ملاحظه ای واژه های فارسی در اثر خود به کار برده است». چون می دانیم که مختمقلی اثر خود را به زبان ترکمنی خلق کرده است. (مترجم)

استفاده می کند به عنوان نمونه آورده شده است. این لیست فقط مثالی کوچک است چون موارد فراوانی از آن می توان یافت.

<u>منشأ روسی</u>	<u>ترجمه فارسی</u>	<u>منشأ عربی یا فارسی</u>	<u>ترجمه فارسی</u>
awtobus	اتوبوس	arzuw	آرزو
brigadir	سر جوخه	dost	دوست
direktor	مدیر	duşenbe	دوشنبه
družina	شاهزاده	duşman	دشمن
galstuk	کراوات	döwlet	دولت
gazet	روزنامه	emma	اما
klas	کلاس	halk	مردم
kolhoz	کالخوز	kitap	کتاب
kosmonawt	فضانورد	kuwwat	قوت ، نیرو
park	پارک	maglumat	اطلاعات
parta	میز تحریر	maksat	هدف ، مقصد
partiýa	حزب	medeniýet	فرهنگ
pošta	پست	meýdan	میدان
raketa	موشک	miras	میراث
respisaniýe	نام نویسی	mugallym	معلم
rewolusiýa	انقلاب	namart	نامرد
ruçka	قلم	namys	ناموس
samolýot	هواپیما	tebigat	طبیعت
zawod	کارخانه	ýekşembe	یکشنبه

و غیره

ب - ضمير

ضمير در زبان ترکمنی عملاً همانند اسم عمل می کند: می تواند پسوند های جمع و حالت بپذیرد. ضمير به گروه های متفاوت تقسیم می شود: شخصی، انعکاسی، اشاره ای، سؤالی، نفی و نامعین.

۱. ضمير شخصی

تعداد ضمير شخصی ده است. همانند زبان فرانسه، در زبان ترکمنی نیز صيغه دوم شخص جمع، به عنوان شکل خطاب مؤدبانه به کار می رود. ولی با این حال خطاب اول شخص مفرد (تو) در زبان ترکمنی گسترده تر و کلی تر از کاربرد معادل آن در زبان فرانسه است. به هنگام تصریف، ضمير مفرد در حالت مفعولی با واسطه، شکلی خاص یعنی صورت قدیمی *ña*-ترکی را به خود می گیرند. ضمير سوم شخص اساساً ضمير اشاره ای هستند.

صرف ضمير شخصی

	من	تو	او	ما	شما	ایشان
ح. نامی	men	sen	ol	biz	siz	olar
ح. رایبی	meni	seni	ony	bizi	sizi	olary
ح. مفعول با واسطه	maña	saña	oña	bize	size	olara
ح. مضاف الیهی	meniň	seniň	onuň	biziň	siziň	olaryň
ح. جایگاهی	mende	sende	onda	bizde	sizde	olarda
ح. ازی	menden	senden	ondan	bizden	sizden	olardan

در گفتار شفاهی به خصوص در لهجه *gökleň* ضمير *biz* و *siz* پسوند عدد می گیرند: *bizler* و *sizler*⁴⁶. در حالت مضاف الیهی، ضمير شخصی سوم شخص در گفتار شفاهی به صورت *oň* (به جای *onuň*) و *olaň* (به جای *olaryň*) کوتاه می شوند. ضمير شخصی وقتی با ادات تأکید *hem* همراه شوند با آن ترکیب شده *h*- را از دست می دهند. مثال:

‘ما هم’ *bizem* ‘من هم’ *Menem*

پسوند *-ky/-ki* اگر به ضمير شخصی بچسبد مبین مالکیت است. این ترکیب ها می توانند پسوند جمع و بر حسب نقشی که در جمله ایفا می کنند پسوند های حالت مناسب بگیرند.

‘مال من’ *Meniňki*

‘سهم نزدیکان ما’ *Biziňkileriň paýy*

⁴⁶ Kulmanow, G : *Geoklenskij dialekt turkmenskogo yazika*, Ylym, Aşgabat, 1991, p.59

اموال⁴⁷ (یا کسان) تو را دیدم. Seniñkileri gördüm.

در زبان شفاهی، صورت های کوتاه *olañky* , *oñky* , *señki* , *meñki* مشاهده می شود.

۲. ضمیر انعکاسی «ÖZ»

این ضمیر به معنی «خود» است. صورتهای ضمیر ÖZ عبارتند از:

özüm	خودم	özümüz	خودمان
özüñ	خودت	özüñiz	خودتان
özi	خودش	özleri	خودشان

نکات:

• صورتهای *özim* , *öziñ* , *özimiz* , *öziñiz* نیز جایز شمرده می شود. ضمیر انعکاسی ÖZ همانند ضمائر شخصی می تواند پسوندهای حالت بپذیرد. در سوم شخص مفرد صورت ÖZÜ پایه صرفی است.

‘خودش’ *öziñ* → ‘خودش’ *özi*
‘از خودمان’ *özümüzden*

• ضمیر ÖZ می تواند با یا بدون ضمیر شخصی به کار رود. با اینحال اگر ضمیر شخصی وجود داشته باشد باید در حالت مضاف الیهی باشد.

‘خودم پرسیدم’ *Özüm soradym*

یا

‘من خودم پرسیدم’ *Meniñ özüm soradym*.

با اینحال اگر ضمیر شخصی همراه شده با ÖZ ، فاعل جمله باشد بسته به موقعیت می تواند در حالت نامی قرار گیرد.

‘من خودم رفتم’ *Men özüm bardym*.

‘خودت چیکار می کردی؟’ *Özüñ näderdiñ?*

• ضمیر ÖZ به همراه پسوند *-ki* مبین مفهوم مالکیت است.

‘بچه از آن خود شماست؟’ *Çaga özüñkimi?*

۳. ضمیر اشاره ای

تعداد این ضمائر پنج است. به ترتیب اشاره به نزدیکترین تا دورترین ضمائر اشاره ای عبارتند از:

⁴⁷ در اینجا «اموال» در معنای نامعین و کلی نیست ، بلکه بسته به موقعیت کلام و صحبت های قبلی گوینده و شنونده ، مصداق های آن برای شنونده معلوم است.(مرجم)

Bu , şu , şol (یا şo) , ol (یا o) , hol⁴⁸

این ضمایر قبل از اسمی که توصیف اش می کنند قرار می گیرند و در صورت غیبت اسم می توانند پسوند عدد بپذیرند: holar , şolar , olar , şular , bular.
ضمایر اشاره ای وقتی به عنوان اسم به کار روند ، بسته به نقش شان در جمله پایانه های حالتی مختلف اسمی می پذیرند.

Şu (حالت مضاف الیهی) 'این' şunuñ 'این' 'این'

Şolar (حالت مفعول با واسطه) 'به طرف آنها' şolara garşy 'آنها'

ضمایر اشاره ای را می توان به صورت مملوک در آورد:

Munym , munyñ , munysy (این من ، این تو ، این او)

ضمایر اشاره ای می توانند با ضمایر پرسشی همراه شوند:

Bu näçe otag? 'این چند اتاق است؟'

صرف ضمایر اشاره ای

	bu		şu		şol		hol	
	مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع
ح.نامی	bu	bular	şu	şular	şol	şolar	hol	holar
ح.رایبی	muny	bulary	şuny	şulary	şony	şolary	hony	holary
ح.مفعول با واسطه	muña	bulara	şuña	şulara	şoña	şolara	hoña	holara
ح.مضاف الیهی	munyñ	bularyñ	şunyñ	şularyñ	şonuñ	şolaryñ	honyñ	holaryñ
ح.جایگاهی	munda	bularda	şunda	şularda	şonda	şolarda	honda	holarda
ح.ازی	mundan	bulardan	şundan	şulardan	şondan	şolardan	hondan	holardan

نکات:

- ضمیر bu به هنگام تصریف ، در صیغه مفرد صورتی کاملاً خاص به خود می گیرد. ولی در صیغه جمع دارای صورتهای با قاعده است.
- ضمایر şu , şol , hol به هنگام تصریف ، -l را به -n یا -ñ تبدیل می کنند.
- ضمیر ol همانند ضمیر şol تلفظ می شود.
- ضمیر اشاره ای در صورتیکه به عنوان صفت به کار روند نا متغیر هستند. مثال:

Bu öýde 'در این خانه' bu öýlerde 'در این خانه ها'

Şondan soň kino gitdiler. 'بعد از آن به سینما رفتند.'

⁴⁸ ضمیر اشاره ای hol به ندرت استفاده می شود.

۴. ضمیر پرسشی

این ضمایر ، به صورت قاعده مند صرف می شوند و از قانون هماهنگی واکه ای و همخوانی تبعیت می کنند. ضمایر پرسشی با ریشه واکه ای (ریشه ای که به واکه ختم شده باشد) بین پایه اسمی شان و پسوندهای حالت یک -n اضافه می کنند :

’کدام را دیدی؟‘ Haýsyny gördüň?

ضمایر پرسشی عبارتند از :

haçan(näwagt)	کی
haýsy	کدام
kim	کی
nä	چی
näçe	چند
näçenji	چندمین
nähili	چطور
näjüre	چطور
näme	چی
nätüýsli	چطوری
neneň	چطور
niçik	چند
nire	کجا
....	

ضمایر پرسشی در حالت ترکیب با پسوند های ملکی جزئی از کل است.

’کدام مان؟‘ Haýsyzmy?

’چند تایتان؟‘ Näçäňiz?

در غیاب ضمیر پرسشی ، در زبان ترکمنی سؤال با ادات -mi/-my- بیان می گردد. مثال :

’آیا این باغچه است؟‘ Bu bagçamy?

ضمیر پرسشی مانند هر ضمیر دیگر در زبان ترکمنی می تواند پایانه های حالت بپذیرد.

صرف ضمایر پرسشی

ح.نامی	kim	näme	nire	näçe	näçenji	haýsy
ح.رای	kimi	nämäni	niräni	näçäni	näçenji	haýsyny
ح.مفعول با واسطه	kime	nämä	nirä	näçä	näçenjä	haýsa

ح.مضاف الیهی	kimin	nämäniñ	niräniñ	näçäniñ	näçenjiniñ	haýsynyñ
ح.جایگاهی	kimde	nämede	nirede	näçede	näçenjide	haýsynda
ح.ازی	kimden	nämeden	nireden	näçeden	näçenjiden	haýsyndan

چند مثال :

Kimler nämäni çaljak? . Biz bu sazy çaljak.

چه کسانی چه چیزی می خواهند بنوازند؟ ما می خواهیم این آهنگ را بنوازیم.

Nämäniñ golaýynda? در نزدیکی چه چیزی؟

Näçenjisinden düşdün? از چندمین پیاده شدی؟ (اتوبوس)

۵. ضمیر نفی

ضمایر نفی با کلمه hiç «هیچ» و به دنبال آن یک ضمیر پرسشی و یا یک اسم ساخته میشوند :

hiç kim	هیچکس	hiç zat	هیچ چیز
hiç haçan	هیچوقت	hiç bir	هیچ
hiç haýsy	هیچکدام	hiç bir zat	هیچ چیزی
hiç tüýsli	هیچگونه	hiç kes	هیچکس
hiç hili	هیچگونه	hiç wagt	هیچوقت
hiç jüre	هیچگونه		

نکات :

- hiç نامتغیر است و عنصر دوم پسوند می گیرد و فعل جمله به صورت منفی است.

Hiç ýere gitmedim. 'هیچ جا نرفتم.'

Ol rusça hiç wagt geplemedi. 'او هیچوقت روسی حرف نزد.'

Hiçden giç ýagşy. 'دیر بهتر از هرگز است.'

Hiç biri hiç haçan sözlän däldir. 'هیچکدام از آنها هیچگاه حرف نزده است.'

۶. ضمیر نامعین

ضمایر نامعین همانند ضمایر پرسشی می توانند پایانه های ملکی بگیرند :

Hemmämiz⁴⁹ 'همه ما'

Ertir ähliñiz mekdebe gellersiñiz. 'فردا همه تان به مدرسه می آید.'

ähli	همه	ençeme	کلی
bar	هر	hemme	همه

⁴⁹ ضمیر hemme هنگامی که پسوند می گیرد e- انتهای را به ä- تبدیل میکند.

bary	همه
bir topar	چندتا
biraz	کمی
birentek	خیلی
birnäçe	چندتا
birneme	یک کمی
bütün	کل ، همه
emçe	کمی

her	هر
käbir	بعضی
külli	کل ، همه
neme	فلان
pylan	فلان
pylança	فلان مقدار
telim	کلی ، خیلی
tutuş	همه

به کار روند. *tutuş* , *külli* , *her* , *hemme bütün* , *bary* , *bar* , *ähli* می توانند به عنوان صفت یا اسم

Men *ähli mümkinçiliklerden peýdalandym*. 'من از تمام امکانات استفاده کردم.'
Ähli ýurtlaryň proletarlary , birleşiş.⁵⁰ 'کارگران تمام کشورها متحد شوید.'
Hemme zat birden ýadymdan çykypdy. 'همه چیز را یکدفعه فراموش کرده بودم.'
Tutuş oba 'همه روستا'
Tutuşymyz gideris. 'همه ما خواهیم رفت.'
Olaryň hersi bir ýana gitdi. 'هر کدام از آنها به سمتی رفتند.'
, *pylan* , *käbir* , *eňçeme* , *eňçe* , *birneme* , *birentek* , *birz* , *bir topar* , *bir pylança* و *telim* دارای ارزش قسمت نمایی⁵¹ (مبین جزئی از کل) هستند. اسم مورد وصف آنها مفرد است، به جز در مورد *käbir* که می تواند اسم جمع نیز بپذیرد.

Birentek wagt 'خیلی وقت'
Biraz umyt 'کمی امید'
Eňçeme wagt geçenden soň 'بعد از گذشت مدت زمان طولانی'
Näme üçin pylança pul berip aldyň? 'چرا آنهمه پول دادی و گرفتی؟'
Käbir adamlar 'بعضی آدم ها'
Aýyň pylan günü 'فلان روز ماه'
Telim gezek gaýtalamak 'چندین بار تکرار کردن'
Käbir jaýlarda çyra ýanýardy. 'در بعضی از خانه ها چراغ روشن بود.'

⁵⁰ شعاری که در جمهوری سوسیالیستی ترکمنستان شعار رسمی بود.

⁵¹ partitive

her می تواند با ضمائر پرسشی ترکیب شده و ضمائر جدید نامعین تشکیل دهد. در این حالت فقط ضمیر دوم پسوند می گیرد:

Her name 'هر چی'

Her haýsy 'هر کدام'

Her näçe 'هر چند'

Her kim 'هر کس'

Klubda her gün kino görkezilýär. 'در کلوب هر روز فیلم سینمایی پخش می شود.'

Türkmenistanyň graždany bolan her bir erkek kişi harby borjuny ýerine ýetirmelidir. 'هر فرد ذکور تبعه ترکمنستان باید خدمت وظیفه عمومی را انجام دهد.'

پ - صفت

در زبان ترکمنی، صفت نامتغیر است و قبل از موصوف قرار می‌گیرد.

۱- صفات کیفی

قبل از موصوف قرار می‌گیرد و همیشه نامتغیر است. مثال:

Uly şäher 'شهر بزرگ'

الف) اگر صفت بعد از موصوف قرار گیرد مسند است. یک صفت می‌تواند پسوند بپذیرد بدون آنکه ماهیت دستوری اش را عوض کند.

Kiçi adam 'ادم کوچک'

Adam kiçi. 'مرد کوچک است.'

Akylyly 'عقل' akylsyz 'بی عقل'

ب) در عین حال صفت وقتی به عنوان اسم به کار رود، می‌تواند تمام ویژگی‌های اسم را اخذ کند و پسوند‌های جمع، حالت و یا ملکی بگیرد.

Kiçiler 'کوچولوها'

Kiçileri gördüm. 'کوچولوها را دیدم.'

پ) هنگامی که صفت فعل جمله است پایانه‌های فعلی مناسب می‌گیرد. مثال:

Bu köçe meniň üçin güwwüldidir. 'این خیابان برای من شلوغ است.'

ت) صفت هنگامی که به عنوان قید به کار رود نامتغیر است. مثال:

Täze açylan güller 'گل‌های تازه شکفته'

ث) برای تشدید معنای یک صفت، زبان ترکمنی از قیدهای , aş , has , çuw , inňän , dym , örän , şar و gaty استفاده می‌کند.

Biziň klasymyzyň has gowy okuwçylaryny Pariže iberdiler.

'دانش‌آموزان خیلی زرنگ کلاس ما را به پاریس فرستادند.'

زبان ترکمنی همچنین از روش دیگری برای تشدید صفت استفاده می‌کند که براساس آن اولین هجای صفت تکرار می‌شود ولی نه به صورت کامل، بلکه تا واکه و با افزوده شدن یکی از همخوانهای -p، -m، -s، -r به دنبال آن.

Sap-sary 'زرد زرد'

Gap-gara 'سیاه سیاه'

Gyp-gyzyl 'قرمز قرمز'

Göm-gök 'آبی آبی'

Ap-ak 'سفید سفید'

Dos-dogry 'درست درست'

و غیره

در زبان ترکمنی یک صورت مقایسه وجود دارد که بر حسب قانون هماهنگی واکه ای با

پسوند -rak/-rāk ساخته می شود:

Uly 'بزرگ' → ulurak⁵² 'بزرگتر'

Taäze 'تازه' → täzeräk 'تازه تر'

بر طبق مدل زیر همخوان پایانی کامی می شود:

ç→j , k→g , p→b , t→d

مثال:

Gök 'آبی' → gögräk 'آبی تر'

Erbet 'بدتر' → erbedrāk 'بدتر'

Günleç 'سنگین' → günlejräk 'سنگین تر'

Seresap 'محتاط' → seresabrak 'محتاط تر'

- متممی که مورد مقایسه قرار می گیرد حالت ازی می گیرد. مثال:

Kiew Aşgabatdan ulurak. 'کیف از عشق آباد بزرگتر است.'

Men senden kiçiräk. 'من از تو کوچکترم.'

- نشانه تفضیلی همیشه دارای کارکرد ثابت تفضیل نیست بلکه در بعضی مواقع ممکن است

نقش وجهی داشته باشد. در این صورت آن را به فارسی به صورت «مثل» یا «نسبتاً» می توان ترجمه کرد.

Gaýta olar şunuň ýalyrak zatlary az görenoklar.

'برعکس آنها چیزهایی مثل این را کم نمی بینند.'

در زبان ترکمنی سه صورت تفضیلی «ترین» وجود دارد:

الف- با افزودن ادات lab قبل از صفت:

Lab uly 'بزرگترین'

این صورت تفضیلی کمتر مورد استفاده قرار می گیرد و بیشتر از صورت زیر استفاده می شود:

ب- با ضمیر hemme که حالت ازی می گیرد.

Ol hemmesinden ýagşy. 'او بهترین است.' (او از همه بهتر است).

پ- بوسیله ادات İň قبل از صفت. این صورت تفضیلی در حال کنار زدن صورتهای دیگر است.

İň uly 'بزرگترین'

⁵² دو هجایی های دارای یک واکه لبی در هجای اول، -i و -y پایانی را به -ä یا -u تبدیل می کند.

۲- صفات پسوندی

در زبان ترکمنی می توان صفات کیفی را از عناصر طبقات دیگر دستوری همانند اسم و یا فعل ساخت.⁵³ قاعده ساخت این صفات جدید ثابت است: از طریق افزودن پسوند.

در زیر لیست پسوندهای عمده که با اضافه شدن به عناصر دیگر تعداد نامحدودی صفت درست میکنند آورده شده است. اکثریت این پسوندها از قانون هماهنگی واکه ای تبعیت می کنند. صفت‌های جدیدی که از این طریق بدست می آیند همانند صفت‌های دیگر عمل می کنند:

-agan/-egen

پسوندی است که به ریشه فعلی می چسبند و دارای ارزش وجه وصفی حال و گذشته است.

Gülegen adam 'آدم خنده رو'

-ak/-ek

پسوندی است که به ریشه فعلی می چسبند و مبین ویژگی و صفت طبیعی فرد است.

Gorkak 'ترسو'

Ürkek 'چموش، رمنده'

-ana

مبین ویژگی شخصیتی فرد است:

Türkana adamlar 'آدم‌های ساده'

Merdana esger 'سرباز شجاع'

-anç/-ç

پسوندی است که به ریشه فعلی می چسبند و مبین ویژگی شخصیتی است.

Gysganç adam 'آدم خسیس'

Eýmenç düýş 'خواب وحشتناک'

-ançak/-ençek

پسوند ریشه فعلی و مبین ویژگی است.

Bulançak suw 'آب گل آلود'

-ar/-er

مبین ویژگی یا خصلت چیزی است.

Akar suw 'آب جاری'

Güler ýüz

Görer göz 'چشم بینا'

-arman/-ermen

پسوند ریشه فعلی است که مبین حالتی است.

⁵³ همچنین است درباره ساخت اسم. نگاه کنید به اسم های مشتق.

Gidermen ýolagçy ‘مسافر مصمم (به طی مسیر)’

: -ban

مبین خصلت است.

Mähriban ‘مهربان’

: -bent

مبین اعتیاد به چیزی است.

Neşebent ‘معتاد (به مواد مخدر)’

: -ça/-çe

مبین «از نظر...»، «به روش...» و غیره است. همچنین در مورد زبانها نیز به کار می رود.

Turkmençe ‘زبان ترکمنی’

Fransuzça ‘زبان فرانسه’

Parsça ‘زبان فارسی’

Çagaça kitab ‘کتاب کودکان’

: -çyl/çil

مبین شدت یک خصلت است.

Gaýgyçyl adam ‘آدم همیشه نگران’

: -daky/-deki

مبین مکان و یا اسم شخصی است که اسم مورد وصف با آن مرتبط است.

Azady adyndaky institut ‘انستیتو (موسوم به) آزادی’

: -dar

مبین خصلت است.

Dindar ýaşuly ‘پیرمرد مذهبی’

Bilimdar molla ‘ملای عالم’

: -gak/-gek

مبین حالتی است و پسوند ریشه فعلی می باشد.

Bezgek goýun

Ýapyşgak ot

: -gär/-kär

مبین پیشه، شغل و همچنین خصلت شخصیتی است. این پسوند از هماهنگی واکه ای تبعیت نمی کند:

Hilegär tilki ‘روباه مکار’

Zergär adam ‘زرگر’

: -gy/-gi/-g

پسوند ریشه فعلی.

Ýuwgy köýnek 'پیراهن شسته'

Gaýnag suw 'آب جوش'

-gyn/-gin/-gun/-gün

پسوند ریشه فعلی است.

Ösgün ot 'علف رشد کننده'

Ýazgyn mata

-gyr/-gir/-gur/-gür

پسوند ریشه فعلی است.

Kesgir pyçak 'کارد تیز'

Duýgur adam 'آدم تیزفهم'

-hor

arakhor baş ilçı
mugthor baý 'پولدار مفتخور'

-jaň/-jeň

می تواند هم به ریشه اسمی و هم به ریشه فعلی بچسبند.

Işjeň gyz 'دختر پرکار'

Höwesjeň adam 'آدم علاقمند'

Başarjaň işçi 'کارگر توانا'

-k

این پسوند بر روی لغات دخیل از زبان روسی عمل می کند و صفت به دست می دهد.

Pedagogik institut 'انستیتوی آموزشی'

Antik edebiýat 'ادبیات باستان'

-ky/-ki

برای توصیف وضعیت مکانی و زمانی موصوف به کار می رود.

Bu günki nomer 'شماره امروز' (مجله)

Daşky gapy 'در بیرونی'

-lak/-lek

برای توصیف حالت فیزیکی شخص یا شیئی به کار می رود. این پسوند چندان فعال نیست و زبان

ترکمنی معاصر گرایش به جایگزین کردن آنها با پسوند -ly دارد.

Etlek ýüz 'صورت تپل'

Baldyrlak 'زانو بلند'

-li/-ly

به معنی «دارای...» یا از «از...» است و متضاد آن پسوند -syz/-siz است.

Akyllly 'عقل'

Duzly 'نمکدار (شور)'

Aşgabatly 'عشق آبادی'

این پسوند در صورت‌های قیدی نیز یافت می‌شود.

-lik/-lyk/-lük :

این پسوند مبین یک واحد است و برای ساختن اسم‌های مجرد عام به کار می‌رود. اسمی اگر این پسوند را بگیرد و قبل از موصوف قرار گیرد کارکرد صفتی پیدا می‌کند.

Baş ýyllyk plan 'برنامه پنج ساله'

Agaçlyk ýer 'زمین پوشیده از درخت'

Studentlik ýyl 'سال آموزشی'

-ma/-me :

پسوندی است که به ریشه فعلی می‌چسبد و مبین ویژگی کارکردی و یا رفتاری است.

Asma sagat 'ساعت دیواری'

Gşçme halk 'عشایر (مردم کوچنده)'

-mazak/-mezek :

پسوند ریشه فعلی است.

Okamazak okuçy 'دانش آموز درس نخوان'

Ýazmazak gyz 'دختری که نوشتن را دوست ندارد'

-paraz :

به معنی «دوستدار» است.^{۵۴}

Watanparaz adam 'آدم میهن پرست'

Myhmanparaz 'مهمان دوست'

-syz/-siz/-süz :

به معنی «بدون»، «بی...» است.

Suwsuz 'بدون آب، تشنه'

Watansyz 'بدون وطن، آواره'

Tertipsiz 'بی انضباط، بی نظم'

Gülsüz 'بدون گل'

این پسوند را می‌توان با پسوند اسم ساز -lik/-lyk- ترکیب کرد و اسم ساخت.

⁵⁴ خوانندگان محترم باید در نظر داشته باشند که این پسوند هر چند دارای منشأ فارسی از کلمه پرستیدن است ولی دارای معنی و کارکردی متفاوت از فارسی است: در فارسی فعلی تمام عیار است ولی در زبان ترکمنی صرفاً یک پسوند است که مبین معنی «علاقه» است. (مترجم)

Utançsyzlyk 'پرویی'

: -y/-i

برای بیان وضعیت یا انتساب به کار می رود. غالباً صورت صفتی اسم، از ریشه عربی و منتهی به at-(ý) یا et-(ý) است.

Siýasat 'سیاست' → siýasy gazet 'مجله سیاسی'

Taryhy waka 'واقعه تاریخی'

Merkezi 'مرکزی'

: -ymtyk/-imtik/-umtyk/-ümtik

برای تلطیف صفت به کار می رود.

Ajymtyk 'نسبتاً تلخ'

: -ymtyl/-imtil/-umtyl/-ümtil

به معنی «... گون» یا «مایل به ...» است.

Agymtyl mata 'پارچه سفید گون (رنگ مایل به سفید)'

: -yk/-ik/-uk/-ük

پسوند ریشه فعلی است.

Açyk gapy 'در باز'

۳- صفت های پیشوندی

در زبان ترکمنی صفت همانگونه که پسوندی است می تواند پیشوندی نیز باشد. با اینحال کاربرد پیشوند کمتر از کاربرد پسوند که مشخصه بارز زبانهای ترکی است می باشد. ذیلاً لیست پیشوندهای صفت ساز عمده زبان ترکمنی را ذکر می کنیم:

: bet-

از منشأ فارسی «بد».

Betbagt 'بدبخت'

: bi-

از منشأ فارسی «بی» است. امروزه پسوند ترکی «-siz» ارجح شمرده می شود.

Bidüzgün çaga یا düzgünsiz çaga 'بچه بی انضباط'

Binaza jemagat یا nazasyz jemagat

: nä-

از منشأ فارسی «نا» می باشد. امروزه ادات نفی däl نسبت به آن ارجح شمرده می شود.

Nämälim ýer یا mälüm däl ýer 'مکان نامعلوم'

Nädogry maglumat یا dogry däl maglumat 'اطلاعات نادرست'

۴- صفات مرکب

زبان ترکمنی علاوه بر صفت سازی از طریق پسوند و پیشوند، این کار را از طریق ترکیب صفت های ساده و یا صفت های پسوندی و پیشوندی انجام می دهد. در زبان ترکمنی اتصال صفت ها به یکدیگر آزاد است:

(a) ترکیب صفت پسوندی با یک صفت ساده

Ak ýürekli adam 'آدم بی ریا'

Gara köýnekli oylan 'پسر دارای پیراهن سیاه'

Gök gözli gyz 'دختر چشم آبی'

(b) ترکیب دو صفت ساده. این دو صفت از طریق خط تیره به یکدیگر می پیوندند.

Süýji-süýji ýýmış 'میوه های شیرین'

(c) ترکیب دو صفت پسوندی

Bölek-bölek baglar 'درختان پراکنده'

(d) ترکیب صفت ساده و یک اسم

ak sakgal adam 'آدم ریش سفید'

(e) ترکیب اسم دارای پسوند و یک صفت ساده

Demir gapakly çäýnek 'قوری دارای درپوش آهنی'

(f) ترکیب یک اسم و یک پسوند ملکی

Köýnegi gara oylan 'پسر دارای پیراهن سیاه'

(g) ترکیب یک اسم ملکی شده و یک صفت پسوندی

Eli açyk aýal 'زن گشاده دست'

(h) ترکیب یک عدد و یک صفت پسوندی

Ýüz ýaşly adam 'آدم صد ساله'

(i) ترکیب یک عدد و یک اسم

Iki gat jaý 'ساختمان دو طبقه'

(j) ترکیب دو اسم در معنای صفتی

Desse-desse gül 'دسته دسته گل'

(k) ترکیب دو اسم

Elgarama ýurt 'کشور وابسته'

1) ترکیب یک ضمیر و یک صفت پسوندی

Öz erkli adam 'آدم خودمختار'

ت - قید

در زبان ترکمنی ، قیدها دارای عملکردی مشابه صفت می باشند. در درون جمله ، جایگاه ظهور هیچ نقشی در تعیین اینکه عنصری قید است یا صفت ندارد. صرفاً رابطه با فعل یا اسم تمایز دهنده قید از صفت است.

Ol ýagşy adam ‘او آدم خوبی است. (صفت)‘

Ol ýagşy ýazýar ‘او خوب می نویسد. (قید)‘

قیدها جواب ضمائر پرسشی زیر هستند :

زمان : nāwagt? , haçan? ‘کی؟‘

روش : nāhili? , neneňsi? ‘چطور؟‘

چرا؟ : näme üçin? , näme sebäpden? ‘منظور یا دلیل‘

مقدار : näçe? , näçeden? , neneňsi? ‘چند‘

مکان : nirede? , niräk? ‘در کجا؟ ، به کجا؟‘

مثل کی؟ ، مثل چی؟ : kimçe? , nämeçe? , neneňsi? ‘مثل کی؟ ، مثل چی؟‘

۱- قیدهای واژگانی

این قیدها کلماتی منفرد ، بعضاً اسم یا صفت هستند که غالباً با بندهای زمان و یا روش همنشینی دارند. ذیلاً لیست پرکاربردترین قیدهای ساده در زبان ترکمنی آورده شده است.

Agşam	شب	gowy	خوب
Ertir	فردا	dogry	درست
Irden	صبح	az	کم
Gündiz	روز	oňat	خوب
Basym	زود	ýaman	بد
Düýn	دیروز	eýýam	زود
Giç	دیر	tiz	سریع
Ir	زود	hemişe	همیشه
Häzir	هنوز	mydama	همیشه
Indi	حالا	ýaňy	الان
Çala	شل	ýörite	مخصوصاً
Çalt	سریع	arzan	ارزان
Köp	زیاد	gymmat	گران

Derrew	بلافاصله	göni	مستقیم
Ilki	نخست	entek	هنوز

مثال :

Myrat ertesi *ir oýandy* 'مراد صبح فرداش زود بیدار شد.'

Ol oňat okaýar 'او خوب می خواند.'

۲- قیده‌های مشتق

قیده‌ها ممکن است مشتق باشند یعنی ممکن است اسم یا صفتی باشند که اداتی را گرفته و به قید تبدیل شده باشند. این ادات قیدساز عبارتند از :

-a/-e :

در زبان معاصر بسیار فعال است و اساساً برای ساخت قیده‌های زمان به کار می رود ولی صرفاً به این طبقه محدود نمی شود.

Bada-bat 'ابتدائاً، در اول کار'

Başa-baş 'دوش به دوش'

Ilkbada 'در آغاز'

Sen öte geplediň 'تو بیش از اندازه صحبت کردی.'

-ary/-eri/-ry/-ri :

مبین نقطه مکانی است همراه با حرکت :

Daşary 'بیرون'

Içeri 'داخل'

Ileri 'جلو'

-ba/-be :

عنصری است دخیل از زبان فارسی.

Günbe-gün 'روز به روز'

Ýylba-ýyl 'سال به سال'

-ça/ be :

«مثل، همانند، ... وار»

Mençe 'مثل من'

Meniňçe 'به نظر من'

Edermenlerçe 'قهرمانانه'

Şonça 'به آن اندازه'

-da/-de :

در عبارتهای قیدی مترادف حالت جایگاهی است.

Ýakynda ‘به زودی’

Ahyrda ‘نهایتاً’

Azda-kända ‘ویش’

Agyrýök maşynlary bilan ýök çekmek işi azda kända kynçylyk döröd
ýardy⁵⁵ ‘انتقال بار با کامیونهای باری سنگین کم و بیش مشکل ایجاد می کرد.’

: -dan/-den

در عبارتهای قیدی مترادف حالت ازی است.

Irden ‘از صبح زود’

Zordan ‘به زحمت’

Birden ‘یهو، یک دفعه’

Düýbünden ‘کاملاً’

Ol türmäniň howlusyna baranda , tötänden Sara düşdy.

‘او وقتی به در زندان رسید یک دفعه ساری را دید.’

: -gaý/-geý/-käý

کاربرد آن به چند کلمه محدود است.

Çynlakaý ‘واقعاً، حقیقتاً’

Kakam maňa şol günden başlap çynlakaý kaka boldy.

‘پدرم از آن روز به بعد، برای من واقعاً یک پدر بود.’

: -k

گونه ای آوایی از پسوند قیدی -ary/-eri- است. این مورد به خصوص در لهجه یموت استفاده می شود.

Daşaryk ‘به بیرون’

Bärik ‘به اینور’

Gündogaryk ‘به شرق’

Myrat içerik girdi. ‘مراد داخل رفت.’

: -lap/-läp

مبین تقریب در تعداد است و عمدتاً در مورد اندازه و زمان به کار می رود.

Müňläp ‘به تعداد حدود هزار’

Sagatlap ‘چندین ساعت’

⁵⁵ بر گرفته از روزنامه Türkmenistan Zaman نوامبر ۱۹۹۵

Günläp 'چندین روز'

Hepdeläp 'چندین هفته'

: -laý/-leý

bütinleý 'کاملاً'

Onuň berýän jogabyndan kitaby ýüzleý okanlygy belli bolýar.

'از جواب او معلوم است که کتاب را سطحی خوانده است.'

: -laýyn/-leýin

به معنی «به صورت ...» امروزه پایانه *ça/çe* نسبت به آن ترجیح داده می شود.

Köpçülikleýin 'به صورت جمعی'

Wagtlaýyn 'موقتی'

: -ly/-li

یک پسوند صفت ساز است که همچنین در صورتهای قیدی نیز یافت می شود.

Onçakly 'آنچنان'

Gyssagly 'عجولانه'

: -ma/-me

گونه ای آوایی از پسوند *ba/-be* است.

Günme-gün 'روز به روز'

Jikme-jik 'جزئیات'

: -saýyn/-saýy

یکی از پسوندهای پر کاربرد است. به معنی «هر» می باشد.

Günsaýyn 'هرروز'

Ýazyň ilki aýynda howa sagatsaýyn üýtgeýär.

'در اولین ماه بهار، هوا هر ساعت تغییر پیدا می کند.'

: -syz/-siz

این جزء صفت ساز همچنین می تواند ساز باشد.

Göwünsiz 'بابی میلی'

Bularyň derdinden öýünde-de arkaýyn oturup boljak däl.

'از دست اینها، آدم حتی در خانه خودش آسوده نیست.'

۳- قیدهای تشدید

این قیدها می توانند موارد زیر باشند:

(a) ساده:

Gaty 'خیلی'

Hatda 'حتی'
Goý 'بگذار'
Hernä 'هر جور'

(b) اشاره ای

Ine 'اینها'
Ynha 'اینها'
Holha 'اونها'

(c) تأکیدی

Diňe 'فقط'
Tükel 'فقط'
Ylayta-da 'به خصوص'
Hut 'دقیقاً'

همچنین از طریق تکرار، قید مورد تأکید قرار می گیرد.

Assa-assa 'خیلی آهسته'
Uzyn-uzyn 'خیلی دراز'
Ýuwaş-ýuwaş 'یواش یواش'

همانند صفت مشدد، قید را می توان از طریق تکرار هجای اول مورد تشدید قرار داد.

Büs-bütün 'کاملِ کامل'
Aç-açan 'صادقانه'
Mese-mälim 'کاملاً واضح'
Göz-görtele 'آشکارا'

(d) امری

Hany! 'حالا'
Gerek! 'باید'
Bakalyň! 'ببینیم'

(e) تأییدی

Hawa 'بله'
Hä 'بله'
Dogry 'صحیح'
Edil 'دقیقاً'

(f) نفی

Ýok 'نه'

Däl 'نیست'

Tas 'درشرف'

Ahyr (ahyryn) 'بالاخره'

(g) اطمینان یا عدم اطمینان

Elbetde 'البته'

Meger 'شاید'

Gerek 'باید'

Çemeli 'گویا'

Belki 'شاید'

Öýtmek 'به گمان'

Mümkin 'ممکن'

Diňe , ýalňyz 'فقط'

Dagy , hatda 'هم ، حتی'

(h) تعمیم

Umuman 'عموماً ، کلاً'

Diýmek 'یعنی'

Şeýlelikde 'و اینگونه'

Garaz 'خلاصه ، بالاخره'

Tüýs 'عیناً'

Iňňän , juda , has , örän 'جداً ، واقعاً ، خیلی'

شمارش

در زبان ترکمنی ، اعداد اصلی دارای عملکردی مشابه صفات و اسم ها هستند. به همین خاطر می‌توانند پسوندهای مختلف تعداد ، ملکی و حالت را بپذیرند. در تصریف ، آخرین عنصر صرف میشود (پایانه می‌گیرد). عدد دارای سه صورت است : اصلی ، ترتیبی ، توزیعی

۱- اعداد اصلی

bir	یک
iki	دو
üç	سه
dört	چهار
bäş	پنج
alty	شش
ýedi	هفت
sekiz	هشت
dokuz	نه
on	ده

on bir	یازده
on iki	دوازده
on üç	سیزده
on dört	چهارده
on bäş	پانزده
on alty	شانزده
on ýedi	هفده
on sekiz	هجده
on dokuz	نوزده
ýigirmi	بیست

برای واحدهای بعدی نیز به همین ترتیب است :

otuz	سی
kyrk	چهل
elli	پنجاه
altmyş	شصت
ýetmiş	هفتاد
segsen	هشتاد

togsan	نود
bir ýüz	صد
iki ýüz	دویست
bir müň	هزار
million	میلیون
milliard	میلیارد

مثال :

Bir müň dokuz ýüz togsan alty

هزار و نهصد و نود و شش

نکات :

- لفظ عدد صفر از روسی اخذ شده است : nol.

این عدد فقط در ریاضیات و دماسنجی به کار می‌رود.

On gradus noldan aşak 'ده درجه زیر صفر'

- اعداد اصلی می توانند شناسه های شخص و پسوندهای حالت مضاف الیهی بگیرند.

Dokuzym 'ده تایم'

Kyrk dörde garşy 'برخلاف چهل و چهار' (حالت مفعول با واسطه)

Ýüz ikiden 'از صد و دو' (حالت ازی)

Elli sekizi 'پنجاه و هشت را' (حالت مفعول بیواسطه)

- همانند زبان ترکی ترکیه که می توان بین عدد و معدود کلمه tane را قرار داد در زبان ترکمنی نیز بین عدد اصلی و اسم معدود می توان کلمه sany را قرار داد که به معنی «تا»، «دانه» و «عدد» است.

Baş sany depder 'پنج تا دفتر'

- Göklenň ها سیستم شمارشی متفاوتی برای شمارش اعداد بین چهل و دو یست دارند که در آن عدد چهل مبنا است.

$100 = iki kyrk ýigirmi (2 \times 40 + 20)$

$158 = üç kyrk otuz sekiz (3 \times 40 + 38)$

۲- اعداد ترتیبی

اعداد ترتیبی از افزودن پایانه های زیر، بر حسب قانون هماهنگی واکه ای و نوع ریشه، به ریشه اعداد اصلی به دست می آیند.

-nji یا -njy , -ünji , -ynjy , -unjy , -inji

alty → altynjy 'ششم، ششمین'

otuz üçünji 'سی و سوم، سی و سومین'

dokuzynjy 'نهم، نهمین'

اعداد ترتیبی، همانند اعداد اصلی می توانند پسوندهای شخصی و حالت بپذیرند:

Onuň sekizinjisi 'هشتمین او'

Sekizinjisinden 'از هشتمین اش' (حالت ازی)

«نخستین» به صورت ilki یا ilkinji گفته می شود.

نکته: ýomutها برای اعداد ترتیبی شکل متفاوتی به صورت lenji-به کار می برند.

Altylanjy 'ششمین'

Sekizilenji 'هشتمین'

Üçlenji 'سومین'

۳- اعداد توزیعی و اعشاری

اعداد توزیعی با افزودن پسوند حالت ازی -dan/-den به انتهای اعداد اصلی ساخته می شوند.

‘هفت تا هفت تا’ Yediden-ýediden

اعشاری ها با حالت جایگاهی -da/-de بیان می شوند.

Onda bir = ‘یک دهم’

Ýüzde ýigirmi ‘بیست صدم’

Birde üç یا üçbir ‘یک سوم’

Ýedi butin dörtten üç

در مورد در صد ، بیشتر کلمه روسی prosent استفاده می شود.

‘هیجده صد’ on sekiz prosent یا Yüzde on sekiz

«نیم» ýarym ، «یک چهارم» çerek ، «مربع» kwadrat و «مکعب» kub گفته می شوند و قبل از واحد شمارش قرار می گیرند.

‘دوازده کیلو متر مربع’ on iki kwadrat kilometr = ۱۲ km^۲

‘سه متر مکعب’ üç kub metr = ۳ m^۳

در گویش های gökleň و ärsary بعضی واحدهای شمارشی قدیمی به کار برده می شود.

‘صد گرم’ Çetber

Çärek

‘۱۶ کیلو گرم’ Put

‘۴۰۰ گرم’ Gadak

چهار عمل اصلی ریاضی

برای هر عمل ساده ریاضی (جمع ، تفریق ، ضرب و تقسیم) دو روش محاسبه وجود دارد. ذیلاً جزئیات این روش ها را ذکر می کنیم. علامت Σ را به عنوان متغیر جایگزین اعداد قرار داده ایم.

(a) جمع

روش یک : Σ bolar , goşsaň (ح.رایبی) Σ (ح.مفعول با واسطه) Σ

روش دو : Σ bölmek Σ deňdir Σ (ح.مفعول با واسطه) Σ

مثال :

5+3=8 başe üçi goşsaňsekiz bolar

5+3=8 baş goşmak üç deňdir sekizde

(b) تفریق

روش یک : Σ bolar , aýyrsaň (ح.رایبی) Σ (ح.ازی) Σ

روش دو : Σ aýyrmak Σ deňdir Σ (ح.مفعول با واسطه) Σ

مثال :

5-3=2 başden üçi aýyrsaň iki galar
 5-3=2 baş aýyrmak üç deňdir ikä

(c) ضرب

Σ köpeltseň, Σ bolar (ح.مفعول با واسطه)
 Σ köpeltmek Σ deňdir Σ (ح.جایگاهی)

روش یک :

روش دو :

مثال :

5×3=15 başi üçe köpeltseň , on baş bolar
 5×3=15 baş köpeltmek üç deňdir on başde

(c) تقسیم

Σ bölseň , Σ bolar (ح.مفعول با واسطه)
 Σ bölmek Σ deňdir Σ (ح.مفعول با واسطه)

روش یک :

روش دو :

مثال :

6÷3=2 altyny üçe bölseň , iki bolar
 6÷3=2 altyny bölmek üç deňdir ikä

ماهها و روزها :

در ترکمنستان جدید، تقویم غربی مبنای تقسیم بندی زمان است. از زبان روسی اسامی دوازده ماه سال اخذ شده، در حالیکه اسامی روزهای هفته همچنان منشأ فارسی خود را حفظ کرده است.

روزها

duşenbe	دوشنبه
sişenbe	سه شنبه
çarşenbe	چهارشنبه
peşenbe	پنجشنبه
anna	جمعه
şenbe	شنبه
ýekşenbe	یکشنبه
hepde	هفته
aý	ماه
ýyl	سال

نکات :

- در افغانستان ترکمن ها برای جمعه juma می گویند.
- در زبان عامیانه ، به صورت اختیاری اعداد اصلی جایگزین اسامی ایام هفته می شوند. مثال :

Birinji gün ‘روز اول (دوشنبه)’

Ikinji gün ‘روز دوم (سه شنبه)’

Men altynjy gün işlämok ‘من روز ششم (شنبه) کار نمی کنم’

ماهها

ýanwar	ژانویه
fewral	فوریه
mart	مارس
aprel	آوریل
maý	مه
iýun	ژوئن
iýul	ژوئیه
awgust	اوت
sentýabr	سپتامبر
oktýabr	اکتبر
noýabr	نوامبر
dekabr	دسامبر

مثال :

Dekabrda (ح. جایگاهی) ‘در دسامبر’

Ol aprelda doguldy. ‘او در ماه آوریل متولد شد.’

ث - طبقه فعل

در زبان ترکمنی، تصریف دارای شش صیغه است: سه مفرد و سه جمع و به ندرت استثنا می‌پذیرد.

۱- مصدر

نشان مصدر مثبت، پسوند -mak یا -mek است که به دنبال ریشه فعلی می‌چسبد. مثال:

Öwrenmek 'یاد گرفتن'

Naharlanmak 'غذا خوردن'

شکل منفی مصدر به صورت -mazlyk یا -mezlik است. مثال:

Öz gözüne ynam etmezlik 'به چشم خود اعتماد نکردن'

Naharlanmazlyk 'غذا نخوردن'

وجه تمایز مصدر ترکمنی با مصدر فارسی در این است که مصدر در زبان ترکمنی می‌تواند پسوندهای حالت بپذیرد. مثال:

Ölmek 'ترس از مردن' (از مردن ترسیدن) → ölmekden gorkmak (ح.ازی) + 'مردن'

پسوندهای حالتی مصدر عبارتند از:

	واکه پیشین	واکه پسین
ح. نامی	-mek	-mak
ح. رایی	-megi	-magy
ح. مفعول با واسطه	-mäge	-maga
ح. مضاف الیهی	-megiň	-magyň
ح. جایگاهی	-mekde	-makda
ح. ازی	-mekden	-makdan

okamagyň wagty 'زمان درس خواندن'

men işlemeği gowy görýärim. 'من کار کردن را دوست دارم.'

نکات:

- در حالت مفعول با واسطه، e- پسوند مصدری -mek به ä- تغییر پیدا می‌کند.

Gitmäge 'برای رفتن'

Gelmäge 'برای آمدن'

Öwrenmäge 'برای یاد گرفتن'

- به هنگام ملکی شدن مصدر، k- پسوند مصدری در مقابل پسوند ملکی که با واکه شروع میشود به صورت g- کامی می‌شود.

Gitmegim 'رفتم' gitmegimiz 'رفتمان'
 Gitmegiñ 'رفتمات' gitmegiñiz 'رفتمتان'
 Gitmegi 'رفتماش' gitmekleri 'رفتمشان'

صورت‌های منفی عبارتند از :

Gitmezligim , gitmezligiñ , gitmezligi , ...

بعد از فعل مبین قصد و اراده و یا آرزو همانند islemek «خواستن» همچنین بعد از قیدها یا عبارتهای غیر شخصی از نوع gerek «باید» ، mümkün «ممکن است» و çemeli «به نظر می رسد» می توان مصدر به کار برد. مثال :

Olar könenen tanyş bolmaga çemelidi.

'به نظر می رسید که آنها از قدیم با یکدیگر آشنا بودند.'

- هدف از طریق مصدر به علاوه پسوند حالت مفعول با واسطه بیان می شود ولی همچنین از طریق مصدر به علاوه یک پس- اضافه نیز می توان بیان کرد. مثال :

Almaga 'برای گرفتن' یا Almak üçin 'برای گرفتن'

۲- صورت امری

پسوندهای مربوطه عبارتند از :

	واکه های پیشین	واکه های پسین
men من	-eýin	-aýyn
sen تو	ø	ø
ol او	-sin/-sün	-syn/-sun
biz ما	-eli/-eýim	-aly/-aýym
siz شما	-iñ/-üñ	-yñ/-uñ
olar ایشان	-sinler/-sünler	-synlar/-sunlar

نفی : ادات -ma/-me به علاوه پایانه

Ýazma! 'نویس'

نکات :

- امری از لحاظ تصریف از تمام زمانهای دیگر ترکمنی متمایز است. برای دوم شخص مفرد پایانه وجود ندارد و صورت امری مخاطب مفرد ، ریشه لخت فعلی است. مثال :

Oýnama! 'بازی نکن!'

- در زبان شفاهی ، برای سوم شخص مفرد یک صورتی با aý- شنیده می شود.

Sen alay! 'تو بگیر!'

- ریشه های فعلی منتهی به -e در شکل مثبت و منفی ، این واکه را به -ä- تبدیل می کنند.

Işläň! 'کار کنید!'

Gelmäň! 'نیایید!'

مثال هایی دیگر در مورد امر :

Ýoluň ak bolsun! (تحت اللفظی: راحت سفید باد.) 'موفق باشی'

Ýazaýym! 'بنویسیم!'

Kitaby alaly! 'کتاب را بگیریم!'

Gapyny aç! 'در را باز کن!'

با اینحال دو شکل موازی برای امری وجود دارد :

(a) در دوم شخص مفرد ، صورت -sana/-sene- مستقیماً با افزوده شدن به ریشه فعلی ، امر یا درخواست را تشدید می کند. مثال :

Alsana! 'بگیر'

دوم شخص جمع این صورت -saňyzla/-seňizle یا -saňyzlaň/-seňizläň- است. مثال :

Bu kitaby berseňizläň! 'خواهش میکنم این کتاب را بدهید!'

این صورت امری ، صورتی شفاهی است و در زبان رسمی کاربرد ندارد.

(b) در دوم شخص مفرد صورتهای -gin ، -gun ، -gün ، یا -gyn- که از منشأ گویش gökleň میباشند میتوان مشاهده کرد.^{۵۶}

Gitgin! 'حتماً برو'

۳- زمان حال

الف - حال ساده

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-ýärin	-ýaryn
sen	-ýärsiň	-ýarsyň
ol	-ýär	-ýar
biz	-ýäris	-ýarys
siz	-ýärsiňiz	-ýarsyňyz
olar	-ýärler	-ýarlar ⁵⁷

⁵⁶ صورتهای -gyl/-gul/-gül/-gil- که حتی محدودتر به گویشی خاص هستند را نیز میتوان مشاهده کرد.

Kulmanow G: Geoklenskij dialekt turkmenskogo yazika, Ylym, Aşgabat, 1991

⁵⁷ صورتهای دارای -ýär ، -ýar- در گویش ärsary به صورت -ýor- و در گویش saryk به صورت -or- در می آید.

Ýussupow, *Türkmen dili we edebiýaty* , Dessur, Aşgabat, 1992, p.17

منفی :

پایانه ها + ادات -ma/-me

Işlemeýärim 'کار نمیکنم'

Işlemeýärsiň 'کار نمیکنی'

و غیره.

	<u>Işlemek 'کار کردن'</u>	<u>almak 'گرفتن'</u>
men	işleýärim	alýaryn
Sen	işleýärsiň	alýarsyň
Ol	işleýär	alýar
Biz	işleýäris	alýarys
Siz	işleýärsiňiz	alýarsyňyz
Olar	işleýärler	alýarlar

سؤال : ادات -mi/-my

Işlemeýärismi? 'کار نمی کنیم؟'

دوم شخص مفرد و جمع ادات سؤالی را قبل از شناسه ها قرار می دهند.

Işleýärmisiň? 'آیا کار می کنی؟'

زمان حال ساده در موارد زیر به کار می رود :

(a) برای بیان یک عمل جاری در زمان حال. عمل ممکن است در لحظه صحبت کردن گوینده در حال وقوع باشد و یا ممکن است در بافتی کلی جاری باشد. مثال :

Her gün mekdebe gidýärim. 'هر روز به مدرسه میروم.'

Näme okaýarsyň? 'چی میخوانی؟'

(b) در ضرب المثل ها . مثال :

Pul ähli zady ýuwar.⁵⁸ 'پول هر چیزی را می شوید.'

(c) بعد از قیدهایی مثل *soňra* , *ertir* , میان آینده نزدیک و یا عمل در شرف وقوع است .

Biz soňra gitýäris. 'ما بعداً می رویم.'

(d) برای بیان یک توانایی و قابلیت.

Guş uçýar. 'پرنده پرواز می کند.'

ب - حال ساده (صورت کوتاه)

پایانه ها عبارتند از :

واکه پیشین

واکه پسین

⁵⁸ Azymow P. *Türkmen sowýet ensiklopedýasy* (دایره المعارف ترکمنستان شوروی) , Ylymlar

men	-ýän	-ýan
sen	-ýäň	-ýañ
ol	-ýä	-ýa
biz	-ýäs	-ýas
siz	-ýäňiz	-ýañyz
olar	-ýäler	-ýalar

منفی : پایانه ها + -ma/-me

’نمی آید.‘ Gelmeýä

سؤالی : ادات ^{۵۹} -mi/-my

صورت کوتاه حال ساده در اصل از منشأ گویش teke است. از آنجایی که این گویش مبنای زبان ادبی می باشد، دستور نویسان ترکمن صورت کوتاه حال ساده را نیز جایز شمرده اند. به همین خاطر این صورت را می توان در رادیو، بر روی صحنه تئاتر و در صحبت های رسمی نیز شنید. این صورت کوتاه دارای کاربردی برابر با صورت کامل است.

پ - حال ملموس

این مورد تنها برای چهار فعل زیر صرف می شود.

	’ایستادن‘ durmak	’نشستن‘ oturmak	’خوابیدن‘ ýatmak	’راه ⁶⁰ ýörmek رفتن‘
men	durun	otyrın	ýatyrın	ýörün
sen	dursuň	otyrsyň	ýatyrsyň	ýörsüň
ol	dur	otyr	ýatyr	ýör
biz	durus	otyrıs	ýatyrıs	yours
siz	dursuňuz	otyrısyňyz	ýatyrısyňyz	ýörsüňüz
olar	durlar	otyrlar	ýatyrlar	ýörler

منفی : ندارد.

سؤالی : -mi/-my + فعل

’آیا ایستاده است.‘ durmy?

نکات :

- فعل oturmak در تصریف، ریشه اش را به otyr تبدیل می کند.
- ریشه فعلی ýatmak، آنطور که بر اساس قاعده مورد انتظار است به صورت -ýad کامی نمیشود.

⁵⁹ با همان ویژگی هایی که در مورد حال ساده صادق است.

⁶⁰ این فعل دارای کاربردی بسیار محدود است. فعل gitmek نسبت به آن ترجیح داده میشود.

- این افعال هنگامی که در زمان های دیگر صرف شوند به صورت متعارف و قاعده مند صرف میشوند.

- حال ملموس همیشه دارای واکه کشیده است.

این زمان هنگامی به کار میرود که :

(a) عمل در زمان بیان واقع باشد. مثال :

Sen nāme dursyň? 'تو چرا ایستاده ای؟'

(b) عمل در یک دوره زمانی جاری است . ممکن است در گذشته شروع شده باشد و یا شروع آن در زمان حال باشد و همزمان با آن فعلی دیگر در جمله مطرح باشد.

Günler hatar-hatar geçip dur. 'روزها پشت سر هم میگذرند.'

ت - حال محتمل

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-ýändirin	-ýandyryn
sen	-ýändiriň	-ýandyryň
ol	ýändir	-ýandyr
biz	-ýändiris	-ýandyrys
siz	-ýändirsiňiz	-ýandyrsyňyz
olar	-ýändirler	ýandyrlar

Men ýazýandyryn 'من احتمالاً می نویسم.'

منفی : شناسه + ýan/-ýän + dāldir + ریشه فعلی

men ýazýan dāldirin 'من احتمالاً نمی نویسم.'

sen işleýän dāldiriň 'تو احتمالاً کار نمی کنی.'

و غیره.

سؤالی : ادات -my/-mi + صورت مثبت

Ol gelýandirmi? 'آیا او می آید؟ (آیا او در حال آمدن است؟)'

حال محتمل را برای بیان تردید در مورد نتیجه عمل به کار می برند. مثال :

ث - حال منفی

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-emok	-amok
sen	-eňok	-aňok

ol	-enok	-anok
biz	-emizok	-amyzok
siz	-eñizok	-añyzok
olar	-nokler	-noklar

مثال :

Göremok 'نمی بینم'

Gelemizok 'نمی آییم'

سؤالی : ادات -my/-mi + پایانه

مثال :

Bileñokmy? 'نمی دانی؟'

نکات :

- این صورت دستوری حاصل ترکیب پایانه های وجه وصفی گذشته یعنی -an و ادات نفی ýok است.

Ýazanyň ýok → ýazamok 'نمی نویسم'

- ریشه فعلی هرچه باشد، حال منفی دارای هماهنگی واکه ای محدودی است و تنها صورت -ok- ادا می گردد.

- در گویش gökleň اول شخص جمع به صورت -amzok/-emzok- و دوم شخص جمع به صورت -ñzok- ادا می گردد.

- این حال منفی همچنین می تواند با صورتهای -miş- ، -di- یا ادات eken ترکیب شود. در این صورت به گذشته منفی تبدیل می شود.

Hiç berenokdy. 'هیچ چیز نمیداد.'

- حال منفی صورتی است که در زبان شفاهی به فراوانی به کار برده میشود ولی در نوشتار کمتر مورد استفاده قرار میگیرد. آن را برای بیان عملی به کار میگیرند که فعل آن همیشه به صورت منفی است. در زبان فارسی مترادف فعلی منفی که اغلب دارای قید زمان یا مقدار است می باشد. مثال :

Ol meniň bilen düşüňsenok. 'او هرگز با من تفاهم ندارد.'

Suwa düşüňmek bolanok. 'نمی توان آبتنی کرد.'

۴- زمان گذشته

الف- گذشته ساده

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-dim , -düm	-dym , -dum

sen	-diň , -dün	-dyň, -duň
ol	-di	-dy
biz	-dik , -dük	-dyk, -duk
siz	-diňiz,-düňiz	-dyňyz, -duňyz
olar	-diler, -düler	-dylar, -dular

مثال :

	<u>‘کار کردن’</u> İşlemek	<u>‘گرفتن’</u> almak	<u>‘دیدن’</u> görmek
Men	işledim	aldym	gördüm
Sen	işlediň	aldyň	gördüň
Ol	işledi	aldy	gördi
Biz	işledik	aldyk	gördük
Siz	işlediňiz	aldyňyz	gördüňüz
Olar	işlediler	aldylar	gördüler

منفی : پایانه زمان گذشته + ادات منفی ساز

Men işlemedim. ‘من کار نکردم.’

سؤالی : ادات سؤالی ساز + پایانه + ریشه فعلی

Siz işlediňizmi? ‘آیا شما کار کردید؟’

نکات :

- در سوم شخص مفرد ، گذشته با -di فقط دو صورت می پذیرد: -di , -dy. در این حالت تلفظ بستگی به هماهنگی واکه ای دارد.

Gördi ‘دید’ [gördü] تلفظ⁶¹

Boldy ‘شد’ [boldu] تلفظ

Oturdy ‘نشست’ [oturdu] تلفظ

گذشته ساده را در موارد زیر به کار می برند :

(a) برای بیان یک عمل انجام یافته در گذشته و بدون امتداد در زمان حال. مثال :

Sen haýsy awtobus bilen geldiň? ‘تو با کدام اتوبوس آمدی؟’

(b) همراه با فعل bilmek می تواند معنی حال بدهد. مثال :

Aşgabat nähili şäher? Bilmedim. ‘عشق آباد چه جور شهری است؟ نمی دانم.’

(c) برای بیان عمل واقع در زمان حال که از طرف گوینده انجام یافته تلقی می شود. مثال :

Bolýa, men gitdim. ‘باشد من رفتم.’

(d) در عبارت های اصطلاحی و ضرب المثل ها

⁶¹ در مورد این تلفظ ها جای بحث وجود دارد.(مترجم)

Boldy, boldy.. کافی است. کافی است.

(e) در افعال حرکتی مثل *ýatmak, oturmak, durmak, ýörmek* همراه با فعلی دیگر ، تأکید روی تداوم عمل است.

Ol Maryda işledi durdy. 'او به کار کردن در ماری (مرو) ادامه داد.'

(f) در اسامی خاص متشکل از عبارتها. مثال :

Allaberdi 'الله بردی (خداداد)'

Hoşgeldi 'خوش گلدی'

ب - گذشته استمراری

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-ýärdim	-ýardym
sen	-ýärdiň	-ýardyň
ol	-ýärdi	-ýardy
biz	-ýärdik	-ýardyk
siz	-ýärdiňiz	-ýardyňyz
olar	-ýärdiler	-ýardylar

مثال :

Biz ýazýardyk 'ما می نوشتیم.'

پایانه ها + ادات -ma/-me :

منفی :

Ýazmaýardym 'نمی نوشتم.'

Ýazmaýardyň 'نمی نوشتی.'

پایانه زمان گذشته + ادات -mi/-my :

سؤالی :

Ýazýarmydyk? 'آیا می نوشتیم؟'

گذشته استمراری برای بیان یک عمل منفرد یا مکرر در گذشته به خصوص بعد از قیده‌های زمان مثل *Käwagt* «بعضی وقتها» ، *öň* «قبلاً» ، *ozal* «قبلاً» ، *köneden* «از قبل» ، *gündegün* «هر روز» ، *çalt-çaltdan* «زود به زود» که مبین تکرار عمل هستند.

Her gün mekdebe gidýärdim. 'هر روز به مدرسه می رفتم.'

Näme soradyň? 'چی می خواستی؟'

در ادبیات ، گذشته استمراری برای روایت به کار می رود :

'در سال ۱۹۹۵ در عشق آباد زندگی میکردم.' 1995-inji ýylda Aşgabatda ýaşayardym.

پ - گذشته استمراری بعید

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-erdim	-ardym
sen	-erdiň	-ardyň
ol	-erdi	-ardy
biz	-erdik	-ardyk
siz	-erdiňiz	-ardyňyz
olar	-erdiler	-ardylar

‘می نوشتم.’ Ýazardym

منفی : (به جز سوم شخص ها) پایانه ها + ادات -ma/-me

‘نمی نوشتم.’ Ýazmardym.

‘نمی نوشتی.’ Ýazmaýardyň

صورت منفی سوم شخص (مفرد و جمع) بیقاعده است به صورت -mezdi/-mazdy:

‘کار نمی کرد.’ İşlemezdi

‘سؤال نمی کرد.’ Soramazdy

سؤالی : ادات سؤالی -mi/-my

‘آیا می نوشتیم؟’ Ýazardykmy?

این گذشته را در موارد زیر به کار می برند :

(a) در معنی گذشته استمراری عادتی. مثال :

‘هر روز می آمدیم.’ Her gün gelerdik.

(b) برای بیان احتمال در گذشته. در این حالت معنی شرطی دارد.

‘اگر می آمدی ، می رفتم.’ Eger gelsediň giderdim.

(c) با افعال موقعیتی ýörmek, ýatmak, oturmak, durmak به معنی استمرار عادتی است.

‘کتاب می خواند.’ Kitap okar oturardy.

ت - گذشته محتمل

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-endirin	-andyryn
sen	-endirsiniň	-andyryň
ol	-endir	-andyr
biz	-endiris	-andyrys
siz	-endirsiniňiz	-andyrsyňyz
olar	-endirler	-andyrlar

‘او حتماً کار کرده است.’ (او باید کار کرده باشد) Ol işländigdir.

منفی : شناسه ها + däl + وجه وصفی گذشته

‘احتمالاً نیامده است.’ (نباید آمده باشد) Gelen dälidir.

سؤالی : ادات سؤالی -mi/-my + فعل صرف شده

‘(به نظرت) آیا آمده است؟’ Gelendirmi?

این زمان در موارد عدم قطعیت و اطمینان درباره صحت گزاره به کار برده می شود و مبین احتمال است.

ث - گذشته کامل

پایانه ها عبارتند از:

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-ip(üp)dirin	-yp(up)dyryn
sen	-ip(üp)dirsiň	-yp(up)dyrsyň
ol	-ip(üp)dir	-yp(up)dyr
biz	-ip(üp)diris	-yp(up)dyrys
siz	-ip(üp)dirsiňiz	-yp(up)dyrsyňyz
olar	-ip(üp)dirler	-yp(up)dyrler

منفی : شناسه + mändig + -mandyr

‘من نگرفته ام.’ Men almandyryn

‘تو نگرفته ای.’ Sen almandyrsyň

سؤالی : yp(up)my/-ip(üp)mi

‘آیا گرفته است.’ alypmy?

نکات :

- هنگامی که ریشه فعلی منتهی به واکه باشد ، واکه انتهایی را از دست می دهد مگر هنگامی که آن واکه انتهایی e- باشد که در این صورت این واکه به ä- تبدیل می شود.

‘مانده ام’ Galypdyryn

‘کار کرده است.’ İşläpdir.

موارد استعمال این زمان :

(a) برای عملی که در گذشته انجام یافته ولی اثرش در زمان حال باقی است. مثال :

‘چی شده؟’ Náme bolupdur?

(b) برای بیان یک واقعت تاریخی و یا یک واقعت مورد قبول عام. مثال :

Prezident duşenbe günü Aşgabada gelipdir.

‘رئیس جمهور روز دوشنبه به عشق آباد آمده است.’

ج - گذشته بعید

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-ip(üp)dim	-yp(up)dym
sen	-ip(üp)diň	-yp(up)dyň
ol	-ip(üp)di	-yp(up)dy
biz	-ip(üp)dik	-yp(up)dyk
siz	-ip(üp)diňiz	-yp(up)dyňyz
olar	-ip(üp)diler	-yp(up)dylar

‘نوشته بودم’ Ýazypdym

منفی : شناسه ها + -mandy/-mändi + ریشه فعلی

‘من نگرفته بودم’ Men almandym

‘تو نگرفته بودی’ Sen almandyň

و غیره.

سؤالی : شناسه ها + di + ip(üp)mi/-yp(up)my + ریشه فعلی

‘آیا گرفته بود؟’ Alypmydy?

نکات :

- (a) این زمان ، مبین یک عمل انجام یافته در گذشته دور ، یا یک عمل انجام یافته قبل از عملی دیگر در گذشته است. این زمان در زبان ازبکی نیز وجود دارد ولی در زبان ترکی (ترکیه) وجود ندارد.
- (b) قاعده ای که برای ریشه فعلی منتهی به واکه در مورد زمان گذشته کامل ذکر کردیم برای گذشته بعید نیز معتبر است.

(c) در گویش ترکمنهای ایران ، صورتی متفاوت به شکل -mäp/-map وجود دارد.

‘نیامده بودم’ Gelmäpdim

این صورت در ترکمنی معیار پذیرفته نیست.

آینده در گذشته

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-jekdim	-jakdym
sen	-jekdiň	-jakdyň
ol	-jekdi	-jakdy
biz	-jekdik	-jakdyk
siz	-jekdiňiz	-jakdyňyz
olar	-jekdiler	-jakdylar

Ýazjakdym 'می خواستم بنویسم'

منفی : شناسه ها + di + däl + -jak/-jek + ریشه فعلی

Men aljak däldim 'من نمی خواستم بگیرم'

Sen aljak däldiň 'تو نمی خواستی بگیری'

سؤالی : -mi/-my + شناسه ها + di + -jek/-jak + ریشه فعلی

aljakdymy? 'آیا می خواست بگیری؟'

نکات :

این زمان مبین عدم تحقیق یک تصمیم در گذشته است.

Biz Aşgabada baş gün mundan öň geljekdik.

'ما پنج روز پیش می خواستیم به عشق آباد بیاییم.'

۵- زمان آینده

الف - آینده ساده (قطعی)

برای تمام صیغه ها فقط یک صورت وجود دارد :

	واکه پیشین	واکه پسین
men, sen, ol, biz, siz, olar	-jek	-jak

مثال :

Men geljek 'من خواهم آمد.'

Men ýazjak 'من خواهم نوشت.'

منفی : ^{۶۲}ادات منفی ساز däl + پایانه های فعلی

Men geljek däl. 'من نخواهم آمد. (من نمی آم.)'

Sen geljek däl. 'تو نخواهی آمد. (تو نمی آیی.)'

سؤالی : ادات سؤالی ساز -mi/-my + پایانه فعلی

Ol geljekmi? 'آیا او خواهد آمد؟'

نکات :

(a) از آنجا که شناسه برای تمام صیغه ها یکی است ، لازم است که قبل از فعل حتماً ضمیر شخصی

مناسب آورده شود. فقدان ضمیر شخصی ، مترادف سوم شخص مفرد یا جمع است. مثال :

Satyn aljak 'او خواهد خرید'

⁶² یک وجه تمایز عمده با زبان ترکی که به نحوی قاعده مند دارای صورتهای -miyacak/-meyercek است.

(b) آینده ساده اگر با پسوند -dyr/-dir- و شناسه های شخصی بیاید مبین یقین بیشتر در احتمال وقوع عمل است.

‘یقیناً خواهی نوشت’ Ýazjakdyrsyň

‘مادر! به احتمال زیاد مراد خواهد آمد.’ Eje , myrat geljekdir

(c) در عین حال در صورتهای گویش گوکلان شناسه های شخص برای زمان آینده وجود دارد: -jekmen, -jeksen, -jek, -jekmiz, -jeksiz, -jekler و معادل های دارای واکه پسین آنها. صورت منفی این گویش عبارت است از -mejekmen, -mejeksen, -mejek و غیره.⁶³

‘امشب نخواهم آمد.’ Bu aqşam men gelmejekmen.

از آنجا که این زمان دارای ماهیت صفتی است و اینکه صورتهای -jek/-jak- وجه وصفی آینده هستند می توان درک کرد که صورت منفی با ادات منفی ساز معمول یعنی -ma/-me- ساخته نشود بلکه با منفی ساز däl ساخته شود. در گویش های مناطق شمالی صورت däl به شکل käl تلفظ می شود.

کاربردهای زمان آینده ساده :

(a) برای بیان عملی در آینده با دوره زمانی خاص و مشخص

‘او سه شنبه به عشق آباد خواهد آمد.’ Ol sişenbe Aşgabada geljek

(b) مبین قصد و تصمیم گوینده و یا انجام دهنده عمل :

‘آیا می خواهید اینجا بمانید؟ (آیا شما این جا خواهید ماند؟)’ Siz şu ýerde kaljakmy?

(c) با فعل کمکی bilmek ، این زمان می تواند مبین عمل در زمان حال باشد.

‘من نمی توانم بخوانم.’ Men okaýyp biljek däl

ب - آینده نا معین

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-erin	-aryn
sen	-ersin	-arsyn
ol	-er	-ar
biz	-eris	-arys
siz	-ersiniz	-arsyňyz
olar	-erler	-arlar

⁶³ Kulmanow G. گویش گوکلانی زبان ترکمنی Ylym, Aşgabat, 1991, p.81

منفی : (به جز برای سوم شخص) پایانه + -me/-ma

‘کار نخواهم کرد.’ İşlemerin

‘کار نخواهی کرد.’ İşlemersiň

صورت سوم شخص (مفرد و جمع) ، بیقاعده است به صورت: -maz/-mez و -mazlar/-mezler

‘او کار نخواهد کرد.’ Ol işlemez

‘آنها نخواهند خواند.’ Olar okamazlar

سؤالی : ⁶⁴ -mi/-my + شناسه ها

‘آیا خواهم آمد.’ gelerinmi?

صورت‌های دوم شخص مفرد و جمع ممکن است ادات سؤالی را قبل از شناسه ها بپذیرند.

‘خواهی آمد؟’ Gelermiň?

نکات :

- هنگامی که ریشه فعلی منتهی به واکه باشد ، واکه انتهای ریشه کلمه با اولین واکه پایانه ترکیب میشود.

(از فعل soramak) ‘خواهم پرسید.’ Soraryn.

- ریشه منتهی به -e ، در تماس با پایانه های آینده نامعین آن واکه را به -ä تبدیل میکند.

(از فعل islemek) ‘خواهم خواست.’ Islärin.

- در سوم شخص مفرد ، در حالت مثبت ریشه فعلی منتهی به یکی از همخوانهای -p یا -r به منظور ترکیب با پایانه زمان آینده نامعین ، ممکن است آخرین هجای خود را حذف کند. بدین ترتیب جفت کلماتی به دست می آید که صورت کوتاه آن بیشتر در زبان شفاهی رایج است تا زبان نوشتاری. ترکیب ریشه فعلی با پایانه های زمان آینده نامعین ، نیز به نوبه خود واکه را تغییر می دهند.

‘خواهد گرفت.’ ar[a:r] یا alar

‘خواهد شد.’ bor[bo:r] یا bolar

‘خواهد داد.’ ber[be:r] یا berer

‘بیرون خواهد کرد.’ çykar[çyka:r] یا çykarar

‘خواهد آورد.’ getir[geti:r] یا getirer

‘خواهد کشت.’ öldür[öldü:r] یا öldürer

- در گویش های teke , saryk و gökleň ، اول شخص مفرد می تواند به صورت منفی

⁶⁵ -man/-men و سوم شخص مفرد به صورت ⁶⁶ -mar/-mer ظاهر شود.

⁶⁴ در گفتار عامیانه به صورت‌های دوم شخص از نوع ?sen gelmezmiň? یا ?siz gelmezsiňiz? بر می خوریم.

⁶⁵ Nartyew N. Türkmen diliniň saryk dialekti , Ylym , Çärjew , 1959 , p.178

Görmen (به جای görmerin) 'نخواهم دید.' (Görmen)

Görmer (به جای görmez) 'نخواهد دید.' (Görmer)

آینده نامعین در موارد زیر به کار میرود :

(a) برای یک عمل و پیشامد مربوط به آینده در محدوده زمانی کم و بیش مشخص.

Ördek uçar 'اردک خواهد پرید.'

(b) پذیرفتن تعهد به انجام عملی در آینده

Men ertir bir roman ýazaryn. 'من فردا یک رمان خواهم نوشت.'

(c) برای درخواست و یا پیشنهاد مؤدبانه

Meniň bilen kino gidermisiňiz? 'با من سینما می آیی؟'

(d) با افعال موقعیتی yatmak , oturmak , gitmek , durmak و بین تداوم عمل ýörmek در آینده است.

Buýrar durar. 'او(ها) همه اش دستور خواهد داد.'

(e) در ضرب المثل ها

Ýylan ýylana zäher pürkmez. 'مار به مار زهر نمی ریزد.' (مار مار را نیش نمی زند).

(f) آینده نامعین منفی bolmaz مبین عدم امکان و یا ممنوعیت است.

Çilim çekmek bolmaz. 'نمی شود سیگار کشید.'

۶ - شرطی

الف - شرطی حال

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-sem	-sam
sen	-seň	-saň
ol	-se	-sa
biz	-sek	-sak
siz	-seňiz	-saňyz
olar	-seler	-salar

مثال :

Sen gitseň, mende gitjek 'اگر تو بروی من هم می روم.'

منفی :

⁶⁶ این صورت ها با رواج کمتر در لهجه ýomut نیز مشاهده میشود. (مترجم)

شناسه ها + جزء منفی ساز -ma/-me

Men işlemesem 'اگر من کار نکنم.'

Sen işlemeseñ 'اگر تو کار نکنی.'

و غیره.

نکات:

شرطی در زبان ترکمنی زماندار نیست و بسته به بافت و موقعیتی که در آن به کار می رود میتواند مبین زمان گذشته، حال یا آینده باشد. در اینصورت شرطی خیلی ساده تراز معادل اش در زبانهای ترکی و آذری است.

Muny bilse ! 'اگر این را بداند.'

Sorasam , aýdmazdyň 'اگر سؤال می کردم ، نمی گفتی.'

Sorasam , aýdmaýarsyň 'اگر سؤال کنم ، نمی گی.'

Sorasam , aýdmarsyň 'اگر سؤال کنم ، جواب نخواهی داد.'

(a) یک ساخت شرطی وجود دارد که با وجه وصفی فعل یا اسم فعلی یا فعل قیدی به علاوه فعل bolmak در صیغه سوم شخص مفرد شرطی ساخته می شود.

مثال:

Ýazan bolsa , ýazmakçy bolsa ,

Ýazyp bolsa , ýazjak bolsa , ...

(b) فعل شرطی به همراه فعل کمکی bolmak به معنی امکان یا لزوم است.

Gitseň bolýa 'می شود رفت'

Gitmeseň boljak däl 'حتماً باید بروم.'

(c) صورت شرطی ممکن است با کلمه eger « اگر » که از منشأ فارسی است همراه شود. با این حال این کلمه الزامی نیست و حشو محسوب می شود.

Eger ystysa , gapyny açagasyn 'اگر هوا گرم شود می تواند در را باز کند.'

Eger kelläň içinde bir zat bolsa , bu işi etmezdiň.

اگر چیزی تو کله ات بود این کار را نمی کردی.'

موارد استعمال شرطی:

(a) برای بیان آرزو. مثال:

Pulum bolsa , men Amerika giderin. 'اگر پول داشته باشم ، به آمریکا می روم.'

Öýüme gitmän şu ýerde galsam , nähili oňät bolar.

اگر به خانه نروم و اینجا بمانم چقدر خوب می شد.

(b) یک شرط :

Ol ýigit meni soýen bolsa , hökman tapar

اگر آن جوان عاشق ام شده باشد ، حتماً پیدا می کند.

Myhman bolsaňyz ol tama baryň ‘اگر مهمان هستید به آن خانه بروید.

(c) به همراه ادات سؤالی

-myka/-mikä یا -ka/ -kä

به معنی نظر خواهی و مشورت و یا سؤال از خود است.

Näme diýsemkä? ‘چه بگویم؟’

(d) با فعل کمکی gerek « لازم است » ، فعل شرطی مبین امکان یا احتمال است.

Ol şu gün gelse gerek ‘او احتمالاً امروز خواهد آمد.’

Meniň sözüme sen düşünen bolsaň gerek? ‘احتمالاً حرفم را متوجه شدی؟’

ب - شرطی گذشته

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-sedim	-sadym
sen	-sediň	-sadyň
ol	-sedi	-sady
biz	-sedik	-sadyk
siz	-sediňiz	-sadyňyz
olar	-sediler	-sadylar

Men işlesedim ‘من اگر کار می کردم.’

منفی : شناسه ها + ادات ma/me + ریشه فعلی

Men hşlemesedim ‘اگر من کار نمی کردم.’

شرایط استفاده شرطی گذشته همانهایی است که برای شرطی حال مطرح است با این تفاوت که در شرطی گذشته عمل گذشته مشروط است.

Eger siziň ogluňuz mekdebe gitsedi , beýle bolmazdy.

اگر پسرتان به مدرسه می رفت ، اینگونه نمی شد.

در جملات مرکب شرطی ف جمله اصلی به صورت گذشته استمراری نا معین و جمله شرطی به صورت گذشته شرطی است.

Kakaň şu günlerimi görsedi , dünýäden armanly gitmezdi.

‘اگر پدرتان خوشبختی امروز ما را می دید، آرزو به دل از دنیا نمی رفت.’

۷ - پسوندهای اسنادی : معادل های فعل «بودن»

در زبان ترکمنی معادلی برای فعل «بودن» فارسی وجود ندارد. زبان ترکمنی بر اساس زمان (مثلاً آینده) و کارکرد دستوری (وصفی و قیدی) ، پسوندهای اسنادی یا صورتهای قاعده مند فعل bolmak «شدن» را به کار می گیرد.⁶⁷

همچنین در این زبان صورتهای پسوندی -dim ، -sem و -dik وجود دارد که با اسم های فعل مرکب یا وصفی به کار می روند.

زبان ترکمنی برای زمان حال فاقد عنصر فعل «بودن» است. از این جهت این زبان از طریق جملات اسمیه و پسوندهای اسنادی این وظیفه را به انجام می رساند. مثال :

‘من ترکمن هستم.’ men türkmenidirin یا Men türkmen

پسوندهای اسنادی حال :

پسوندهای اسنادی حال از هماهنگی واکه ای تبعیت می کنند :

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-sedim	-sady m
sen	-sediň	-sadyň
ol	-sedi	-sady
biz	-sedik	-sadyk
siz	-sediňiz	-sadyňyz
olar	-sediler	-sady lar

مثال :

‘من معلم هستم’ Men mugallymdyryn

‘تو معلم هستی’ Sen mugallymdyrsyň

‘او معلم است’ Ol mugallymdyr

‘ما معلم هستیم’ Biz mugallymdyrys

‘شما معلم هستید’ Siz mugallymdyrsyňyz

‘آنها معلم هستند’ Olar mugallymdyrlar

شناسه ها + dir + däl + مسند

منفی :

‘من معلم نیستم’ Men mugallym däl dirin.

⁶⁷ نظامی همانند این در زبان ترکی با فعل «olmak» مشاهده می شود.

سؤالی :

ادات سؤالی -mi/-my + صورت حال +مسند

Men mugallymdyrynmy? 'آیا من معلم هستم؟'

نکات :

این صورت حال به ندرت به کار می رود. غالباً ضمیر شخصی برای تعیین بافتی که پسوندهای اسنادی برای مسند را ایجاد نمی کند کافی است. همچنین ممکن است ضمیر شخصی در پایان جمله تکرار شود.

Men türkmen یا men türkmen men. 'من ترکمن هستم.'

در دوم شخص مفرد و جمع ، -dir/-dyr غالباً حذف میشود.

Zordursyňyz یا zorsuňyz 'شما قوی هستید.'

Mugallymdyrsyňyz یا mugallymsyňyz 'شما معلم هستید.'

پسوندهای اسنادی گذشته :

پایانه ها عبارتند از :

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-dim	-dym
sen	-diň	-dyň
ol	-di	-dy
biz	-dik	-dyk
siz	-diňiz	-dyňyz
olar	-diler	-dylar

Men mugallymdym. 'من معلم بودم.'

منفی : شناسه ها + di + däl + مسند

Sen mugallym däl diň 'تو معلم نبودی'

سؤالی : اادات سؤالی -mi/-my + صورت گذشته + مسند

Men mugallymdymmy? 'آیا من معلم بودم؟'

- این صورتهای برای بیان گذشته ، الزامی است.

- هماهنگی واکه ای محدود است ، فقط با صورتهای -di و -dy.

- همچنین میتوان اادات -miş را برای بیان تردید در مورد صحت مطلب اضافه کرد.

Sen işçimişiň 'گویا تو کارگر بوده ای.'

پسوندهای اسنادی حال و گذشته را با موارد زیر به کار می برند :

(a) با اسم ها

Okuwçydyňyz 'دانش آموز بودید.'

(b) با صفات

Bu köynek uludyr 'این پیراهن بزرگ است.'

(c) با اعداد

Näçe? – ikidir 'چند تا؟ دو تاست.'

(d) با ضمائر

Oldyr 'اوست'

(e) با قیدها

Bu başgaçadyr 'این از نوع دیگری است.'

آینده:

صورت آینده فعل «بودن» با فعل bolmak «شدن» که تعریف آن کاملاً قاعده مند است ادا می گردد.

Ol mugallym boljak 'او معلم خواهد بود. (او معلم خواهد شد)'

۸ - صورت الزام

این طبقه از افعال ترکمنی، که در زبانهای ترکی و آذری نیز وجود دارد، مبین یک الزام اخلاقی یا فیزیکی برای انجام یک عمل است. این صورت بسیار پرکاربرد است و معادل «باید» فارسی است.

پایانه های حال عبارتند از:

	واکه پیشین	واکه پسین
men	-melidirin	-malydyryn
sen	-melidirsini	-malydyrsyň
ol	-meli(dir)	-maly(dy)
biz	-melidiris	-malydyrys
siz	-melidirsiniiz	-malydyrsyňyz
olar	-melidirler	-malydyrlar

Men aşgabada gitmelidirin 'من باید به عشق آباد بروم'

-maly/-meli +däl+ (شناسه ها)

منفی:

یا

-masyz/-mesiz +⁶⁸ شناسه ها

مثال:

Men geplemeli дәl. 'من نباید صحبت کنم.'

Men geplemesizim. 'من نباید صحبت بکنم.'

افزودن ادات سؤالی -mi/-my به انتهای فعل صرف شده

سؤالی:

Men işlemelimi? 'آیا من باید کار کنم؟'

⁶⁸ زبان ترکمنی فاقد صورتهای -memeli/-mamalı - ترکی است.

نکات :

- در زبان شفاهی ، صورت *meli/-maly* در زمان حال بدون شناسه های جایز است. مثال :
Men okamaly, sen okamaly, ol okamaly, ...
- برای زمان گذشته ، صورت *di/-dy* و شناسه های شخصی مناسب به پایان صورتهای *meli/-maly* افزوده می شود. مثال :
‘ما باید با آنها ملاقات می کردیم.’
Biz olar bilen duşuşmalydyk.
‘ما نباید اندازه گیری می کردیم.’
Biz ölçmeli däldik.
- می توان ساخت الزام را با فعل کمکی *bolmak* و صورت وصفی *eken* به کار برد.
‘مجبور نشدید زیاد منتظر بمانیم.’ (زیاد انتظار کشیدن لازم نشد).
Uzak garaşmaly bolmady.
‘تو باید او را می دیدی.’
Ony görmeli ekeniň.

پ- نموده‌ها و تعدیل کننده های وجهی

زبان ترکمنی بیش از زبانهای ترکی و آذری از نموده‌ها و تعدیل کننده های فعل استفاده می کند که می توانستیم آن را در فصل قبل ، به عنوان صورتی فعلی و یا نموده‌های متفاوت زمانی فعل ترکمنی مطرح بکنیم. نقش ها و استفاده های آنها را در صفحات آتی ذکر می کنیم.

۱- پسوند *-aý/-eý*

این پسوند مبین مفاهیم «بر خلاف انتظار» یا «تعجب» ، «در خواست» و ... است. همچنین برای مؤکد کردن فعل جمله به کار می روند. این پسوند بین ریشه فعلی و شناسه ها قرار می گیرد. هنگامی که ریشه فعلی به *e* ختم یافته باشد ، این واکه در تماس با واکه مذکور به *-ä* تبدیل می شود. صورت منفی این پسوند *-maý/-meý* است. مثال :

‘او (بر خلاف انتظار) آمد.’
Ol gelaýdy

‘آیا میشود ترکمنی صحبت کرد؟’
Türkmençe gepläýmelimi?

پسوند *-aý/-eý* در ترکیب با فعل کمکی *bolmak* مفهوم «تداوم» را به فعل القاء می کند.

‘خجالت نکش و بخور!’
Utanma-da eýeýber!

۲- پایه‌های فعلی مشتق

یک پایه فعلی می تواند مشتق باشد ، یعنی یک یا چند پسوند می توانند بین ریشه فعلی و شناسه ها وارد شود. این پسوندها ممکن است دارای منشأ و صورت متفاوتی باشند. با این حال همگی تحت تأثیر قانون هماهنگی واکه‌ای قرار می گیرند. یک پایه فعلی مشتق دقیقاً همانند یک ریشه فعلی ساده صرف می شود.

ذیلاً لیست رایج ترین پسوندهای فعلی در زبان ترکمنی آورده می شود.

: -a/-e

پسوندی است غیر زایا (با موارد استعمال کم).

Dürsemek 'تصحیح کردن'

Titremek 'لرزیدن'

: -akla/-ekle

towsaklamak 'جهیدن'

iteklemek 'هل دادن'

: -al/-el/-l

azalmak 'کاهش پیدا کردن'

Ulalmak 'بزرگ شدن'

Gojalmak 'پیر شدن'

: -anakla/-enekle

uçganaklamak 'تبخال زدن'

: -er/-ar

این پسوند برای بیان مفهوم "شدن، تبدیل شدن" به کار برده می شود و کاربرد محدودی دارد.

Gyzyl 'قرمز شدن، سرخ شدن' → gyzarmak 'قرمز'

Ak 'سفید شدن' → agarmak 'سفید'

: -erle/-arla

yz 'تعقیب کردن، پی گیری کردن' → yazarlamak '۱-رد پا ۲-عقب، دنباله'

: -de/-da

غالباً با دو هجایی ها می آید. متغیر (بدل) آوایی پسوند -le/-la است. افعال را غیر متعدی می کند.

Şarpyldamak

Iñirdemek

Horkuldamak

: -dirge/-dyrga

ýeldirgemek 'دچار جنون شدن'

: -ge/-ga

Ysgamak 'بو کردن'

: -ger/-gar

این پسوند برای ساختن فعل از صفت و به ندرت از اسم، به کار می رود.

Sargamak 'زرد شدن'

Ýazgarmak 'متهم کردن'

: -jekle/-jakla

arkanjalamak 'عقب رفتن'
götdinjeklemek 'پسرفت کردن، عقب رفتن'

: -jer/-jar

این پسوند فقط با فعلهای لازم (غیر متعدی) به کار می‌رود.

Jaňjarmak
Hüwjermek

: Jik/-jyk

Der 'عرق کردن' → derjikmek 'عرق'

: -le/-la

این پسوند می‌توند با اسم، صفت، عدد و یا قید به کار رود و فعل به دست دهد. این پسوند از پرکاربردترین پسوندهای زبان معیار است.

Kesel 'مریض شدن' → kesellemek 'بیماری، مرض'

Gymmat 'گران شدن' → gymmatlamak 'گران'

Üç 'سه تا کردن' → üçlemek 'سه'

Häzir 'آماده کردن' → häzirlemek 'آماده'

این پسوند همچنین به عنوان جانشین فعل etmek به کار می‌رود:

Telefon etmek = telefonlamak 'تلفن کردن'

: -len/-lan

این پسوند مبین معنی تبدیل است. برای ایجاد فعل از صفت، فعل و یا اسم به کار برده می‌شود.

Taýýarlanmak 'آماده شدن'

Adat 'عادت کردن' → adatlanmak 'عادت'

Ýaýlaň '.....' → ýaýlaňlanmak '....'

: -leş/-laş

برای بیان "شدن، تبدیل شدن" به کار می‌رود.

Gürleşmek 'پر پشت شدن'

Çetleşmek 'منزوی شدن، به حاشیه رفتن'

: -mele/-mala

Gezmek 'قدم زدن' → gezmelemek 'گشتن'

: -pe/-pa

Ýel 'باد زدن' → ýelpemek 'باد'

: -re/-ra

پسوندى است با کاربردى كم. منحصرأ با افعال غير متعدى به كار مى رود.

Bälçiremek 'شوخی کردن'

Däliremek 'دیوانه شدن'

:-se/-sa

Burugsamak 'دود کردن'

Suwsamak 'تشنه شدن'

:-sin/-syn

Kemsinmek 'احساس حقارت کردن، احساس كمبود کردن'

:-sit/-syt

Kemsitmek 'تحقیر کردن'

:-sire/-süre/-syra/-sura

این پسوند با افزوده شدن به پایه اسمى یا صفتى، باعث تشکیل فعل با معنای کنایه‌ای مى شود.

'خودبزرگ بینی، خود را تافته جدا بافته دانستن' artyksyramak → 'جدا، متفاوت، اضافه' Artyk

'خود را وارد وانمود کردن' beletsiremek → 'آگاه، بلد، وارد' Belet

'خود را خان پنداشتن' hansyramak → 'خان' Han

:-şe/-şa

Awuşamak 'احساس درد داشتن'

:-teş/-taş

Gartaşmak '(به مرور) پیر شدن'

:-mjire/-ümjire/-mjyra/-umjyra

پسوندى غير فعال كه به پایه فعلی اضافه شده، معنی آن را تضعیف و كم رنگ مى کند.

'حالت گریه گرفتن' Aglamjyramak

'حالت خنده گرفتن' Gülümjiremek

:-ürt

Öñürtmek 'سبقت گرفتن'

:-ik/-ük/-uk/-yk

کاربرد آن تنها محدود به تعدادی از افعال غير متعدى است.

Ajykmak 'گرسنه شدن'

Höwrükme 'عادت کردن'

Birikmek 'به هم ملحق شدن'

Ugrukmak 'ردیف شدن، در غلتک افتادن'

: -in/-ün/-yn/-n

این پسوند را در افعال غیرمتعدی مبین حالات فیزیکی، روحی و یا احساسات است می توان مشاهده کرد.

Düşünmek 'فهمیدن'

Yaltanmak 'تنیلی کردن'

: -injire/-ynjyra/-njire/-njyra

siltenjirmek

käyinjirmek 'خود را شماتت و سرزنش کردن'

: -irde/-yrda/-ürde/-urda

lakyrdamak 'صدای تلاطم (قُل قُل [آب جوش] یا تلق و تولوق) دادن'

: -iş/-yş/-uş/-üş/-ş

berkişmek 'محکمر شدن'

Düzelşmek 'بهرتر شدن، رو به راه شدن'

: -it/-yt/-t

berk 'محکم' → berkitmek 'محکم کردن'

Oýa 'بیدار' → oýatmak 'بیدار کردن'

و غیره

۳- افعال کمکی

زبان ترکمنی می تواند یک فعل را با یک اسم، قید یا یک صفت ترکیب نماید و فعل جدیدی تشکیل دهد که نسبت به فعل اولیه دارای معنی متفاوتی باشد. زبان ترکمنی معاصر گرایش به کنار گذاشتن این افعال کمکی و جایگزین کردن افعال واحدی که از طریق ادات -la/-le ساخته میشوند دارد. مثال:

Terbiýe etmek → terbiýelemek 'تربیت کردن'

با اینحال، ساخت های فعلی دارای افعال کمکی که لیست شان محدود است زیاد می باشد. عمده ترین افعال کمکی و بعضی ترکیبات آنها ذیلاً آورده می شود:

(a) فعل almak «گرفتن». مثال:

Dynç almak 'استراحت کردن'

Garşy almak 'استقبال کردن'

Basyp almak 'غصب کردن، تصاحب کردن'

Ar almak 'انتقام گرفتن'
Bat almak 'شتاب گرفتن'
Ele almak 'بدست گرفتن ، تحت کنترل در آوردن'

(b) فعل atmak «انداختن». مثال :

Gep atmak 'مزاحمت (کلامی) ایجاد کردن'
Öwşün atmak
Kök atmak 'ریشه زدن'
Baş atmak 'سر تکان دادن (به عنوان سلام)'
Haybat atmak 'تهدید کردن'

(c) فعل bermek «دادن». معنی بدست آمده ممکن است مجازی یا واقعی باشد.

Gara bermek 'ملاقات کردن'
Jogap bermek 'جواب دادن'
Rahatsyzlyk bermek 'ایجاد مزاحمت کردن'
Salam bermek 'سلام کردن'
Jan bermek 'مردن'
Söz bermek 'قول دادن'
Kömek bermek 'کمک کردن'
Azar bermek 'اذیت کردن'

(d) فعل bolmak «شدن» در بعضی از کاربردهای bolmak ، میتوان صورت مجهول فعل

bermek یعنی edilmek را به کار برد. مثال :

tamam bolmak 'تمام شدن' یا tamam edilmek

کاربرد اسم ها و صفات با فعل bolmak زیاد است.

Az bolmak 'کم آمدن'
Bes bolmak 'کفایت کردن'
Köp bolmak 'زیاد شدن'
Jem bolmak 'جمع شدن'

(e) فعل çekmek «کشیدن».

Arman çekmek 'حسرت کشیدن'
Ah çekmek 'آه کشیدن'
Aýak çekmek 'پا پس کشیدن'

Jan çekmek 'التماس کردن'

Garyn çekmek 'لاغر شدن'

Jar çekmek 'اعلام کردن'

(f) فعل çekmak «خارج شدن».

Üstün çekmak 'پیروز شدن'

Garşy çekmak 'مخالفت کردن'

Lütüň çekmek 'نا توان شدن'

Aradan çekmak 'فوت کردن ، مردن'

Çoga çekmak 'ورشکست شدن'

Ýüze çekmak 'ظاهر شدن'

(g) فعل etmek «انجام دادن ، کردن» رایج ترین فعل کمکی در زبان ترکمنی است.

Dowam etmek 'ادامه داشتن'

Kabul etmek 'قبول کردن'

Galmagal etmek 'سروصدا کردن'

Mydar etmek 'صبر کردن ، مدارا کردن'

Gaýgy etmek 'نگران شدن'

Parh etmek 'فرق کردن'

Geleň etmek 'توجه کردن'

Pikir etmek 'فکر کردن'

Göreş etmek 'مبارزه کردن'

Tankyt etmek 'نقد کردن'

Jar etmek 'جار زدن'

Umyt etmek 'ابراز امیدواری کردن'

(h) فعل galmak «ماندن».

Geň galmak 'تعجب کردن'

Haýran galmak 'شگفت زده شدن ، تعجب کردن'

Uklap galmak 'خواب ماندن'

Gijä galmak 'تأخیر کردن'

(i) فعل gelmek «آمدن».

Duş gelmek 'روبرو شدن'

Hıştde gelmek 'از عهده بر آمدن'

Kayıyl gelmek 'راضی شدن'

Laýyk gelmek 'تناسب داشتن ، جور در آمدن'

Hakyda gelmek

Emele gelmek 'به وجود آمدن ، به عمل آمدن'

j) فعل görmek «دیدن» این فعل وقتی به عنوان فعل کمکی به کار رود می تواند معنای انتزاعی ، به کلمه مورد تعریف اش دهد.

Gaty görmek 'رنجیدن ، دلخور شدن'

Ýaman görmek 'خوش نیامدن ، ناراحت شدن'

Geň görmek 'تعجب کردن عجیب پنداشتن'

Ýüz görmek 'تعارف ، ورود بایستی کردن'

Ýagşy görmek 'پسندیدن ، خوش آمدن'

Kyn görmek 'ناراحت شدن'

k) فعل salmak «وارد کردن».

Düzgüne salmak 'مرتب کردن'

Saýa salmak 'سایه دادن'

Gulak salmak 'گوش دادن'

Ýada salmak 'یادآوری کردن'

Nazar salmak 'نگاه کردن'

l) فعل tutmak «گرفتن».

Habar tutmak 'خبر کسب کردن'

Ýüz tutmak 'روی آوردن'

Oka tutmak 'هدف تیر باران قرار دادن'

m) فعل ugramak «حرکت کردن»: این فعل به هدف یک عمل اشاره دارد و آن عنصر فعلی که با آن ترکیب می شود به صورت فعل قیدی دارای -ip در می آید:

adat edip ugramak 'یواش یواش عادت کردن'

علاوه بر افعالی که ذکر کردیم تعدادی از افعال ، عمدتاً افعال حرکتی و موقعیتی ، وجود

دارند که در ترکیب با افعال دیگر معنای زمان را به وقوع آن افعال الغاء می کنند:

a) در زبان ترکمنی شروع یک عمل با افعال başlamak «شروع کردن» ، durmak «ایستادن» ،

oturmak «نشستن» و ugramak «حرکت کردن» بیان می شود.

İşlemäge başlamak 'شروع به کار کردن'

Baýram has güýçli inñildemäge durdy. 'بایرام شروع کرد به شدیداً ناله کردن.'

(b) جریان یک عمل با افعال durmak «ایستادن»، gelmek «آمدن»، oturmak «نشستن» و yörmek «راه رفتن» بیان می شود. فعل اصلی عمل، به شکل فعل قیدی دارای -ip است:

Ýazyşyp gelmek 'به مکاتبه ادامه دادن'

(c) جریان و جهت یک عمل با افعال almak «گرفتن»، bermek «رسیدن» «دادن»، çykmak «خارج شدن»، gelmek «آمدن»، girmek «وارد شدن» و gitmek «رفتن» فعل اصلی عمل، به شکل فعل قیدی دارای -ip است:

Uçup gitmek 'پروازکنان رفتن'

Gaýtaryp almak 'پس گرفتن'

۴- افعال انعکاسی

در زبان ترکمنی، همانند سایر زبانهای ترکی، تعدادی میانوندهای فعلی وجود دارد که بیان رابطه ای خاص بین نهاد و مفعول یک جمله را ممکن می سازند. ما اینها را میانوند می نامیم چون بین ریشه فعلی و پایانه های زمان و شناسه ها قرار می گیرند. این میانوندها با ترتیبی کاملاً مشخص به شکل زیر میتوانند با هم آیند:

مجهول، سبب، تفاعل، انعکاسی

همانند پسوندهای جمع، ملکی و حالتی، این میانوندهای فعلی را نمی توان از لحاظ ترتیب عوض کرد. این میانوندها از قانون هماهنگی تبعیت می کنند. ادات نفی بعد از این میانوندها قرار می گیرند و هرگز تکیه نمی گیرند. تکیه نواختی بر روی هجای بلافاصله قبل نفی قرار می گیرد. فعل انعکاسی بیان می دارد که نهاد ف همزمان مفعول می باشد.

صورت فعل:

-in/-un/-ün/-yn + ریشه همخوانی

-n + ریشه واکه ای

مثال:

Görmek 'دیدن' → görüşmek 'همدیگر را ملاقات کردن'

Gün görüندی. 'آفتاب دیده شد. (ظاهر شد)'

Çerkez ýuwundy. 'چرکز خود را شست.'

برای تشدید معنای فعل انعکاسی ضمیر انعکاسی Öz نیز افزوده می شود. مثال:

Serdar özüne bir jaý edindi. 'سردار برای خود خانه ای دست و پا کرد.'

۵- افعال تفاعلی

فعلی که میانوند تفاعل را گرفته ، نشان می دهد که فاعل در عملی مشارکت می کند که فاعل های دیگر نیز در آن عمل دخیل اند. این میانوند را در فعل هایی مشاهده می کنیم که مبین ایده تبادل یا تفاعل همزمان عمل هستند. در ترجمه فارسی این میانوند را با کلمه «یکدیگر» ترجمه می کنیم. صورت فعل :

-iş/-uş/-üş/-yş + ریشه همخوانی
ş + ریشه واکه ای

مثال :

Görmek 'دیدن' → görüşmek 'همدیگر را دیدن'
 Ogşamak 'بوسیدن' → ogşaşmak 'همدیگر را بوسیدن ، روبوسی کردن'
 Dostlar gujaklaşdylar we ogşaşdylar
 'دوستان یکدیگر را در آغوش کشیدند و روبوسی کردند.'
 Maral ejesine kir ýuwuşdy. 'مارال در شست و شو به مادرش کمک کرد.'

۶- افعال سببی

فعل دارای میانوند سببی مبین این است که فاعل شخص دیگری را به انجام عمل وامیدارد یا اجازه میدهد که آن عمل انجام شود. صورت فعل :

-dir/-dur/-dür/-dyr + (به جز -l و -r) ریشه همخوانی
t + ریشه واکه ای و یا همخوانی منتهی به -l و -r

مثال :

Etmek 'انجام دادن' → etdirmek 'باعث انجام شدن'
 Okamak 'خواندن' → okatmak 'به خواندن واداشتن'
 Ölmek 'مردن' → öldürmek 'کشتن (میراندن)'
 Ol gyzykly gürrüňler tapyp , dostuny güldürdi.
 'او با حرفهای جالب دوستش را خندانده.'
 Şu gün mugallym bizi bagda işletdi. 'امروز معلم ما را در باغ به کار واداشت.'
 نکات :

- پسوند سبب -ar/-er/-ir/-ur/-ür/-yr در بعضی از افعال ظاهر میشود ولی غیر فعال است و غالباً جای خود را به صورتهای دارای -dir میدهد.

Gaýtmak 'برگشتن' → gaýtarmak 'باز گرداندن'
 - در موارد معدودی از افعال ، صورت سببی بی قاعده ای به شکل -kez و -iz وجود دارد :

Görmek 'دیدن' → görkezmek 'نشان دادن'

Girmek 'وارد شدن' → girizmek 'وارد کردن'

Durmak 'ایستادن' → duruzmak 'ایستاندن'

Gorkmak 'ترسیدن' → gorkuzmak 'ترساندن'

- فعل getirmek نیز نوعی فعل سببی بیقاعده است صورت تغییر یافته gel+dirmek می باشد.
- میانوند سببی -dir- میتواند به میانوندهای دیگر همانند میانوند افعال انعکاسی و یا میانوند تفاعل بچسبد. مثال:

Geýmek 'پوشاندن' → geýindirmek 'به خود پوشیدن' → geýinmek 'پوشیدن'

- به فعل دارای میانوند سببی می توان میانوندهای سببی دوم و سوم نیز اضافه کرد. این صورتهای سببی دو تایی و سه تایی از لحاظ کاربردی بسیار محدود هستند. با اینحال از لحاظ دستوری صحیح هستند. مثال:

Atmak 'انداختن'

Atdyrmak 'نفر دوم) را به انداختن واداشتن ، باعث انداختن شدن'

Atdyrtmak 'نفر سوم را از طریق نفر دوم) به انداختن واداشتن'

Atdyrtdyrmak 'نفر چهارم را از طریق نفرات سوم و دوم) به انداختن واداشتن'

۷- فعل مجهول

فعلی که میانوند مجهولی گرفته مبین این است که نهاد مفعول است. [از لحاظ معنایی نه دستوری (مترجم)]. متمم های «توسط کی» و «توسط چی» بوسیله kim tarapyndan ، näme tarapyndan بیان می شود.

Gurulşukçylar tarapyndan täze mekdep jaýy guruldy.

'ساختمان جدید مدرسه توسط شرکت های ساختمانی ساخته شد.'

صورت فعل:

-il/-ul/-ül/--yl + ریشه همخوانی (به جز -l)
-in/-un/-ün/-yn + ریشه همخوانی منتهی به -l
-l + ریشه واکه ای (به جز در موردی که کلمه در آخرین هجا -l داشته باشد)
-n + ریشه واکه ای دارای -l در آخرین هجا

Ýazmak 'نوشتن' → ýazylmak 'نوشته شدن'

Almak 'گرفتن' → alynmak 'گرفته شدن'

Okamak 'خواندن' → okalmak 'خوانده شدن'

‘شروع شدن’ başlanmak → ‘شروع کردن’ Başlamak

‘این روزها در روستایمان گندم درو میشود.’ Şu günler obamyzda bugdaý orulýar.

افعال مجهول را می توان از ریشه های فعلی غیر متعدی یا غیر شخصی نیز ساخت :

‘صحبت شدن’ geplenmek → ‘صحبت کردن’ Geplemek

- با افعال مجهول، مفعول مستقیم، به نهاد جمله تبدیل می شود. مثال:

‘او شراب را خورد.’ (ح. مفعول با واسطه) Ol şeraby içdi.

‘شراب خورده شد.’ (ح. نامی) Şerap içildi.

Uniwersitetde okuw dokuzyň ýarynda başlanýar

‘در دانشگاه درس از ساعت نه و نیم شروع میشود.’

- میانوند مجهولی میتواند به همراه میانوندهایی که در صفحات قبل ذکر کردیم، قبل از شناسه ها بیاید. مثال:

‘به خواندن واداشته شدن’ okatdyrylmak → ‘خوانده شدن’ okalmak → ‘خواندن’ Okamak

مثالهایی درباره وجوه فعلی:

Örmek	‘بافتن’	(صورت ساده)
Örünmek	‘برای خود بافتن’	(انعکاسی)
Örüşmek	‘(متقابلاً، با یکدیگر) بافتن’	(تفاعلی)
Ördürmek	‘بافتن (از طریق کسی دیگر)’	(سببی)
Örülmek	‘بافته شدن’	(مجهولی)
Örüşdirmek	‘واداشتن به کمک در بافتن’	(تفاعلی-سببی)

وجه وصفی و فعل جامد⁶⁹

وجه وصفی در زبان ترکمنی به سه گروه تقسیم میشود: حال، گذشته و آینده که در درون جمله میتوانند نقش فاعل، مفعول، را بر عهده بگیرند و به عنوان صفت یا اسم به کار روند. یعنی این گروههای وصفی میتوانند ویژگیهای اسم: پسوندهای حالت، جمع، ملکی را بگیرند و از قانون هماهنگی واکه ای تبعیت میکنند. در نهایت، در بعضی موقعیتهای وصفی ها میتوانند جایگزین بعضی زمانهای فعلی (به خصوص آینده) شوند. همه وصفی ها قابلیت تشکیل شبه بندها را دارا می باشند: یعنی میتوانند به عنوان معادل بندهای (جمله های) موصولی فارسی که مبتدا به ضمیر موصولی هستند،

⁶⁹ در اینجا عبارت «فعل جامد» به عنوان معادل کلمه فرانسوی Gerondif انتخاب شد که کلمه هم ارز انگلیسی آن Gerund می باشد. این کلمات در متون فارسی «اسم مصدر» ترجمه میشوند ولی به علت اینکه بعضی از ساختهایی که تحت شمول Gerondif در این کتاب بحث میشود فاقد ویژگیهای اسمی است؛ مثلاً برای فعلهای قیدی منتهی به -ip/-yp، ترجمه «اسم مصدر» نامناسب به نظر می رسد. (مترجم).

به کار روند؛ چون ضمیر موصولی در زبان ترکمنی وجود ندارد، وصفی های ترکمنی میتوانند با سایر وجوه فعلی ترکیب شوند.

۱- وصفی حال

وصفی حال، معرف عامل یک عمل که واقع در حال یا گذشته است می باشد. در اکثر موارد وصفی حال را میتوان به زبان فارسی با یک بند مقید دارای موصولی «که» ترجمه کرد. صورتهای زیر به ریشه های فعلی می چسبند:

مثبت	-ýan/-ýän
منفی	-maýan/-meýän

مثال:

Gelýän adam 'فردی که می آید'.

Maňa Aşgabat şäherinde **ýaşayan** tanyşymyň adresi gerek.

'آدرس آن آشنایم را که در عشق آباد زندگی میکند میخواهم.'

نکات:

- ریشه فعلی منتهی به t- به صورت d- کامی میشود. مثال:

Aýtmak 'گفتن' → **ayıdýan** 'کسی که میگوید.'

موارد کاربرد وصفی حال:

(a) در معنای اسنادی. مثال:

Diýän zadyň näme? 'این چیست که میگویی؟'

(b) به عنوان اسم. مثال:

Käbirleri söýýär, **söymeýänler** hem bar.

'بعضی ها دوست دارند، عده ای هم وجود دارند که دوست ندارند.'

(c) وجه وصفی اگر با پسوند -ça/-çä- و شناسه های شخص همراه شود، مبین بند مقید «زمان»

در زبان فارسی که با «تا زمانیکه» شروع می شود، است. مثال:

Sen **gelyänçäň** garaşaryn. 'تا زمانی که توییایی منتظر می مانم.'

۲- وصفی گذشته

دو گونه وجه وصفی گذشته وجود دارد:

وجه وصفی گذشته نامعین:

صورتهای زیر به ریشه های فعلی می چسبند:

مثبت	-an/-en
------	---------

منفی	-man/-män
------	-----------

مثال:

Meniň ýazan kitabym.. 'کتابی که نوشته ام.'

Pagta ýygмага giden okuçylar mekdebe gaýdyp geldiler.

'دانش آموزانی که برای پنبه چینی رفته بودند به مدرسه باز گشتند.'

نکات:

- در ریشه های فعلی منتهی به واکه ، واکه انتهایی کشیده می شود و در صورتیکه این واکه انتهایی - e باشد به -ä- تغییر پیدا می کند.

Işlän oğlan (< işlemek) 'پسری که کار کرده'

Okan gyz [تلفظ : oka:n gyz] 'دختری که درس خوانده'

- وصفی گذشته می تواند پسوند جمع ، شخص و یا حالت بپذیرد. مثال:

Oturanlar gülüşdiler. 'آنهايي که نشسته بودند خندیدند'

Durmuşda isläniniz boldy. 'در زندگی هر آنچه که اراده کردید محقق شد'

Näçe ýöränini bilmeýär. 'نمی داند چقدر راه رفته است. (اینکه چقدر راه رفته ،نمیداند)'

وجه وصفی نامعین را برای بیان عمل واقع در گذشته نامشخص و یا عملی که در زمان حال امتداد دارد (حال استمراری) به کار می رود. وصفی گذشته نامعین ، فعالترین وجه وصفی گذشته است. موارد کاربرد وجه وصفی گذشته نامعین:

(a) در معنی اسنادی یا قیدی

Biziň öýde bolanymyzda geldi. 'او هنگامی که ما در خانه بودیم آمد.'

(b) به عنوان اسم

Bizi gören ýok. 'کسی ما را ندید.'

(c) در بندهای مقید قید زمان

Biz gidenimizden soň geldi. 'بعد از آنکه ما رفتیم آمد.'

بند قیدی زمان که با üçün شروع می شود ، از وجه گذشته نامعین استفاده می کند:

Men by gazeti okanym için , onuň mazmunyny saňa gürrüň edipbilerin.

'چون من این روزنامه را خواندم ، می توانم محتوای آن را برایت تعریف کنم.'

(d) وصفی گذشته نامعین ، با پسوند حالتی جایگاهی (و گاهاً پسوند سوم شخص) مترادف «هنگامی که» فارسی است.

این وجه وصفی اگر پسوند حالت ازی بگیرد و بعد از آن پس-اضافه soň بیاید به معنی «بعد از آنکه...» است.

’هنگامی که اراز گرفت...‘ (alanynda) یا Oraz alanda...

’هنگامی که گوزل آمد...‘ (geleninde) یا Gözel gelende ...

’او بعد از اینکه گرفت...‘ (alanyndan) یا Ol alandan soň...

’او بعد از آنکه آمد...‘ (geleninden) یا Ol geleden soň...

(e) وجه وصفی گذشته نامعین هنگامی که ادات ja/-je- و قید زمان badyna «به محض» را بگیرد

مبین بند قید زمان است که در فارسی با «به محض اینکه» شروع می شود. مثال:

’به محض اینکه آمدیم...‘ Gelenje badymyza...

’به محض اینکه گرفتید...‘ Alanja badyňyza...

وجه وصفی گذشته معین:

این وصفی برای تعیین (معرفه کردن) گذشته به کار می رود.

صورت‌های زیر به ریشه های فعلی می چسبند:

مثبت	-dik/-duk (-dük/-dyk)
منفی	-madyk (medik)

’مزد آن گرفت که کار کرد. (کسی که کار نکرده غذایی برایش نیست).‘ İşlemedik dişlemez.

نکات:

- صورت مثبت به ندرت به کار برده می شود ، چون به صورت عموم مورد پذیرش نمی باشد. در

اتصال پسوندها ، k- انتهایی به صورت g- کامی می شود.

’شنیدم که نیامده ای‘ Gelmedigiňi eşitdim.

- بر عکس ، صورت منفی به فراوانی به کار می رود:

’دیدم که توقف نکرد. (عدم توقف اش را دیدم).‘ Durmadygyny gördüm.

کاربردهای وجه وصفی گذشته معین:

الف) در معنای اسنادی:

مثال:

’کاری که دیده نشده است.‘ Görülmedik iş.

ب) به عنوان اسم:

’هر که کار نکند نمی خورد. (چیزی گیرش نمی آید).‘ İşlemedik dişlemez.

پ) به همراه ادات -ça/-çe- معنی «هر چه... بیشتر» میدهد.

’هر چه می نشینی، دلت میخواهد بیشتر بنشینی.‘ Oturdukça oturasyň gelyär.

’هر چه بیشتر میبینم، بیشتر دلم میخواهد بینم.‘ Gördükçe göresim gelyär.

’هر چه بیشتر می آییم...‘ Geldigimizçe ...

ت) با فعل bolmak «شدن» در سوم شخص مفرد امری، به معنی دیکته کردن عملی و یا آرزو کردن است.

Gitdigiň bolsun. 'رفتی که برنگردی(آمرانه)'

Sowuldygy bolsun. 'امیدوارم که دیگر برنگردد.(یک امر ناخوش آیند)'

ث) وجه وصفی را میتوان با افعال کمکی به کار برد:

Onuň kakasy pahyr ölmedik bolsa , mirap saýlasaň gelişmän durmazdy.

وجه وصفی منتهی به -miş:

این صورت وصفی در زبان ترکمنی کمتر از آنچه که در سایر زبانهای ترکی، همانند آذری و یا ترکی استانبولی رایج است به کار برده می شود. این صورت در قرنهای هفدهم و هجدهم در حکایت‌های منظوم استفاده می شده است ولی در زبان معاصر کاملاً غیر فعال است.

geçmiş edebiyatymyz 'ادبیات گذشته ما'

۳- وجه وصفی آینده

وجوه وصفی آینده نشان دهنده عامل یک عمل واقع در حال یا گذشته هستند. این وجوه معنای احتمال و یا امکان را بیان می دارند.

وجه وصفی آینده ای که بر آینده ساده ساخته می شود.

صورت‌های زیر به ریشه های فعلی می چسبند:

-jak/-jek	مثبت
-majak/-mejek	منفی

مثال:

Aljak adam 'کسی که خواهد گرفت'

Türkmen dilini bilmejek okuwçy ýok.

'دانش آموزی وجود ندارد (وجود نخواهد داشت) که زبان ترکمنی نداند.

نکات:

در حالت منفی، در زبان عامیانه صورت -jak дәl را می شنویم که بر مبنای منفی سازی آینده ساده ساخته می شود.

Geljek дәl adam. 'کسی که نخواهد آمد.'

موارد کاربرد وصفی آینده:

الف) برای عمل حال یا آینده:

Aljak adam 'کسی که می گیرد (خواهد گرفت)'

که نباید آن را با adam aljak اشتباه کرد که به معنی «کسی خواهد گرفت» است.

(ب) در اسناد

Onuň alnajak galasy barmy? 'آیا قلعه ای وجود دارد که او (نتواند) فتح کند؟'

(پ) به عنوان اسم

Meniň o ýere barjagymy sen nä bilýeň?

'تو از کجا می دانی که من آنجا خواهم رفت؟'

(ت) با افزودن وجه وصفی حال فعل کمکی bolmak به وجه وصفی آینده می توان آن را مورد تأکید قرار داد.

Geljek bolýan adamlar. 'آدمهایی که می خواهند بیایند.'

وصفی آینده ای که بر آینده نامعین ساخته میشود.

صورت‌های زیر به ریشه های فعلی می چسبند:

-ar/-er	مثبت
-maz/-mez	منفی

مثال :

Tükenmez dert. 'درد تمام نشدنی'

نکات :

- فعلی که ریشه اش به e- ختم یافته باشد ، در وصفی آینده ، این واکه را به ä- تبدیل می کند.

Işlar adam. 'کسی که کار خواهد کرد.(کسی که کار می کند)'

- موارد کاربرد وصفی آینده ای که بر aoriste ساخته می شود:

(الف) برای عملی نامعین در زمانی نامشخص

Men eder zatlarým barada elmydama pikir edýärim.

'من همیشه درباره کارهایی که باید انجام دهم ، فکر می کنم.'

(ب) به عنوان اسناد

Görer göze bu bir onçakly uly zadam dälđi.

'برای یک چشم بینا ، این یک امر خیلی شاقی نبود.'

(پ) به عنوان اسم

Maňa gidere wagt boldy. 'برای من زمان رفتن ، فرا رسید.'

(ت) با حالت به ای ، وصفی آینده -ar/-er- مبین امکان موفقیت در عمل است. نفی از طریق اذات ýok بیان می گردد.

Gidere yerim 'جایی که بتوانم بروم.'

Alara zadyň 'چیزی که بتوانی بگیری.'

Oturara ýagdaýym ýok 'امکان نشستن ام وجود ندارد.'

ث) وصفی آینده ، اگر پسوند -lik/-lyk ، پسوندهای شخصی و ادات bar و yok را بگیرد ، مبین وضعیت یک عمل است.

Gönerligi bar 'دیدن دارد.'

Giderligimiz yok. 'امکان رفتنمان وجود ندارد.'

ج) عبارت فرانسوی «avoir de quoi+infinitive» از طریق فرمولهای زیر بیان میگردد:

-ar/-er+ça/çe+bar یا -maz/-mez+ca/ce+däl

ayıdarça bar 'در خور گفتن است'

ayıtmazça däl 'نمی توان نگفت'

gülerçe bar 'در خور خندیدن است'

gülmezçe däl 'نمی توان نخندید'

در گویشهای salyr و saryk فقط یک صورت وصفی ، به شکل -an/-en وجود دارد که برای همه زمانها به کار می رود. تنها بافت کلام زمان آن را مشخص می کند.

مثال :

Ertir gelen adam 'کسی که فردا خواهد آمد'

Düyn gelen adam 'کسی که دیروز آمد'

فعل جامد

مبین عملی فرعی است که همزمان یا قبل از عمل اصلی در درون یک بند وابسته مبین زمان، هدف، علت، روش و یا شرط جاری است. فاعل این بند الزاماً با فاعل بند اصلی که به آن وابسته است، مشترک است. مثال :

Myrat gapyny açyp çykdy. 'مراد در را باز کرد و بیرون رفت.'

صورت‌های زیر به ریشه‌های فعلی می چسبند :

مثبت	-ip/-up/-üp/-yp/-ip
منفی	-man/-män/-mazdan/-mezdan

مثال :

Alyp 'گرفته'

Görup 'دیده'

Gurup 'ساخته'

Okap 'خوانده'

نکات :

هیچ محدودیتی از لحاظ تعداد بندهای مقید دارای فعل جامد در درون یک جمله وجود ندارد.

Ol bakyp , görüp , diňlap , eşidip gitdi.

’او نگاه کرد، دید، گوش کرد، شنید و رفت.’

–ریشه فعلی منتهی به -e در جامد، این واژه را به صورت -ä- کشیده می کند.

Işlemek → işläp

–سؤال: مثال:

my/mi + فعل جامد

Alypmy – almanmy? ‘گرفته یا نگرفته؟’

موارد کاربرد فعل جامد:

الف- در یک بند مقید

Mugallym meniň ýazuw işimi barlap , dörtlük baha goýdy.

’معلم، ورقه امتحانی مرا بررسی کرد، نمره چهار به آن داد.’

ب- با افعال موقعیتی همچون durmak , oturmak , ýatmak , ýörmek ، در حال ملموس

مبین جاری بودن عمل است. مثال:

Ol işläp otyr. ‘او دارد کار می کند.’

پ- کاربرد فعل جامد به خصوص با افعال حرکتی همچون barmak , gelmek ، gitmek و غیره

یا başlamak زیاد است.

Ol münüp geldi. ‘او سواره آمد.’

Çagalar gar adamsyny ýasap başladylar. ‘بچه ها شروع به ساخت آدم برفی کردند.’

ت- با فعل bilmek ، مبین امکان تحقق یک عمل است.

Siz türkmençe gepläp bilýäňizmi? ‘آیا شما می توانید ترکمنی صحبت کنید؟’

ث- برای بیان یک عمل اصلی که با افزوده شدن یک فعل کمکی به آن ، نقش یک بند وابسته روش

یا زمان را می گیرد. مثال:

Okuw ýyly tamamlanyp gelýär. ‘سال تحصیلی دارد تمام می شود.’

ج- صورت جامد فعل bolup ، bolmak می باشد و به معنی «به عنوان» است.

Meniň enem dükanda satyjy bolup işleýär.

’مادر من در مغازه به عنوان فروشنده کار میکند.’

چ- فعل جامد می تواند پسوندهای دیگری را نیز بگیرد که تا حدودی معنای آن را تغییر می دهند.

– پسوند -jik/-jyk: با معنای تصغیر ، در زبان دوستانه:

houlukmanrak geple! ‘بدون عجله حرف بزن’

ح- همه موارد کاربرد فعل جامد را می توان با یک مثال خلاصه کرد:

Ýalkap bolsa ýerinden turup, hoşlaşyp, çykyp gitdi.

‘یالخاب ، از جایش بلند شده ، خداحافظی کرده رفت.’

فعل جامد اراده

این صورت جامد فعلی مبین اراده یا نیت یک فرد برای انجام یک عمل است.

Men ýazmakçy. ‘من می خواهم بنویسم.’

نفی : -makçy/-mekçi + däl

Men ýazmakçy däl. ‘من قصد نوشتن ندارم.’

نکات :

- این صورت جامد فعلی را می توان با وجوه دیگر فعل یا افعال کمکی خاص ترکیب کرد. در این

صورت ، پایانه های شخص می پذیرد :

الف) با گذشتن استمراری . مثال :

Men gelmekçidim. ‘من می خواستم بیایم.’

ب) با فعل کمکی bolmak ، مبین اراده محض است :

Mary köçelerine aýlanmakçy boldak.

‘اراده کردیم که در خیابانهای ماری (مرو) بگردیم’

صورت‌های دیگر فعل جامد : منتهی به -e/-a/-ýe/-ý-

این صورت مبین همزمان بودن یک عمل با فعل اصلی جمله است. غالباً فعل این صورت مکرر است.

Yörte-yörte ýdadym. ‘اینقدر دویدم تا خسته شدم.’

Güle-güle gitdim. ‘خنده کنان رفتم.’

نکات :

الف) افعال منتهی به واکه ، صورت جامد خود را به -ý- ختم می کنند.

Soraý-soraý gitdim. ‘سؤال کنان رفتم.’

ب) در ترکیب با بعضی افعال یا افعال کمکی همچون bermek ، bilmek ، یا görmek ، نوعی

متمم فعل بدست می آوریم. فعل کمکی با فعل ترکیب می شود :^{۷۰}

۱- با فعل bilmek به معنی «از عهده انجام چیزی بر آمدن» است. مثال :

Okabilýär. ‘می تواند بخواند.’

صورت منفی به شکل فعل جامد منتهی به -ip- و منفی bilmek بیان می گردد:

⁷⁰ افعال دو هجایی منتهی به -I- یا y که هجای اول آنها دارای یک واکه لی است I و y را به u و ä تبدیل می کنند. از لحاظ املائی ممکن است

بجای a ، به y و بجای e به یک I بر بخوریم. مثال :

(حال عادت‌ی منفی) ol okap bilmeýär یا ol okap bilenok

۱- با فعل bermek به معنی مختار بودن است.

Okaberiň! 'می‌توانید بخوانید! به خواندن ادامه دهید.'

۲- با فعل görmek به معنی «خواهش» است.

Şuňa bakagörüň! 'خواهش می‌کنم نگاهی به این بیندازید!'

۳- صورت خاصی وجود دارد که از فعل almak «گرفتن» به علاوه تعدادی افعال کمکی ساخته می‌شود:

Alyp + bermek → äbermek 'گرفتن و به کسی دادن'

Alyp + gelmek → äkelmek 'آوردن (گرفته آمدن)'

Alyp + gitmek → äkitmek 'بردن (گرفته رفتن)'

فعل تمنا

صورت‌های مختلفی برای فعل تمنا وجود دارد که تقریباً همگی دارای معنی مشابه آرزو و یا قصد می‌باشند. پایانه‌های فعل تمنا عبارتند از:

	واکه‌های پیشین	واکه‌های پسین
Men	-äýedim	-aýadym
Sen	-äýediň	-aýadyň
Ol	-äýedi	-aýady
Biz	-äýedik	-aýadyk
siz	-äýediňiz	-aýadyňyz
olar	-äýediler	-aýadylar

مثال:

Ýazýadym 'کاش بنویسم'

منفی: پایانه‌ها + ادات -ma/-me

Ýazmaýadym 'کاش ننویسم'

Belki bu ýyl bol-elinlik bolaýady. 'خدا کند امسال سال پرباری باشد.'

Geläýedi 'کاش بیاید.'

صورت دوم فعل تمنا عبارت است از:

مثبت	-a/-e
منفی	-ma/-me

مثال:

Ogul ýaşy uzyn bola! 'عمر پسر دراز باد!'

صورت سوم فعل تمنا عبارت است از: ^{۷۱}

مثبت	-gaý/-geý
منفی	-magaý/-megeý

مثال :

Bir saňa bolgaý hemme jahan sadaga! 'همه عالم فدای تو باد!'

تذکر :

این صورت آخری قدیمی است و تنها در بعضی عبارات وجود دارد. می توان ادات آرزویی kăşkă یا kăški را به آن اضافه کرد. مثال :

Heý hudaýa , men enden bolmagaýdym kăški!

'خدایا کاش من از مادر زاده نمی شدم'

⁷¹ طبیعتاً برای این صورت فعل تمنایی می توان شناسه های شخص و صورتهای گذشته استمراری را اضافه کرد.

پس-اضافه ها

در جایی که زبان فارسی از حروف اضافه ای مثل «با»، «برای» و غیره استفاده میکند، زبان ترکمنی پس-اضافه ها را به کار میگیرد. در زبان ترکمنی همانند سایر زبانهای ترکی، پس-اضافه ها یا ساده یا مرکب هستند که از یک ریشه اسمی ساخته شده اند. به پس-اضافه ای ساده گفته میشود که از یک عنصر نامتغیر و غیر قابل تجزیه همچون *üçin* یا *bilen* ساخته شده باشد. به پس-اضافه ای مرکب گفته میشود که از یک عنصر ساده به علاوه یک یا چند پایانه ساخته شده باشد مثل *tarapyndan* یا *barasyndan*⁷². پس-اضافه ها بر حالت حاکمیت دارند یعنی در تصریف، اسم یا فعلی را که با آن همراهی میکنند حالت میبخشند.

۱- پس-اضافه های حاکم بر حالت نامی

پس-اضافه هایی که بر حالت نامی حاکم اند عبارتند از:

Arkaly	بوسیله ، از طرف
Barada	درباره
Barasynda	درباره
Bilen	با
Boýunça	براساس
Boýy	در طول
Çemeli	حدود
Çemeleri	در حدود
Dek	مثل
Deý	مثل
Deýin	مثل
Hakda	درباره
Hakynda	درباره
hökmunde	به عنوان

Jähtli	از جهت
Kimin	مثل
Mynasybetli	به مناسبت
Möçberli	در حدود
Saýy	
Saýyn	
Sebäpli	به سبب
Tarapyn	به طرف
Tarapyndan	از طرف
Taýdan	از بابت
Tetelli	از نوع
Töweregi	در حدود
Üçin	برای ، به خاطر
Ýaly	مثل
zerarly	به خاطر

نکات : مثال :

Türkmen hökümeti arkaly 'از طرف دولت ترکمنستان'

Sen türkmenistan barada näme ýene näme bilýärsiň?

⁷² تشکیل شده از tarap به علاوه پایانه ملکی سوم شخص یعنی *ý* به علاوه حرف ربط *n*- به علاوه پایانه ازی *-dan*.

‘تو درباره دولت ترکمنستان ، دیگر چه می دانی؟’

در مورد اول و دوم شخص ، این پس-اضافه ها می توانند پایانه های شخصی بگیرند. مثال :

‘درباره تو’ Seniň hakyňda

:Bilen

‘با جرن’ Jeren bilen

الف) هنگامی که به دنبال این پس-اضافه کلمات bil ، birlikde به معنی «به همراه» بیاید رابطه بین اسمهای متصل به هم از طریق bilen ، مورد تأکید قرار می گیرد.

‘ما با همراهی تیمور می رویم.’ Biz timur bilen bile gitjek

ب) اگر بعد از آن کلمه üst به معنی «روی» بیاید به معنی «از طریق» است.

‘از طریق پدر او’ Onuň kakasynyň üsti bilen

پ) به همراهی کلمات maksat «هدف» و niyet «نیت» ، bilen به معنی «با هدف» ، «به منظور» است.

‘با هدف گرفتن’ Almak niýet bilen

ت) bilen را برای بیان تبریک نیز به کار می برند :

‘عید اول ماه مه را تبریک می گویم.’ Maý baýram bilen gutleýan

:Boýy

Butin ýol boýy pikir deryasyna gark boldy.

‘در تمام طول راه غرق فکر کردن شد.’

:Boýunça

Kanun boýunça , ýurt daşaryna bir haly bilen gidip bolanok.

‘براساس قانون ، با قالی نمی توان از کشور خارج شد.’

:Çemeli/çemeleri

On sekiz on dokuz yaşlar çemeli gyz geldi.

‘دختری حدود هیجده نوزده ساله آمد.’

Olar ýarym sagat çemeleri giç geldiler. ‘آنها حدود نیم ساعت دیر آمدند.’

:Dek/deý/deýin/kibi/kimin/tek

این پس-اضافه ها هم معنی ýaly هستند. در عین حال ، صورتهای kibi ، tek و deýin قدیمی محسوب می شوند.

Gurşun deý erider kap dek daglary.⁷³

‘همانند سرب میتواند ذوب کند ، کوههای همانند قاف را.’

:Hökmünde

men sen bilen dostuň hökmünde gepleşýärim.

’من به عنوان دوست دارم با تو صحبت می کنم.’

:Möçberli

Ol sagat alty möçberli gitdi. ‘او حدود ساعت شش رفت.’

:Mynasybetly

Bular armanyň rugsada çykmagy mynasybetly bu ýere ýygnandylar.

’اینها به مناسبت باز نشستگی آرمان اینجا جمع شده اند.’

:Saýyn/-saýy

Halkyň maddy durmuşy guňsaýyn gowulanýar.

’زندگی مادی مردم روز به روز بهتر می شود.’

:Tarapyn/tarapyndan

Onuň okuwa bolan höwesi hem diňe kakasy tarapyndan goldanýardy.

’علاقه او به درس فقط از طرف پدرش مورد حمایت قرار می گرفت.’

:Taýdan

Men pul taýdan ýagdaýym ýok. ‘من از لحاظ پولی ، وضعیت خوبی ندارم.’

:Tetelli

این پسوند امروزه کاربرد چندانی ندارد و به جای آن بیشتر ýaly به کار برده می شود.

bu tetelli zady gördüňizmi? ‘چیزی مثل این ندیدید؟’

:töweregi

Sagat üç töweregi boldy. ‘ساعت حدود ۳ شده است.’

:Üçin

در اکثر موارد معادل فارسی «برای» یا için ترکی است. مبین مقصد یا هدف است.

Babaly üçin atlanypdyr. ‘او به Babaly عزیمت کرده است.’

Ilki bada köçüligi bir az taýynlamak üçin... ‘اول برای آماده ساختن مردم...’

Seniň bilen tanyşmak üçin... ‘برای آشنایی با تو...’

Men bu gazetini okanym üçin , onuň mazmunyny saňa aýdyp bilerin.

’من چون این روزنامه را خوانده ام ، می توانم محتوای آن را برایت تعریف کنم.’

:Ýaly

Iki oglan ýaly. ‘همانند دو پسر’

Şunuň ýaly ýene-de bir iş bar. ‘باز هم کاری مشابه این هست.’

برای تخمین نیز به کار می رود :

Her ýyl diýen ýaly iki-üç gün sowuk bolýar.

‘تقریباً هر سال دو سه روز سرد می شود.’

۲- پس-اضافه های حاکم بر حالت به ای (ح. مفعول با واسطه) :

پس-اضافه هایی که بر حالت به ای حاکمیت دارند عبارتند از :

Baka	به سوی	Garşy	بر عکس
Bakan	به سوی	Golaý	تقریباً برابر با
Bakman	بدون در نظر گرفتن	Görä	نسبت به
Çen	تا به	Laýyklykda	بر اساس ، مطابق با
Deň	برابر	Seredeňde	مرتبط با
Deňiç	برابر	Seretmezden	نا مرتبط با
Garaman	بدون ملاحظه ای	Tarap	به سوی
Garamazdan	علیرغم	Ýakyn	نزدیک به
garaňda	در مقایسه با		

مثال :

:Baka/bakan

مشتق از فعل bakmak «نگاه کردن» است.

Aşgabada bakan gönderdi. ‘به سمت عشق آباد فرستاد.’

:Bakman/bakmazdan

Ol howanyň garalygyna bakman ýola düşdi.

‘او علیرغم خراب بودن هوا ، به راه افتاد.’

:Çen

Haçan çen? ‘تا کی؟’

:deň

Amgust aýyna deň. ‘تا ماه اوت’

:Deňiç

این پسوند مترادف çenli است.

Enäň häzire deňiç türkmençe geplemeýar.

‘مادرت هنوز هم ترکمنی صحبت نمی کند.’

:Garaman/garamazdan

Maralyň bardygyna garaman , ýalan sözledi.

’او عليرغم حضور مارال ، دروغ گفت.’

: Garaňda

Töweregiň gözel görnüşi öňkä garaňda ep-esli gözelleşdi.

’منظره زیبای اطراف در مقایسه با گذشته زیباتر شد.’

: Garşy

maňa garşy çäre görüp bilmediler. ’نتوانستند تصمیمی علیه من بگیرند.’

: golaý

Serdar bir sagada golaý sözleýärdi.

’سردار نزدیک یک ساعت بود که صحبت می کرد.’

: Görä

Men olara görä ýola belediräk. ’من نسبت به آنها به راه آشناترم.’

Meniň düşüňşime görä... ’آنطور که من می فهمم...’

: Laýyklykda

Şol karara laýyklykda ... ’بر اساس آن تصمیم ...’

: Seredeňde

Men bu salgyt öňki öý sagytlrryna seredeňde iki esse üç esse agyr diyip aýdan ahyry.⁷⁴

’آخه من گفتم که این مالیات در مقایسه با مالیات های قبلی خانه دو تا سه برابر زیادتر است.’

: Seretmezden

Jennetiň jüýk-jüýgüne seretmezden, ol gitdi.

’او بدون توجه به نق زدنهای جنت رفت.’

: Tarap

Ol kepbesine tarap ugrady. ’او به طرف کلبه اش به راه افتاد.’

: Ýakyn

Agşama ýakyn syrkawyň ýagdaýy erbetleşdi.

’نزدیکیهای شب، حال مریض خرابتر شد.’

۳- پس-اضافه های حاکم بر حالت ازی

پس-اضافه های حاکم بر حالت ازی عبارتند از:

Aňryk	به بعد
Artyk	بیشتر

Öňinçä	اول
Ötri	از بابت

Başga	غیر از
Beter	بیشتر
Beýläk/şeýläk	بعد از
Daşary	خارج، غیر از
Gaýry	غیر از
Öň	اول، قبل از

Özge	غیر از
Owal/ozal	اول
Soň/soňra	بعد
Ýaña	از فرط، از شدت
Zyýada	بیش از
Zyýat	بیش از

مثالها:

: Aňryk

Ertirden aňryk her gün şu ýerde ýygnaşmagy wadalaşdyk.

‘قرار گذاشتیم که از فردا به بعد هر روز در اینجا دور هم جمع شویم.’

: Artyk/beter/zyýat/zyýada

Sen meni mundan artyk duzlama! ‘بیشتر از این نمک به زخمم نپاش!’

Mundan zyýat aýtsam ... ‘اگر بیشتر از این بگویم ...’

: Başga

Karakulden başga , hiç kim ýok. ‘غیر از karakul کسی نیست.’

Senden başga ‘غیر از تو’

: Beýläk/şeýläk

Şondan beýläk gapyny kakyp başlady. ‘بعد از آن شروع به در زدن کرد.’

: Daşary

Aýyn planyndan daşary. ‘خارج از برنامه ماهیانه.’

: Gaýry

‘همانند başga به کار می رود.’

: Owal/ozal

patyşanyň ýanyna barmazdan owal , garawullardan geçmek gerek.

‘قبل از رسیدن به پیش پادشاه ، لازم است از نگهبانان بگذریم.’

: Öň/öňinçä

Ekin nowruzdan öň (öňinçä) ekilip gutarylypdy.

‘گندم قبل از نوروز کشت شده بود.’

: Ötri

مورد استفاده این پس-اضافه کمتر از ýaña است و بیشتر در مطبوعات و مدارک رسمی مشاهده

میشود.

Şondan ötri , biz siziň bilen gitjek. 'به همان خاطر ما با شما می آییم.'

: Özga

مثل baöga و gaýry به کار برده می شود.

: Soň/soňra

Sagat iki soň gitdi. 'بعد از ساعت ۲ رفت.'

Menden soňra 'بعد از من'

: Yaňa

Bagtsyzlykdan ýaňa, bir agyz-da gepläpbilmedi.

'از فرط بدبختی ، نتوانست چیزی بگوید.'

۴- اسمهای دارای پایانه که به عنوان پس-اضافه عمل می کنند.

علاوه بر پس-اضافه های نامتغیر ، زبان ترکمنی می تواند اسمهای دارای پایانه را به کار گیرد که با پسوندهای شخصی می توانند به عنوان پس-اضافه عمل نمایند. این اسامی دارای پایانه اساساً برای تعیین وضعیت مکانی به کار می روند. بر اساس نوع حرکت مطرح در جمله ، منشأ ، مکان ایستایی یا مقصد ، زبان ترکمنی از حالت به ای ، جایگاهی یا ازی استفاده می کند.

Men agajyň aşagyna barýaryn. 'ح.به ای) من به زیر درخت می روم.'

Men agajyň aşagynda otyryn. 'ح.جایگاهی) من (در) زیر درخت نشسته ام.'

Men agajyň aşagyndan gitýarin. 'ح.ازی) من از زیر درخت می روم.'

این اسم های عمل کننده به عنوان پس-اضافه عمدتاً ضعیف ترند از :

Agyz (پیش ، نزدیکی)

Düýn wepa meniň öýümiň agzyndan geçip barýardy.

'دیروز wepa از نزدیکی خانه من داشت رد می شد.'

alkym (نزدیک)

Men uniwersitetiň alkymynda duryn. 'من در نزدیکی دانشگاه ایستاده ام.'

Aňry (آنسو)

Olşäheriň aňrysynda işleýär 'او در آنسوی شهر کار می کند.'

Ara (میان، وسط)

uzyn ösen agaçlaryň arasynda, agaçdan edilen jaýjagazlar göründi.

'در میان درختان بلند، خانه های کوچک چوبی ظاهر شد.'

Arka (به لطف، به واسطه)

seniň arkaňdan biziňem adymyz tutulýar. 'به واسطه تو، اسمی از ما هم برده می شود.'

aýak (حوالی)

mary aýagynda gök meýdanlar bar. 'در حوالی میدانهای سرسبز وجود دارد.'
baş (بالای)

Dagyň başynda 'در بالای کوه'
Boý (طول)

Aşgabat köçeleriniň boýunda agaçlar we güller bar.
'در طول خیابانهای عشق آباد درختان و گلها وجود دارد.'
Daş (دور، اطراف)

bütün maşgala onuň daşyna ýygandy. 'همه اعضای خانواده دور او جمع شدند.'
depe (بالا)

Howa ýagtylanyberende, şäheriň depesinde gümmurdi başlandy.
'وقتی هوا رو به روشنایی گذاشت، در بالای شهر رعد و برق شروع شد.'
Düýp (عمق، پایین)

Kaspy deňiziň düýbünde nebit bar. 'در زیر دریای خزر نفت وجود دارد.'
Ýeňse (پشت)

Ol zawodyň ýeňsesinde ýaşaýar. 'او در پشت کارخانه زندگی می کند.'
Etek (پایین)

biziň öýümüz obanyň eteginde ýerleşýär. 'خانه ما در پایین روستا واقع است.'
garşy (مقابل)

Ol penjeräniň garşysyna bardy. 'او به مقابل پنجره رفت.'
Iç (درون)

Çagalary öýüň içinde oturdy. 'بچه ها را داخل خانه نشاند.'
Öň (جلو)

Ol stowňöňüne geldi. 'او جلوی میز آمد.'
Ugury (مسیر)

Biziň ugrumyzda 'در مسیر ما'
Yz (دنبال، پشت)

Biriniň zyznda durmak. 'پشت کسی ایستادن'
Ýan (پهلوی)

Biz siziň ýanyňyza geldik. 'ما پیش شما آمدیم.'

ادات

ادات عناصری دستوری هستند که با افزوده شدن به یک کلمه، یک گروه اسمی یا فعلی، حتی به پیشوند، تفاوتی جزئی در معنای آن پدید می آورند. اادات را نمی توان عنصری خود ایستا همانند فعل یا اسم دانست زیرا این عناصر فاقد معنای مستقلی هستند و هرگز مبین کیفیت یا کمیتی نیستند. کلمات، یا گروهی از کلمات با گرفتن اادات معنای اولیه شان دچار تغییر شده و معنای جدیدی پیدا می کنند که می تواند سؤالی، تقابل، امری، تأکیدی، قید و غیره باشند.

۱- اادات سؤالی

در زبان ترکمنی سؤال به وسیله نظامی از اادات بیان می شود که به فعل می چسبند. اادات سؤالی عبارتند از : -kä/-ka/-mi/-my این عناصر فاقد تکیه هستند. اینها تکیه را بر روی هجای قبل منتقل میکنند و از قانون هماهنگی واکه ای تبعیت می کنند:

Çaryýar däl? آیا چاریار نیست؟

Basym gelesiňizmi? آیا زود می آید؟

Ol öýdemikä? آیا ممکن است او خانه باشد؟

۲- اادات ترکیبی

-a/-ä/-e

مبین سؤال، تأسف، تمسخر، آرزو و یا ترحم باشد.

Ertir kiçi bazardyr-a? فردا روز بازار کوچک است. نیست؟

Sen, meniň bäs hatymdan birine-de gaýtargy ýazmadyň-a?

تو به هیچ یک از پنج نامه ای که نوشتم جواب ندادی که؟

-aý/-eý

مبین شادی، تعجب یا سؤال است:

Şu kitaby iki günde gutarýypdyr!

او دو روزه خواندن این کتاب را تمام کرده است! (تعجب)

Ol kimkän-eý? او کی ممکن است باشد؟

:ad/äd

مبین سؤال است.

Şony almak meniň bilen-dä? گرفتن آن وظیفه منه؟

Diýmek, şu wagt saňa kömek berýän ýok-da?

یعنی الان کسی نیست به تو کمک کنه؟

: -la/le

برای بیان افسوس، سؤال، امر، تأکید، تصمیم یا تردید به کار می رود.

Bu gije ýaman gaçýarsyň-la,sebäbi näme?

‘امشب بدجوری فراری هستی، علتش چیه؟’

-ne:

مبین تعجب یا تحسین است.

Görk görmek,elbetde gowy zat ylaýta-da akyly ýerinde bolsa ne ýagşy.

‘زیبایی (دختر) خوب است، به خصوص اگر عاقل هم باشد.’

3- ادات وجود،عدم وجود و نفی: däl, ýok, bar

در زبان ترکمنی، همانند زبانهای ترکی و آذری صورت خاصی برای بیان وجود یا عدم وجود یک شیء، شخص یا یک اسم معنی وجود دارد: ادات bar مبین وجود و متضاد آن ادات koý است:

‘ای وجود ندارد خانه’ Bir öý ýok # ‘خانه ای وجود دارد’ Bir öý bar.

Kitap ahyrynda gysga parsça-türkmençe sözlük bar.

‘در انتهای کتاب یک فرهنگ لغت کوچک فارسی-ترکمنی هست.’

زبان ترکمنی فاقد فعل «داشتن» است و ادات فوق به جای این فعل ایفای نقش می کنند. این ادات میتوانند شناسه های زمان بگیرند.

‘کتاب دارم’ (Kitabym bar) تحت اللفظی

‘کتاب ندارم’ (Kitabym ýok) کتابم نیست: تحت اللفظی.

‘او قلم داشت’ Onuň galamy bardy.

در شروع قصه ها از عبارت bir bar eken, bir ýok eken استفاده می شود که به معنای «یکی بود، یکی نبود» است.

دیدیم که زبان ترکمنی برای منفی کردن فعل از میانوند -ma/-em استفاده می کند که به ریشه فعلی اضافه می شود به استثنای زمان آینده، وجه الزام و وجوه وصفی که در آنها ادات منفی ساز اسمی lād مورد استفاده قرار می گیرد.

‘آمان نیست.’ Aman däl.

‘ترک نیست، ترکمن است.’ Türk däl, türkmenidir.

‘کتاب روی میز نیست، روی پنجره است.’ Kitap stolda däl, penjerede.

‘امروز نه فردا.’ Bu gün däl, ertir.

Geplemek däl, aýdym aýtmak isleýär.

‘او نمی خواهد صحبت کند، می خواهد آواز بخواند.’

حروف ربط

زبانهای ترکی، در ابتدا، حرف ربط نداشته اند و در بافت کلام، مکث نقش ابهام زدایی را ایفا می کرده است. در صورت وجود موارد غلطانداز از قیدها استفاده می شد که ابهام را رفع می کرد.

امروزه، به خصوص در زبانهای ترکی و ترکمنی، در زبان عامیانه این شیوه رایج است که در آنها از طریق فعل جامد (منتهی به -ip) دو بند به هم مرتبط می شوند. حروف ربطی که امروزه دیده می شوند از زبانهای فارسی، عربی و اخیراً روسی وارد شده اند. در زبان ترکمنی معیار (رسمی)، حروف ربط نامتغیر هستند و به عنوان رابط بین اجزای مختلف کلام یا بندها ایفای نقش می کنند.

۱- حروف ربط همپایه

:Bilen

‘من و تو’ Men bilen sen

:-da/-de

‘چراغ خاموش شد و تاریکی شد.’ Çyra söndü-de gap garaňky boldy.

:yrd-/dir-

‘برادر و همسر آمان.’ Amanyň doganydyr aýaly.

:hem

Mirap nobat hem beýlekiler seslerini çykarmadylar.⁷⁵

‘نوبات میراب و دیگران صدایشان در نیامد.’

:u-

این یک گونه آوایی از حرف ربط we است و در ادبیات قدیم ترکمنی بیشتر مورد استفاده قرار میگیرد.

Yagşydanu ýamandan bir agyz sö diýmedi

‘او کلامی از خوبی و بدی بر زبان نیاورد.’

:we

Biz şähre gideris we restorana bararys.

‘ما به شهر می رویم و (سپس) به رستوران می رویم.’

هر چند که توسط دستور نویسان ترکمنی مورد پذیرش نیست ولی معمولاً در عشق آباد، تحت تأثیر زبان روسی، حرف ربط هم پایه -i (از روسی И) برای ربط دو بند مورد استفاده قرار می گیرد.

۲- حروف ربط تقابلی

حروف ربط تقابلی مانند «ولی»، «والا»، «اما» و... در زبان ترکمنی عبارتند از:

:Emma

‘من آمدم، اما تو نیامدی.’ men geldim, emma sen gelmediň.

:Gaýtam

‘او پیر نشده، بر عکس جوان شده است.’ Ol garramandyr, gaýtam ýigdelipdir.

⁷⁵ Körbabaýew, aýgytly ädim, t.s.e.ص۱۳۴

ondada

Gije has gijigipdi, onda-da biz ýola düşdük.

‘شب خیلی دیر وقت بود، با اینحال ما به راه افتادیم.’

:Weli/welin

Men bardym, weli sen ýokdyň. ‘من آمدم ولی تو نبودی.’

Weli با emma یا neýö ترکیب میشود و حرف ربطی جدید به دست میدهد.

Eje biz gitsek boljak welin, ýöne kakam näme diýerkä?

‘مامان ما میتوانیم برویم، ولی پدر چی ممکن است بگوید؟’

:ogsaý/ogsamý

Sen meniň elimden tutaýdyň, ýogsa men ýykylyjakdym.

‘خوب شد که دستم را گرفتی، والا می افتادم.’

۳-حروف انفصال

:ne...ne

Mundan öň ne men gelerdim ne ol. ‘قبل از این نه من می آمدم، نه او.’

:aý ,ad-aý

Magazine gitseň, ýa kitap, ýa galam, ýa-da ruçka alarsyň.

‘اگر به مغازه رفتی، یک کتاب، یا یک مداد، یا یک خودکار خواهی خرید.’

۴-حرف ربط وابستگی

حروف ربط وابستگی در زبان ترکمنی صرفاً معرف بندهای موصولی نیستند، بلکه معرف بندهای شرطی یا ظرف نیز هستند.

:Bardy-geldi

به معنی «احیاناً»، «اگر»، و مترادف eger است.

Bardy-geldi ýakyn ýerlerinden sowulga ýol tapylnasa, olar tä şeýle ýer gabat gelýänçä yzlaryna gitmeli.

‘اگر احیاناً در نزدیکیها راهی برای خروج از جاده پیدا نشود آنها مجبورند تا پیدا شدن چنین مکانی به عقب برگردند.’

:Çünki
چونکه

ol mekdebe gelmedi, çünki keselläpdi. ‘او به مدرسه نیامد، چون مریض شده بود.’

:diýip

ol oglan « bu nämekä » diýip, kellesini galdyrdy.

‘آن پسر برای دانستن اینکه این چه ممکن است باشد سرش را بلند کرد.’

(تحت اللفظی: آن پسر «این چیست» گویان، سرش را بلند کرد.)

Eger, eger-de

به معنی اگر و مبین یک شرط است. eger را در بندهای شرطی مشاهده می کنیم.

Bu adam, eger men ýañyşmaýan bolsam, annanyň dädesi.

‘این مرد، اگر اشتباه نکنم، پدر آنا است.’

Haçan: زمانی که

Haçan, içi gorlandan soň, öýlerine gaýdyp gelýardi.

‘زمانی که به شدت گرسنه می شد به خانه می آمد.’

Sebäbi

به معنی چونکه، تحت اللفظی به معنی «سبب اش» است و مترادف çünki است.

Kaka, meniň molla bolasyym gelenok, sebäbi okamak kyn.

‘بابا، من دوست ندارم ملا شوم، چون درس خواندن سخت است.’

فصل چهارم نحو

الف - ساختمان یک جمله (بند)

به غیر از چند استثنای نادر، دستور زبان ترکمنی حاوی این الزام است که هر کلمه ای که به عنوان وابسته کلمه ای دیگر با آن هم‌نشین می شود حتماً باید قبل از آن قرار گیرد.^{۷۶} مثلاً فاعل قبل از فعل، صفت قبل از موصوف، متمم اسم قبل از اسم، مفعول قبل از فعل، اسم دارای پس-اضافه^{۷۷} قبل از پس-اضافه، متمم فعل قبل از فعل، و قیدها و ظرف ها قبل از اسم یا فعلی که با آن می آیند.

دو نوع جمله وجود دارد:

- جملات مستقل یا ساده
- جملات وابسته یا ثانوی (همپایه، ناهمپایه)

۱- ساختمان یک جمله ساده

عنصر پایه ای یک جمله گزاره است.

گزاره می تواند با یا بدون فاعل وجود داشته باشد، هسته گزاره ممکن است یک فعل، یک اسم دارای یا بدون پایانه حالت، یک صفت، یک قید یا یک ضمیر باشد. مثال:

Gutlaýaryn 'فعل) تبریک می گویم.

Ýaşasyn garaşsyzlyk! 'فعل) زنده باد استقلال!

Suw akar⁷⁸ 'فعل) آب جاری خواهد شد.

Oraz mugallym 'اسم) اوراز معلم است.

⁷⁶ مطلبی که در زبانشناسی جدید هسته-انتهاهی (HEAD-LAST) نامیده می شود. (مترجم)

⁷⁷ POST-POSITION (مترجم)

⁷⁸ با akar suw به معنی «آب جاری» اشتباه نشود. نگاه کنید به صفات پسوندی.

Siz ýesirmi? (اسم) آیا شما اسیر هستید؟

Suw sowuk däl. (صفت) آب سرد نیست.

Bu kitabyň awtory men. (ضمیر) نویسنده این کتاب من هستم.

Men munda, sen onda. (قید) من اینجا، تو آنجایی.

جمله ساده می تواند به صورت اخباری، سؤالی، منفی، سؤالی-منفی یا عاطفی باشد. مثال:

Okuwçylar gitdiler. (اخباری) دانش آموزان رفتند.

Daýym gepleýär. (اخباری) دایمی ام صحبت می کند.

Bu maşynmi? (سؤالی) آیا این ماشین است؟

Senmi? (سؤالی) تویی؟

Geimedi. (منفی) نیامد.

Sen barmaýarsyňmy? (سؤالی-منفی) تو نمی روی؟

Olar kiçi däl. (منفی) آنها کوچک نیستند.

Sag boluň! (عاطفی) خیلی ممنون!

Hoş geldiňiz! (عاطفی) خوش آمدید!

۲- فاعل

فاعل ممکن است، اسم، فعل، صفت، صفت شمارشی، ضمیر، ضمیر فعلی، یک جمله کامل یا یک بند باشد. مثال:

Olar pionýerdiler. (آنها پیشکسوت بودند.)

Agaçlaryň ýapraklary saraldy. (برگهای درختان زرد شد.)

Oglaň-uşaklary, aýal-gyzlary hem gorkýardy. (بچه هایش و زن اش هم میترسیدند.)

Ganatym ýok, uçamok men neýläýin? (بال ندارم، نمیتوانم پرواز کنم، چه کار کنم؟)

Bolmaz (نمیشود (امکان ندارد))

Gök gürrüldedi. (آسمان غرید (رعد و برق شد).)

۳- گروه اسمی

مسند یک گروه اسمی میتواند یک اسم، یک اسم خاص، یک صفت، و یا یک کلمه ای که همانند یک صفت عمل میکند، یک عدد، یک ضمیر و یا یک وصفی باشد. مثال:

Üç baş sygyr (سه رأس گاو)

Üç sany adam (سه نفر مرد)

Sabyr daýza (خاله صبر (اسم خاص))

Dostum Aman 'دوستم آمان'
Süýji üzüm 'انگور شیرین'
Daş kömür 'ذغال سنگ'
Edýän işim 'کاری که میکنم'
Garaşylmadyk ýagdaý 'وضعیت غیر مترقبه'

۴- گروه صفتی

مسند صفت، یک قید یا هم ارز آن، صفت تأکیدی، صفت تفضیلی یا عالی، تکرار کلمه، یک اسم دارای حالت‌های اسمی و یا یک وصفی همراه با مفعول یا متمم است. مثال:

Örän oňat 'خیلی خوب'
Beýik-beýik 'بزرگ'
Göm-gök 'آبی سیر'
Diýjegini bilmän 'بدون دانستن اینکه چه بگوید'
Jogap berip bilmän... 'بدون اینکه بتواند جواب دهد...'
Deňiz kölden uly. 'دریا از دریاچه بزرگتر است.'
Aman menden gowurak 'آمان بهتر از من است.'
Ol iň bagtly. 'او خوشبخت‌ترین است.'

b- جمله مرکب

یک جمله مرکب حداقل از دو عنصر که با یا بدون حرف ربط همپایگی به یکدیگر متصل شده اند ساخته می شود.

حروف ربط دارای ریشه فارسی -ki، چünki و meger دارای عملکردی مشابه آنچه که در زبان خاستگاه (فارسی) هستند، می باشند و معرف بندهایی هستند که به دنبال بند اصلی می آیند. مثال:

Mert oldyr ki bola köňli rehimli. 'مرد آن کسی است که قلب رئوفی داشته باشد.'
Gök gürledi, ýöne ýagys ýagmady. 'رعد و برق شد ولی باران نیامد.'
Bu kitab elden ele geçýär çünki ol örän gyzykly.
'این کتاب دست به دست می چرخد، چون کتاب جالبی است.'

ترتیب اجزای جمله

در یک جمله ساده، فعل بعد از فاعل می آید. مثال:

Aman üsgürdi. 'آمان سرفه کرد.'
Gap-çanak ýygnaldi. 'ظرفها جمع شد.'

- تحت تأثیر زبان روسی ، موارد اندکی از حالت عکس این ترتیب مشاهده می شود.

Gepleyär aşgabat. 'اینجا عشق آباد است (راديو).'

- جمله پرسشی نیز دارای همین ترتیب است با این تفاوت که جزئی سؤالی به انتهای جمله خبری می چسبد و تکیه می گیرد.

Siz mugollymmy? 'آیا شما معلم هستید؟'

Ony görýärmisiň? 'آیا آن را می بینی؟'

در جملات ساده دارای متمم ، اگر فاعل مؤکد (دارای تأکید) باشد، بلافاصله قبل از فعل قرار می گیرد.

Amanyň içinde gep ýatmajagyna biz ynanýars.

'ما معتقدیم که آمان راز دار نیست.'

- اگر گزاره دارای کلماتی مثل *bar* ، *ýok* ، *ýok* ، *gerek* یا *kän* باشد در انتهای جمله می آید.

Şo gün onuň etmeli derwaýys işleri bardy. 'آن روز ، او کارهای ضروری داشت.'

- در زبان شعری ، فعل در ابتدای جمله می تواند قرار گیرد.

Arzuwdyr adamyň göwün ganaty.⁷⁹ 'آرزو ، بال پرواز خیال آدمی است.'

اگر مسندالیه دارای بیش از یک مسند باشد ، به ترتیب زیر قرار می گیرند.

صفت + عدد + ضمیر + قید + مضاف الیه

مثال:

Türkmenbaşy gippodromymyň ösdürip ýetişdiren bu iki gaza aty her ýyl pellehana birinji bolup gelýär.

'این دو اسب سیاه پرورش یافته در مرکز پرورش اسب ترکمن باشی هر سال مقام اول را کسب می کنند.'

- اگر بیش از یک اسناد ، به یک مقوله دستوری نسبت داده شود ، اسناد ساده (غیر مشتق) و یا مهم (از لحاظ معنایی) در کنار مسندالیه قرار می گیرد:

Onuň zzy bilen,bir murtly ýaragly adam girdi.

'به دنبال او ، یک شخص سبیلو و مسلح وارد شد.'

Süýtly gara çaymy? 'چایی سیاه با شیر؟'

- در یک جمله ای که دارای انواع مفعول مستقیم و غیر مستقیم و ظرفها است ، رعایت ترتیب زیر به قاعده نزدیکتر است.

فعل + مفعول مستقیم + مفعول غیر مستقیم + ظرف + فاعل

مثال:

⁷⁹ magtymguly

’من فردا به شما پول خواهم داد.‘
Men ertir size pul bererin.

برای برجسته کردن و تأکید بر عنصری گاه ترتیب فوق تغییر داده می شود. مثال:

’فردا من به شما پول خواهم داد. (نه چیز دیگر).‘
Ertir men size pul bererin.

’من فردا پول به شما خواهم داد. (نه کس دیگر).‘
Men ertir pul size bererin.

’من پول به شما فردا خواهم داد. (نه وقت دیگر).‘
Men pul size ertir bererin.

’فردا پول را به شما من خواهم داد. (نه کس دیگر).‘
Ertir pul size men bererin.

– مفعول مستقیم فاقد شناسه یا پایانه حالت ، بلافاصله قبل از فعل قرار می گیرد. مثال:

’تو چه تفنگی را می توانی استفاده کنی؟‘
Sen näme tüpeň atyp bilýarsıň?

’او به آخور اسب علف ریخت.‘
Ol atyň ahyryna ot dökdı.

– مفعول مستقیم دارای پایانه حالت یا ملکی در جمله دارای آزادی بیشتری است و راحت تر می تواند جابجا شود.

’من را پیش او ببرید.‘
Meni onyň ýanyna alyp baryň!

’آمان گرگ و گاو دیده بود.‘
Aman möjegi we sygyry görüpdı.

’من آن را از مادرم شنیدم.‘
Ony men ejämden eşitdim.

– با ظرفها و قیدها بهتر است ترتیب قیدی زیر را رعایت کنیم.

مقایسه – شیء – علت – کیفیت – مکان – زمان

’دیروز در انستیتو ، پروفیسور استولریو به بهترین برای دانشجویان ما تدریس کرد.‘
Düýn institutda professor stoleryýu örän ýagşy suratda studentlerimize bir leksiýa okady.

Günbatardan mylaýymjak şemal ösüp başlady.

’از غرب نسیم ملایمی شروع به وزیدن کرد.‘

– قید زمان و مکان بدون هیچگونه تفاوتی می توانند در کنار فاعل یا فعل قرار گیرند.

’او جوانی خود را در عشق آباد گذرانده بود.‘
Ol özüniň ýaşlyk döwrüni aşgabatda geçiripdi.

’دور شو از اینجا!‘
Göteril şu ýerden!

– اگر قیدهای زمان، مکان و شیوه هر سه در جمله وجود داشته باشند، باید به ترتیب زیر قرار گیرند.

شیوه-مکان-زمان

مثال:

Aman bildir aşgabada öz erkine gelipdi.

’آمان پارسال به عشق آباد به اختیار خود آمده بود.‘

– قیدهای علت اغلب قبل از گروه فعلی قرار می گیرند. مثال:

Ol her daýym şähre edebiýat almak üçin gelýärdi.

‘او هر از چند گاه برای تغذیه ادبی به شهر می آمد.’

ساختار وابستگی

یک بند وابسته، بندی است که به یک بند اصلی وابسته است. شاید بجا باشد بگوییم که یکی از ویژگیهای زبان ترکمنی عدم وجود بندهای وابسته است. در واقع، وابسته فارسی، در زبان ترکمنی در قالبهای دستوری بند قیدی، وصفی و یا به طور کاملاً ساده به شکل اسمی بیان می شود، چون در زبان ترکمنی ضمائر موصولی وجود ندارد. حرف موصولی «که» فارسی فاقد معادل مستقیم ترکمنی است و در برگردان از طریق وصفی ها بیان می شود. مثال:

من می دانم که تو پیش پزشک رفته بودی.

‘men seniň wraçyň ýanynda bolanyňy bilýärim.’ (وصفی گذشته)

(تحت اللفظی: بودند پیش پزشک را می دانم.)

مردی که دیروز آمد معلم است.

‘Düýn gelen adam mugallym.’ (وصفی گذشته)

او گفته بود که ساعت هشت شب ماشین خواهد فرستاد.

‘Agşam sagat skizde maşyn iberjeginiäýdypdy.’ (وصفی آینده)

تو می دانستی که من خواهم افتاد.

‘Sen meniň ýykyljagymy bilýärdiň.’ (وصفی آینده)

راهی که داریم می رویم راه ماری است.

‘biziň barýan ýolumyz mary ýolydyr.’ (وصفی حال)

در جمله فوق هر چند barýan صفت ýolumyz است، با اینحال از لحاظ منطقی نه با barýan بلکه با فاعل biz مرتبط است.

کشوری که به آن وارد شدید ترکمنستان است.

‘siziň gelen ýurduňyz türkmenistandyr.’ (وصفی گذشته)

دوباره، در اینجا نیز هر چند gelen به مثابه صفت برای ýurduňyz است ولی منطقی با فاعل siz مرتبط است نه با ýurduňyz.

این همان کسی است که درباره اش صحبت می کردی.

‘Bu seniň şol barada güörüň eden adamyň özi.’

جایی که دعوت نیستی نرو.

‘Çagyrylmadyk ýeriňe barma.’

این شهری بود که باید در آن می مردم.

‘Bu şäher meniň ölmeli ýerim boldy.’ (صورت الزام)

دختری را که پدرش معلم است دیدم.

‘Kakasy mugallym gyzy gördüm.’

در گفتار روزمره، معمولاً صورتهای فعل *diýmek* استفاده می شود.

Sen kim? Sen kim? Diyip gygyrdy. Men türkmen diýip, öz gursagyna urdy.

‘او فریاد زد تو کی هستی؟ تو کی هستی؟ او در حالی که به سینه خود می زد گفت من ترکمن هستم.’
ترکمن های ایران و افغانستان، علیرغم عدم وجود ضمیر موصولی در زبانشان، ضمیر موصولی فارسی *ki* - «که» را به کار می برند.

Sandali ki otyryn ‘صندلی که نشسته ام’

این صورت دستوری در زبان ترکمنی استاندارد پذیرفته نیست و به عنوان تخطی شدید از اصول دستور شناخته می شود.

بند قیدی منظور

بند قیدی منظور با پس-اضافه *üçin*، یک وصفی، یک ادات، صورت قیدی فعل و یا حالت به ای ساخته می شود.

Men otláyetişjek bolup howlugýaryn. ‘من برای رسیدن به قطار عجله دارم.’

Täze bir zat öwrenmek üçin, wagtdan peýdalanmak zerur.

‘برای یادگیری چیزی جدید، باید از وقت (به خوبی) استفاده کنیم.’

Men siziň bilen aç-açan söhbet etmek üçin geldim.

‘برای صحبت کردن صادقانه با شما آمده ام.’

Aman bu gün bizi deňiziň içindäki adalary görkezmäge alyp gitjek.

‘آمان امروز ما را برای نشان دادن جزیره های داخل دریا خواهد برد.’

بند قیدی روش

در این نوع بند، صورت قیدی فعل و صورتهای وصفی استفاده می شود.

mezden بدون

zordan به زحمت

üstesine , başga + حالت به ای نه فقط

bakmazdan علیرغم ، بدون ملاحظه ی

deregine + صورت قیدی فعل به جای

ça/-çe + پایانه + وصفی گذشته با dik به اندازه ی

مثال:

Ol işlemegiň deregine, gezipýör. 'او به جای کار کردن، می گردد.'
 Düýe aýaklarynyň duşakly bolmagyna bakman örän çalasyn gidipdir.
 'شتر علیرغم به هم بند بودن پاهایش خیلی تند رفته است.'
 Ol alym, onuň üstesine-de, ýazyjy. 'او دانشمند است، علاوه بر آن نویسنده است.'
 Ol zordan ýöreyär. 'او به زحمت راه می رود.'
 Ol jogap bermezden, içeri girdi. 'او به جای جواب دادن، داخل رفت.'
 Bildigimçe aýdýaryn. 'تا جایی که می دانم می گویم.'

جمله شرطی

شرط در زبان ترکمنی با وجه شرطی که دارای ارزشی متفاوت از آنچه در زبان فارسی داراست می باشد، ساخته می شود. همچنین از فعل کمکی gerek، وجه الزام یا قیدهایی از نوع mümkün و ادات eger استفاده می شود.

اگر، در صورتی که : eger, bardy-geldi, bilip bolmaz

مثال :

Ýöne, göwnüme bolmasa, ýaş gyz meniň aýdanymy eşitmän giden ýaly görüňdi.

'ولی، اگر اشتباه نکنم، دختر جوان گویا حرف من را نشنید و رفت.'

Bu görnüşi hudožnikleriň eserlerinde görsedim oňa, fantaziýa diýärdim.

'اگر این تصویر را در اثر هنرمندان می دیدم، به آن فانتزی می گفتم.'

Mümkün bolsa, men iki kilo käşir alasyň gelýär.

'اگر ممکن است، میخواستم دو کیلو هویج بخرم.'

Eger uruş gutarsady, bizem dynjakdyk!

'اگر جنگ تمام می شد ما هم نفس راحتی می کشیدیم.'

بند قید زمان

این بندها بر اساس اینکه مبین عمل قبلی، همزمان، و یا بعدی رویداد اصلی باشند فرق می کنند و با پس-اضافه های مناسب می آیند.

زمان ما بعد

soň + حالت ازی

بعد از آنکه :

badyna + (پایانه های شخص) + وصفی گذشته

به محض اینکه :

ja/-je + badyna + (پایانه های شخص) + وصفی گذشته

-dik/-dyk + (پایانه های شخص)

-agada/-ägedede

تا زمانی که : -ýança/-ýänçä + (پایانه های شخص)

تا کنون : bári

تا اندازه ای که : -inçe/-ynça + (پایانه های شخص)

مثال :

‘تا زمانی که او بیاید، من نخواهم رفت.’ Şol gelyänçä men gitjek däl.

Aman kitabyňy aldygy badyna mekdebe gider.

‘آمان به محض اینکه کتابش را بگیرد، به مدرسه خواهد رفت.’

‘به محض اینکه او را دیدم فریاد زدم.’ Ony göräde gygyrdym.

‘به محض اینکه به خانه رسیدی، نامه بنویس.’ Oýe baranja badyňa hat ýaz.

‘به محض اینکه بگیریم ...’ Alanja badymyza ...

Biz myhmanhanada ýerleşenimizden soň, Aman geldi.

‘بعد از آنکه ما در مسافرخانه مستقر شدیم، آمان آمد.’

Mugallym bilen gepleşemden soň, ol meni öýüne myhmançylyga çagyrdy. ‘بعد از آنکه با معلم هم صحبت شدم، او من را برای مهمانی به خانه اش دعوت کرد.’

‘از وقتی که تو رفتی، من خوشبخت نیستم.’ Sen gideniň bári, men bagtly däl.

‘تا زمانی که بمیرم به فکر تو هستم.’ Tä ölinçäm, men çykmaz hyýalyň.

همزمانی :

- هنگامی که :

(ملکی +) wagt + وصفی

ح. جایگاهی + وصفی

(پایانه های شخص +) Ka/-kä

- در زمانی که :

ka/-kä + قیدی (منفی) به شکل -man/-män

مثال :

‘وقتی من آمدم تو نبودی.’ Men gelen wagtyň sen ýokdyň.

‘وقتی کوچک بودم، ترکمنی صحبت نمی کردم.’ Kiçikäm türkmençe geplemeyärdim.

Bu taglymaty göz öňüne tutýarkak, öz işlerimizde üstünlükler gazanjakdyrys.

‘تا زمانی که این تعلیمات آویزه گوشمان باشد، در کارهایمان موفق خواهیم بود.’

Biz teatrdan köçä çykamyzda , bize garaşýan ýokdy.

‘وقتی از تئاتر خارج شده به خیابان آمدم، کسی منتظر ما نبود.’

Habary eşidip, begenjimizden ýaňa iki bolup bilmedik.

’وقتی خبر را شنیدیم، از شدت خوشحالی در پوست خود نمی گنجیدیم.’

زمان ما قبل:

mezden (mazdan) + öň

قبل از:

مثال:

Jogap bermezden öň, pikir et. ’قبل از جواب دادن فکر کن.’

Ýöne weli, gitmezden öň mälüm etdi. ’ولی قبل از رفتن آگاهمان کرد.’

Bu sowalyň jogabyna girişmezden öň, beýleki hatyň mazmunyna seredeliň. ’قبل از پرداختن به جواب این سؤال، یک نگاهی به محتوای نامه دیگر بیندازیم.’

بند قیدی علت

همانند بندهای قیدی زمان، بندهای قیدی علت نیز در اغلب موارد حول پس-اضافه ها سازمان

می یابند:

به علت:

Netijesinde , görä, (sebäpli) üçin + حالت به ای

علیرغم:

garamazdan , hem bolsa

hem + شرطی

صرف نظر از، علیرغم:

garamazdan + حالت به ای

مثال:

Kesel netijesinde, şu gün gelmez. ’به علت کسالت امروز نخواهد آمد.’

Men ýuwaş ýöräp gitsem hem, okuwa wagtyndabardym.

’من با یواش راه رفتنم به موقع به مدرسه رسیدم.’

Men görsem hem, bize gepleşmek miýesser etmedi.

’من هرچند او را دیدم ولی میسر نشد که با هم صحبت کنیم.’

Mary gadymy şäher bolany üçin, köçeler onçakly giň däl, maşynlar bir ýüzli gatnaýar.

’به خاطر اینکه مرو شهری قدیمی است و خیابانها چندان وسیع نیستند، ماشینها یک طرفه حرکت می کنند.’

Bursada tut agaçlary köp bolany üçin, ýüpek fabrikleri-de meşhur.

’به خاطر اینکه در بورسا درختان توت زیادی وجود دارد، کارخانه های ابریشم اش مشهور است.’

بند ظرف مکان

بر اساس جهت، منبع یا مقصد حرکت، بندهای ظرف مکان با یکی از سه حالت ویژه ترکمنی ساخته می شود: حالت جایگاهی (مکان)، حالت مفعولی با واسطه (به ای)، حالت ازی (منبع). در عین حال برای بیان بندهای موصولی مبین مکان در زبان فارسی، زبان ترکمنی به gerondif و وصفی ها متوسل می شود.

Men jaýyň duran ýerine seretdim. ‘من به جایی که ساختمان در آن است نگاه کردم.’
Güzere ýetilen ýerde ýol üç aýyrda bolünýärdi.

Ol ses gelyän otaga gitdi. ‘او به اتاقی که از آن صدا می آمد رفت.’